تاریخ تحویل به صحافی ۷۲/۹/۱۰
برگشت ۷۳/۲/۸

پیغمبران میکند و بعد از ان برای خود و دوستان دعا میکا

دُعَا[ؤُهُ] من دعائه اذا ابتدا بالدعاء بدء بالتحمید لله

و جل و الثناء علیه حضرت امام زین العابدین علیه السلام

چون ابتدا بدعا نمودی اول حمد و ثنای حق تعالی نمودی

بانچه این کلمات ترجمه آن و قریب بآنست

سپاس بی قیاس خدایرا که اول اشیاست قدیم بی ابتدا و آخر

اشیاست باقی بلا انتها خداوندی که دیدهٔ بینندگان از دیدن

او قاصر است و اندیشه صاحب ضمیران از وصف او عاجز است

مبدع کاینات و مخترع موجودات ایجاد کرد عالمیانرا بر طبق

مشیت خویش و بنیاد کرد جهانرا بر وفق ارادت خویش پدید

آورد هر دو جهانرا بعد انکه هیچ نبود و بیافرید زمین و آسمان

و انس و جن را و بایشان محتاج نبود هر خلق را برای امری

ایجاد نمود و هر کس را بکاری یقین فرمود هیچکس نتواند از

انچه او تقدیر کرده پای باز پس کشیدن یا بانچه قضا نکرده پیش

گرفتن روزی هر کس با او بیافرید و قسمت او مقدر

کرد نتواند کسی آنرا کم نمودن چون او افزوده باشد

نتواند افزودن چون کم کرده باشد پس هرکس را اجلی
معین نموده و مدتی مقرر فرموده تا آن مدت بسر نیاید اجل
او از در در نیاید و نتواند پیش از اجل مردن بمیرد و نتواند از
ان بزید که و اذا جاء اجلهم لا یستاخرون ساعة ولا یستقدمون
روز و ماه و سال آدمی را با اجل موعود نزدیک میگرداند و زمان
زندگی بسر می آورد و بغفلت و تعدی سوی مرگ میراند
هر روز کامیت گام بمنزل آخرت شخص مینهد و هر سال مرحله
ایست از عمر قطع میکند و چون حق عز و جل روزی بر ما
تمام گرداند و پیمانه حیات بر ما تمام به پیماید ما را بان سرا
خواند و انچه در این جهان اندوخته ایم جزای آن باشد بما
رساند و مکافات ان بستاند کما قال تعالی لیجزی الذین
اساؤا بما عملوا ویجزی الذین احسنوا بالحسنی کسی را بر خداوند
سوال نرسد در انچه بقدرت قاهره تقدیر نموده است
و در ام مقال نباشد در انچه بحکمت کامله قضا رفته است فرمود
است بلکه سوال خدا را رسد بر بندگان نه بندگان را از خالق
خالق عالمیان کما قال تعالی لا یسئل عما یفعل وهم یسئلون

وسپاس

وسپاس و حمد خدای را که ما را بحمد و سپاس خود هدایت
نمود و بطریق بندگی و شکر دلالت نمود اگر او ما را باین فضل
کبری و سعادت عظمی راه ننمود و ابواب این معرفت
جلیل بر روی دل ما نمیکشود هر آینه نعمت او بکار نبردیم همچو
بیخبران و در مرتع هوا و هوس میچریدیم همچو چارپایان به عظمت
او تعالی شانه نشناخته و نه قدر نعمتهای بیکران او دانسته
راه طاعت نپرده و در نظر عنایت او خود را جلوه نموده همچو
بهایم علفخوار که جز باخورد و خواب سرکاری ندارند و از معرفت
و عبادت پروردگار مطلق برکنارند پس مانند آن قوم میبودیم
که حق عز و جل در حق ایشان فرمود انهم کالانعام بل هم
اضل سبیلا سپاس خدای راست دیگر بار بر نعمت بیکران و الطاف
بی پایان او از انجمله انکه ما را بخود معرفت بخشید و مانده رحمت
خود بر ادنی و اعلی یکسان کشید و همه را بشکر خود الهام نمود
و بطریق عبادت اعلام نمود ابواب علم پروردگاری خود بر روی
ما بکشود و قواعد اخلاص در عبودیت بین فرمود بیین فرمود
ما را بتوحید خود خواند و از شک و الحاد دور گرداند حمد خدای را

چنان حمدی که بآن زندگانی کنیم در جمله حامدان وپیشی گیریم بر پیشی
تکان حمدی که روشن گرداند خدای عز وجل برای ما بآن جمله
ظلمات برزخ وآسان گرداند بر ما آن مبعث را وشریف گرداند
بآن منازل ما را در مواقف اشهاد وخیار عباد روز معاد روزی
که هر کس جزای عمل خود یابد و بر کسی ظلم نرود در روزی که
هیچ یار از یار کاری کفایت نکند ورنجی بر ندارد وکسی را
از روز ناصری نباشد حمدی که بالا رود از ما اعلی علیین
در کتابی مرقوم که شاهد ند نزد او مقربان حمدی که روشن
شود بآن چشمهای ما روزی که خیره شود وسفید شود بآن رو
یهای ما را روزی که رویها سیاه گردد حمدی که آزاد گردیم
بآن از عذاب الیم و برسیم بجوار کریم رب رحیم حمدی که
مزاحمت نمائیم بر ملایکه مقربین ومنضم گردیم با انبیاء مرسلین
در دار المقام جنت ودار السلام بهشت که زوال ندارد
ومحل کرامت حق که از جای نمیگردد وحمد خدای را که اختیار
کرد برای ما محاسن خلق وجاری گردانید طیبات رزق
ما را فضیلت داد بر همه خلق بغلبه مالکیت پس همه خلق

او ما را منقاد ومطیعند بقدرت او وفرمان بردارند ما را بعزت
او وحمد خدای را که بربست از ما در احتیاج مگر بسوی او وسر ما
طاقت داریم حمد او را یا کی میتوانیم ادا کردن شکر او را نه کی
هرگز وحمد خدای را که در خلقت ما آلات بست وگشاد وبیافرید
ودر جویبار اندام ما آب جان روان گردانید واعضا وجوارح
در ما بنهاد وبطیبات رزق وروزی داد وبفضل خود توا نکر
ساخت ولباس زربفت واسباب وآلات بنواخت پس ما را
از آن امر کرد بعبادت ونهی کرد از معصیت تا امتحان کند
صبر وشکر ما را پس خلاف کردیم امر او را وارتکاب نمودیم
نهی او را وحق تعالی در عقوبت ما شتاب ننمود ودر
مواخذت ما تعجیل نفرمود بلکه تانی ومدارا نمود برحمت
خود از بزرگواری خویش وانتظار برد تا باز گردیم از معصیت
تا توبه کنیم بمهربانی خویش وحمد خدای را که ما را راه نمود به
توبه از محض فضیلت ودر توبه بر روی ما بگشود از غایت
مرحمت اگر غیر این نعمت ما را نمیداد هر آینه نعمت
او بر ما پس بزرگ بود واحسان او نزد ما چه جلیل

وفضل او برما چه جسیم بود زیراکه سنت او در توبه با پیشینیان
برایمنوال بلکه کار برایشان در توبه بسی دشوار بود
مارا افزدن از طاعت تکلیف ننمود و فوق قدرت
امر نفرمود برما کار آسان گرفت نه دشوار تنگ نگرفت
آفریدکار برای ما عذری نگذاشت و حجتی باقی نداشت
تا ما بهانه آوریم و آن عذر را حجت سازیم پس هالک
نگشت کسی از بندگان مگر بجراحت و سوء اختیار خود و ناجی
نگشت مگر برغبت و طاعت پروردگار خود و حمد خدا را
بهر حمد که نزدیکترین فرشتگان و گرامیترین خلقان
و پسندیده ترین حمد کنندگان کرده اند حمدی چنان که بر همه
حمدها فاضل و فایق باشد همچو فضل پروردگار ما بر همه خلق
خویش باز حمد خدا را بجای هر نعمت که ما را بخشیده است
یا بندگان گذشته یا آینده را بعد د آنچه علم او بآن محیطست
از اشیا و بجای هر یک نعمت از آن اضعاف مضاعف
بشماران دایم و جاوید تا روز قیامت حمدی که منتها
نباشد اندازه آنرا و حساب نباشد شمار آنرا و رسیدن
بغایت

بغایت او متصور نبود و زمان او هرگز بریده نگردد حمدی،
که ما را با طاعت و عفو او بپیوند دهد و برضای او سبب
گردد و بمغفرت او وسیله شود و بجنت او راه باشد و از:
عقوبت او در پناه گیرد و از غضب او ایمن گرداند و بر طاعت
او یاوری دهد و از معصیت او مانع گردد و بر شکر او و ادای
حق او نصرت کند حمدی که به سبب آن مستعد گردیم در جمله
سعیدان از دوستان او و منظم شویم در نظم شهیدان بشمشیر
او انه ولی حمید و کان من دعائه بعد هذا التحمید الصلوة
علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دعای دوم حضرت
امام زین العابدین علیه السلام بعد از حمد خدا صلوة بر رسول
خدا فرستادی بمثل این کلمات حمد خدا را که بر ما منت نهاد
بمحمد نبی خود رحمت کناد خدا یا بر او و بر آلش و او را بما فرستاد
و نه بامم پیشین و قرون اولین بقدرت خود که هیچ چیز عاجز
نگردد هر چند عظیم باشد و هیچ چیز از و فوت نگردد هر چند
لطیف و پوشیده باشد پس ختم کرد بما بر جمیع آفریدگان
و گردانید ما را گواهان بر منکران و بسیار گردانید ما را

بفضل خود بر دیکران خداوندا رحمت کن بر محمد امین وحی
تو ونجیب خلق تو وصفی عباد تو امام رحمت وقاید خیر
ومفتاح برکت چنانچه او برای امر تو جان خود را در جفا
نهاده وتن بسختی وبلا داد وبا خویشان در راه تو
دشمنی آشکارا ساخت وبا قبیله واقوام صلای محاربه در
داد ودر احیای دین تو از خویش وپیوند برید ونزدیکان را
برای انکار دین تو دور کردانید ودوران را برای اجابت
امر تو نزدیک کردانید ودوستی کرد در راه تو با بیکانکان
ودشمنی کرد با خویشان ونزدیکان ودر رنج انداخت
خود را در تبلیغ رسالت تو وتعب داد نفس خود را بخواندن
خلق سوی ملت تو ومشغول ساخت خود را بنصیحت
تابعان دعوت تو ومهاجرت نمود ببلاد غربت ودور
شد از وطن وموضع ومولادت که انجا انس کرفته بود و
قدم انجا نهاده بود وبار هستی انجا کشوده بود تا دین
ترا غالب کرداند واز کافران انتقام تو بستاند و
چندان کوشید وبرجهای ~~کوشید~~ فترد تا انچه درباره

دشمنان

دشمنان تو قصد داشت باتمام رسید وانچه برای
تو میخواست منتظم کردید پس بعد از ان از مدینه طیبه
آهنک قتال کفار مکه نمود که در حالتی که از عون تو نصرت
میخواست ونصرت تو با ضعف خود دل قوی میداشت
پس جهاد کرد با ایشان در میان دیارشان وبر ایشان
تاخت در ساحت قرارشان تا انکه امر تو ظاهر شد وکلمه
تو بالا کرفت هرچند مشرکان کاره بودند وغم میخوردند
بارخدایا پس او را بلند کردان برای رنجی که کشید
بپایه بالاترین از جنت خویش ~~بپ~~ تا هیچکس با او در منزلت
مساوی نباشد ودر مرتبت وقرب نزد تو موازی
نباشد نه ملکی مقرب ونه نبی مرسل وبشناسان او
او را در میان اهل بیت طاهرین او وامت مؤمنین
او از شفاعت نیکو بزرکتر از انچه وعده داده او را آی
از انکه وعدهای تو نافذ است وکفتار تو وافیست ای
انکه سیئات را باضعاف آن حسنات مبدل میکردانی
انک ذو الفضل العظیم وکان من دعائه فی الصلوة علی

بقد العرش وکل ملک المقرب و بعد ازین درود صلوة برجا
ملان عرش و ملایکه مقربین منفرمودند خداوا حاملان
عرش تو که ایشانرا از تسبیح تو فتوری نرسد و از تقدیس
تو ملولی نگردد و از عبادت تو مانده نشوند و در امر تو تقصیر
بجای جد و سعی اختیار نکنند و پیوسته واله تو باشند و غا
فل نگردند و اسرافیل که صاحب صور است چشم دوخته است
منتظر بر امر تو که چه وقت اذن دهی پس بدمد در ان
صور و بیدار گرداند خفتگان قبور را و میکائیل که صاحب
جاه و منزلت است نزد تو مکان رفیع دار و از طاعت
تو و جبرئیل که امین است بر وحی تو و مطاع است
در اهل آسمانها و با مکانت نزد تو و مقرب پیش
تو در وحی که در ملایکه حجابهاست در وحی که از امر توست
خداوند رحمت بر ایشان و بر ملایکه که فروتر از ایشانند
از ساکنان آسمانها و امینان بر رسالتها و انان که ملول
نمیگردند از تنگ و پوی کردن و مانده نمیشوند از رنج
و تعب کشیدن و مشغول نمیکند شان از تسبیح تو شهوتهای
نفس

نفس و هوا و نمیبرد شان از تعظیم تو سهو غفلتها خاشعت
دیدها شان نگاه نمیکنند از هیبت سوی تو در زیر افتاده سرها
شان روزگاری درازست که خواهشگری میکنند از فضل
تو شیفتگانند بیاد نعماء تو متواضعانند پیش عظمت
و جلال کبریای تو و آنانی که میگویند وقتی که نظر میکنند
سوی جهنم و میشنوند بانگ او را بر عاصیان سبحانک
ما عبدناک حق عبادتک یا خداوندا ما عبادت نکردیم
ترا چنانچه شایسته آنی پس رحمت کن بر ایشان و بر روحانیان
از فرشتگان تو و اهل قرب و منزلت نزد تو و حاملان غیب
بسوی رسولان تو و آنانی که امینند بوحی تو و قبیلهای
فرشتگان که ایشانرا برای خود اختصاص ده و از طعام
و شراب بتقدیس خود بی نیاز گردانیده و در بطون
اطباق سموات مسکن داده و آنانی که بر کرانهای سمواتند
وقتی که امر نازل شود بتمام وعده تو و قیامت و قایم
شود و خازنان باران در انندگان ابرها و انان که از صوت
زجر ایشان شنیده میگردد آوای رعدها و چه میشتابند

ببانك ایشان ابرها درخشیده میشود و صاعقها و برقها
و آنانکه مشایعت برق و تکرت میکنند و با قطرات باران
فرود می آیند و آنانکه قیمانند بر خزاین بادها و موکلند :
بکوهها تا از جای نرود و آنانکه شناسانیده ایشانرا وز
نهای آب و پیمانه بارانها که تند درهم فرود می آید
و رسولان که میفرستی از فرشتگان با اهل زمین برای
نزول ناخوشی و رخاو میان جیان کریمان نیکان و
حافظان کرام نویسندگان و ملك الموت و مددکاران
او و منکر و نکیر و مبشر و بشیر و رومان فتان قبور و آنان
که طواف میکنند بیت المعمور را و مالك دوزخ و خازنان
بهشت و رضوان و سایر خادمان و نگهبانان جنان
و آنان که معصیت نمیکنند امر خدایرا و بجای می آورند
هرچه بآن معمور میکردند و آنانی که میگویند اهل جنت
سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار سلام بر شما باد
وازانچه صبر کردید در دار دنیا بر طاعت و متابعت
امر خالق تعالی چه خوب عاقبتیت این سرا و فرشتگان

زبانیه نوزده گانه که چون گفته میشود با ایشان بگیرید
این عاصی را پس غل بر نهید در جحیم افکنید میشتابند
زود در امتثال فرمان و مهلت نمیدهندشان و آن
فرشتگان که ذکر ایشان از یاد انداختیم یاد رو هم ما میکنذ
رد و نمیدانیم مکانشان از توجیت و بچه کار موکل :
ساخته و ساکنان هوا و زمین و آب و آنان که بر خلق
گماشته پس رحمت بر ایشان روزی که بیاید هر نفسی
با او قایمی و گواهی باشد و رحمت کن بر ایشان رحمتی
که زیاد کرداند ایشانرا کرامت بر کرامتشان و طهارت
بر طهارتشان خداوندا و هرگاه رحمت کردی بر ملایکه
و رسولان خود و رسانیدی بایشان صلوة و دعای
ما را بر ایشان پس رحمت کن بر ما باز از انچه کشودی
از برای ما و توفیق دادی از گفتار نیکو درباره ایشان
انك جواد کریم و کان من دعائه علیه السلام فی الصلوة
علی اتباع الرسل و مصدقیهم و آنحضرت در صلوة بر تابعان
پیغمبران و گرویدگان ایشان از صحابه و تابعین و سایر

امت این پیغمبر دعا فرمودند خداوندا تابعان وگروندگان
رسولان بتصدیق وتسلیم از اهل زمین بانچه آوردند
از اخبار غیب وقتی که معاندان معارضه مینمودند
با ایشان وتکذیب واز باب اشتیاق بملاقات رسولان
بحقایق ایمان خویش در هر روزگار وزمانی که فرستا
دی رسولی وبرپای کردی برای اهل آن زمان دلیلی
از زمان آدم تا زمان محمد که خاتم است صلی الله علیه وآله
از پیشوایان هدا وخاندان اهل تقی برجمیع ایشان سلام
باد پس یاد کن ایشانرا الهی از خود بمغفرتی ورضوانی
خداوندا وعلی التخصیص اصحاب محمد آنانکه نیکو صحا
بت کردند وآنانکه رنجها کشیدند وخدمتهای خوب
بجای آوردند در نصرت او واو را در کنف حمایت
خود گرفتند وبدرگاه او بشتافتند وبدعوت او مسا
بقت وا مرا او را اجابت نمودند وقتی که حجت رسالت
خود را ایشانرا بشنوانید وجدا گشتند از زنان وفر
زندان برای اعلاء کلمه او وجنگ کردند با پدران
ویسران

ویسران در ثبوت نبوت او وبا و نصرت جستند وآنان
که منطوی بودند بر محبت او وامید سود جاودانی
داشته در مودت او وآنان که قوم وعشیرت از ایشان
هجرت کردند وجدا گشتند وقتی که چنگ در عروه او
زدند وخویشان از ایشان دور شدند وقتی که در سایه
خویش او ساکن گشتند پس فراموش مکن خدایا انچه
برای تو ودر راه تو ترک دادند ودل بر نصرت دین
تو وتحمل جفاها نهادند وراضی کردا ایشانرا از رضوان
خویش بعوض این سعیها که کردند وخلق را بر دین تو
جمع آوردند وبهمراهی پیغمبر تو مردم را بسوی تو دعوت
نمودند وثواب بخش بر مهاجرتی که در راه تو از دیار قوم
خود کردند واز معاش فراخ به تنگی وسختی در پردن شدند
وجفا بر ایشان بسیار رفت تا اعراض دین تو نمودند
خداوندا برسان بتابعین اصحاب که متابعت نیکو
کردند آنان که میگفتند پروردگارا بیامرز ما را وبرادران
ما را که بر ما سبقت کردند بایمان وجزا ده ابهترین جزای

خویش آنان که بر سمت اصحاب شدند و روی با ایشان
کردند و بر طریقت ایشان رفتند باز نگردانید شان
از متابعت ایشان شکی در نیت و فتوری در بصیرت
و مانع نشد از اقتدا با آثار ایشان دغدغه در عزیمت
و خللی در صدق عقیدت مگر بحمایت و اعانت ایشان
دل بستند و بدین ایشان خدای عز و جل را طاعت
کردند و ببصیرت ایشان مهتدی گشتند اتفاق دارند
بر ایشان نه اختلاف و متهم نمیسازند شان در انچه
میرسانند از آثار و روایت میکنند از اخبار خداوندا
رحمت کن بر تابعین از امروز تا یوم دین بر زنان
ایشان و ذریات ایشان چنان رحمتی که نگهدارے
ایشانرا بآن از معصیت خویش و کشاده گردانی
برای ایشان ریاض جنت خویش و بازداری شان
بان از مکر شیطان و نصرت کیشان بآن بر کار
خیر که نصرت میخواهند از تو بران کار و نگاهدار
یشان از حوادث شب و روز مگر آنحادثه که بخیر
در

در بگوید و برانگیزیشان بآن بر اعتقاد امید نیکت بتو
و طمع در انچه نزد تست پس چشم بدیگری ندارد و بر
انچه در دستهای عباد ست متهم یا حریص نباشد تا باز
گردانیشان از در خلق سوی خویش و خوف و هیبت
از تو و زاهد گردانیشان در فراخی دنیا و دوست گردانی
در دلشان عمل برای عقبی و تهیه زاد بعد از مرگ
و رحلت ازین سرا و آسان گردانی بر ایشان هر اندوه
هر اندوه و غم که فرود آید روز بیرون شدن جان
از ابدان و عافیت بخشیشان از هر فتنه که حذر واجب
است ازان و از افتادن در آتش و جاوید ماندن
دران و بگردانیشان مقیم امن و امان و در راحت
برای مقتیان و کان من دعائه لقبه و اهل ولایة
انحضرت برای دوستان خود بعد از تحمید و صلوه بر رسول
و بر ملایکه و تابعین رسل بمثل این کلمات دعا میفرمودند
ای خداوندی که تمام شدن ندارد عجایب عظمت تو
رحمت کن بر محمد و آلش باز دار ما را از عدول نمودن از حق

در طریقت عظمت خود ای خداوندی که منتهی شدن ندا ند
مدت وسلطنت تو رحمت کن بر محمد و آلش و آزاد گردان
گردنهای ما را از عقوبت خود ای آنکه فانی نمیگردد فراخی
رحمت تو رحمت کن بر محمد و آلش و بگردان برای ما
نصیبی در رحمت خود ای آنکه منقطع میشود پیش دیدن
تو دیدها رحمت کن بر محمد و آلش نزدیک گردان ما را
بقرب و منزلت خود ای آنکه خورد است و حقیر نزد بزرگی
و قدر تو قدرهای رحمت کن بر محمد و آلش و ما را مخصوص
دار بکرامت خود ای آنکه ظاهر است نزد تو پنهان
چیزها رحمت کن بر محمد و آلش و رسوا مگردان ما را در حضرت
خداوندا بی نیاز گردان ما را از بخشش بخشندگان
ببخشش خود و کفایت کن از ما وحشت برندگان بو
صیلت خود تا نجوییم چیزی از کسی یا بذل تو دستوحش
نگردیم از بی لطفی کسی با فضل تو خداوندا رحمت
کن بر محمد و آلش و برای ما کید کن و بر ما مکن و برای
ما مکر کن و بما مکر مکن و دولت بما رسان و از ما بدیگران
مگردان

مگردان خداوندا رحمت کن بر محمد و آلش و نگاهدار ما را از
خود و محافظت کن بخود و هدایت کن بسوی خود و دور
مگردان از جناب خود زیرا که هر کرا که تو نگهداری سالم میماند
و هر کرا تو هدایت کنی عالم میگردد و هر کرا تو نزدیک گردانی بخود
و غنیمت و ظفر می یابد خدایا رحمت کن بر محمد و آلش و باز
دار از ما سختی مصیبتهای زمان و شر و مکرهای شیطان و تلخی
صولت سلطان خداوندا هر که چیزی کفایت میکند
بفضل قوت تست پس رحمت کن بر محمد و آلش و ما را و
ما را کفایت کن و هر که چیزی می بخشد از فضل و عطیت
تست پس رحمت کن بر محمد و آلش و ما را ببخش و هر که راه
می یابد بنور وجه تو می یابد پس رحمت کن بر محمد و آلش
و ما را هدایت کن خداوندا هر که را تو ناصر باشی ضرر نمیرسد
او را خذلان همه خاذلین و هر کرا تو هدایت کنی گمراه نمیسازد
و اضلال مضلین پس رحمت کن بر محمد و آلش و باز دار ما را بعزت
خود از بندگان خود و بی نیاز کن از غیر خود بعطا و احسان
خود و ببر ما را در راه حق بدلالت و اعلام خود خداوندا

رحمت کن بر محمد و آل او و سالم دار دلهای ما را در یاد عظمت
خود و فارغ ساز ابدان ما را در شکر نعمت خود و روان
گردان زبانهای ما را در وصف منت خود خداوندا رحمت
کن بر محمد و آلش و بگردان ما را از آنان که بسوی تو میخوانند
و میدوانند و بتو راه مینمایند کم شد کار او بگردان ما را از خا
صان نزدیک خویش یا ارحم الراحمین و کان من دعائه
عند الصباح و المسا آنحضرت این دعا را در صبح و شام
میخوانده اند سپاس و حمد خدای را که شب و روز آفرید بقوت
خویش و میان نور و ظلمت جدا کرد بقوت خویش و برای
هر یک از روز و شب حدی فرمود و زمانی معین ظاهر نمود
از آن حد بیشتر نروند و بیشتر نمانند در آورد هر یک
را در همراه او و آن دیگر را نیز در او شش ماه از روز بکاهاند
در شب بیفزاید و شش ماه دیگر بر عکس این عمل نماید بتقدیر
کامل خویش در مصلحت بندگان در روزی و معیشت
ایشان و نشو و نما بر آن پس شب را برای آن آفرید و تا
در او ساکن شوند و از حرکت و تعب بیارامند و لباس
کرد

کرد او را تا بظلمت آن خود را از دیدها بپوشند و بفراغت
و راحت کنند و خستگی بینداازند و بقوت بگیرند و بلذت
نفس و شهوت مباشرت برسند و روز را برای آن بیا
فرید که ایشان را بینایی باشد در آن تا فضل او بجویند و چنگ
در اسباب روزی او بزنند و در زمین بگردند و بچرند
تا آنچه مراد این جهانست دریابند و آنچه وسیله آن جهانست
هم بطلبند باین تقدیر است و اوضاع احوال بندگان را
باصلاح آورند و در نیک بدشان امتحان نمود تا به
بیند چه گونه اند در اوقات طاعات و منازل واجبات
و مواقع احکام و تعیینات تا جزا دهد که کار را به بد و جزا د
هد نیکو کار را بنیک خداوندا ترا احمد میکنم بر ظاهر کردن صبح
تابان از تتق ظلام و پدید آوردن صبح نورانی از شب
ظلمانی و بینا گردانیدن ما را بطلب اقوات و محافظت
نمودن بسپید کاری روز از حوادث و آفات اگر شب
پیوسته بودی و ظلمت بنور مبدل نگشتی تحصیل قوت
میسر نشدی و آنات پی در پی رسیدی صبح کردیم ما و همه

اشیا بتمامی ما از آن تو و در فرمان تو از زمین و آسمان و
انچه واقع است از کاینات در میان انچه ساکن چه متحرك
چه ایستاده چه رونده چه در جانب افلاك چه در زیر
طبقات خاك صبح کردیم همه در قبضهٔ قدرت تو فرو گرفته است
ما را در ملك و سلطنت تو و بجود پیوسته مشیت تو هر تصرف
که میکنیم بامر تست و بهر حال که میکردیم از تدبیر تست نیست
در دست ما مگر انچه تو قضا کردی و را نبریم بچیزی مگر انچه
تو عطا کردی خدایا این روزیست نو آمده و ابر بر ما گواه
و حاضر است و اگر نیکی کنیم ما را وداع میکند ستایشگاه ستایش
کنان و اگر بد کنیم از ما جدا میشود نکوهش کنان خدایا
رحمت کن بر محمد و آلش و روزی کن ما را با او صحبت
نیکو و نگاهدار ما را از بدی مفارقت او تا چون جدا شوند
از ما در خشم نباشند به سبب گناهی که در وا ارتکاب کرده
باشیم و بسیار گردان بهره ما را در این روز از حسنات
و خالی گردان از سیئات و پر گردان دو طرف روز را
برای ما از حمد و شکر و اجر و ذخر و فضل و احسان و براد

امتنان

امتنان خداوندا آسان گردان بر فرشتگان کرام کاتبین
زحمت کار ما را و پر گردان از حسنات صحایف اعمال ما را
و رسوا مگردان ما را نزد ایشان بکردار بد ما خداوندا
بگردان برای ما در هر ساعت این روز بهره از عبادت
خود و نصیبی از شکر و طاعت و گواهی صادق از ملایکه
خود خداوندا رحمت کن بر محمد و آلش و محافظت کن ما را
از پیش روی ما و از پس سر ما و از جانب راست ما و از جانب
چپ ما و از همه جوانب ما محافظتی کن چنان که ما را از معصیت
تو نگاهدارد و بطاعت تو راه نماید و در طریق محبت
تو بکار دارد خداوندا رحمت کن بر محمد و آلش و توفیق
ده ما را در این روز و در این شب و در همه روزها و شبها
بکار خیر و دوری از شر و شکر نعمتها و متابعت سنتها و
مخالفت بدعتها و امر بمعروف و نهی از منکر و حمایت
اسلام و سعی در ازاله باطل و نصرت و ارشاد گمراهان و معاونت
ضعیفان و غمخواری ستمدیدگان خداوندا رحمت کن
بر محمد و آلش و امروز را بگردان خجسته ترین روزها که دیده

ایم ونیکوترین همراهان که برخورده ایم وبهترین وقتی که دراد
بوده ایم ومارا از همه خلق تو که روز وشب برایشان میگذرد
پسندیده تر وراضی تر وشاکرتر وبشرایع تو قیام کننده
تر واز مناهی باز ایستاده تر گردان خداوندا ترا گواه
میگیرم وچون تو گواه باشی کافیست وحاجت بدیگر
گواهی نیست وهم گواه میگیرم آسمان وزمین ترا وآنان
که ساکن گردانیده در آنها از فرشتگان وسایر خلقان
تو درین روز ودرین ساعت ودرین شب ودرین مقام
مستقر که هستیم براینکه من گواهی میدهم وشهادت
می آورم که تویی خدای معبود نیست معبودی جز
تو قائمی بعدل وداد ومهربان بر عباد مالکی بر پادشاهان
رحیمی بر بندگان وگواهی میدهم که محمد بنده وفرستاده
تست وبرگزیده خلق تست رسالت خود برا[و] کردی
پس رسانید چنانچه بود وبنصیحت امت امر کردی و
نصیحت نمود خدایا پس رحمت کن بر محمد وآلش
بیشتر از رحمت دیگران وعطا کن او را افضل از عطای

سایر

سایر بندگان وجزا بخش او را افضل ونیکوتر آن جزا که انبیا
را بخشیدی از جانب امتشان زیرا که تو منت نهنده
بنعمت جلیل وآمرزنده گناه عظیم را واو رحیمتری از همه
رحیمان فصل علی محمد وآله الطیبین الطاهرین الاخیار ا
الانجبین وکان من دعائه اذا عرضت له مهمة او نزلت
به ملمة وعند الکرب آنحضرت این دعا را در وقت سختی
ونزول حادثه واندوهی میفرمود هر که در واقعه وبلایی درماند
باید این دعا بخواند درین باب عدیل ندارد
ای خداوندی که گرههای مکاره بدست رحمت او گشوده
میگردد ودم تیغ سختیها بحمایت عنایت او ریخته وشکسته
میگردد ای آنکه از او جویند خلاصی اصحاب عناد مسئلت
کنندهای درماندگان بلا اسانست وخوار پیش قدرت
تو هر سخت ودشوار وبهم می آید بلطف تو اسباب هر مراد
وهر کار وجاری گشته است بقدرت تو قضا بر عالمیان و
ماضی گشته است بر طبق ارادت تو کارهای آدمیان همه کار
وهمه چیز بمشیت تو فرمان می پذیرد وبی حاجت بمنع کردن

ترا میخوانند در غمها و سختیها و بتو میگریزند در بلاها و واقعه
ما هیچ بلا باز نمیگردد تا تو باز نگردانی و هیچ حادثه بر طرف
نمیشود تا تو بر طرف نسازی و بمن فرود آمده است
ای پروردگار من رنجی که تحمل گرانی نتوانم و نازل گشته است
جفایی که در زیر باران ناتوانم و تو بقدرت خود بر من
وارد ساخته و بسلطان خود سوی من روانه گردانیده
و باز نگرداند کسی آنچه تو وارد گردانیدی و صرف نتواند کرد
آنچه تو فرستادی و نتواند گشودن آن دری که تو دربندی
و نتواند بستن آن در که تو بگشایی و آسان نکند کسی
آنچه تو دشوار گردانی و یاری نتواند کردن آنرا که تو
خوار گردانی پس رحمت کن بر محمد و آلش و بگشایی
برای من ای رب من بفضل و طول خود و بشکن
از من سرپنجه غم بزور حول خود و خوب نظر کن در
شکایت من و ازروی لطف بشنو حکایت من و مرا
طریق ادب در روش نیکو بیاموز در شکایت کردن
و بچشان مرا حلاوت احسان خود و درجات و مسئلت
من

من و مرا طریق ادب در روش و ببخش مرا از نزد خود
رحمتی و فرجی که وا رسی رنج و تعب و عناد بگردان از جانب
خود مرا بیرون شدنی زود و ازین غم و بلا و مشغول بکن مرا
بغم این کار و سختی این حال از رعایت فریضها و عمل سنتها
که تنگ آمد طاقت من ای رب من و برگشتم درین بار
گران از غصه و غم و تو میتوانی این بلا از من رفع کنی و این
جفا از من دفع کنی پس بکن با من این مرحمت و احسان
هرچند نیستم من مستوجب آن ای خداوند کریم ای محل
امید و بیم یا ذا العرش العظیم وکان من دعائه فی الاستعاذه
من کل الاخلاق آنحضرت بیین ناخوشیها و بلاها و اخلاق نیکو
همیده و افعال ناپسندیده استعاذه نموده و بخدای عز و جل
پناه برده و فهرست اخلاق بد و احوال رد تمامها درین دعا
شریف مبین و مفصل است خدایا پناه میبرم بتو از هیجان
حرص و شره و تندی و خشم و غضب و غلبه حسد و
ضعف صبر و کمی قناعت و درشتی خلق و مبالغه شهوت
و استیلای حمیت و متابعت هوی و مخالفت هدی

وخواب غفلت وتوهم ضی کلفت ومشقت واختیار
باطل برحق واصرار برگناه وخرد شمردن معصیت وبزرگ
شمردن طاعت واز مباحات توانگران وحقیر شمردن
درویشان وبدسلوکی با زیردستان وشکر کردن آنان
راکه احسان کرده اند با ما وحقی دارند برما یا انکه مدد کنیم ظالم را
یا فرو گذاریم بی مدد مظلوم را یا انچه ما را دران حق نیست
بجوئیم یا انچه ندانیم بگزاف بگوئیم وپناه میبریم بتو از اینکه
بدی ونا راستی با کسی در دل داشته باشیم وباعمال خود شاد
وخود بین باشیم وآرزوهای دراز پیش گیریم وبتو پناه
میبریم از بدی باطن وحقیر داشتن گناه خورد واز غلبه
شیطان وسختی ونکبت زمان واز جفای سلطان
وپناه میبریم بتو از شماتت دشمنان واز حاجت با مثال
واقران واز زندگانی در سختی ومردن بی تهیه وتهیدی
وپناه میبریم بتو از حسرت عظمی ومصیبت کبری واز بدی
ترین شقاوتها وبدی مآب ونومیدی از ثواب
ونزول عقاب خدایا رحمت کن بر محمد وآلش ودر پناه
کی

کیر ما را ازین حالات برحمت خود وهمه مؤمنان از مردان
وزنان یا ارحم الراحمین وکان من دعائه علیه السلام الا
الاشتیاق الی طلب المغفرة الی الله تعالی الحضرت این
دعا را در طلب مغفرت وتوبه میفرموده اند الهی رحمت
کن بر محمد وآلش وما را توبه پسندیده روزی کن واز
اصرار برگناه دوری ده خداوندا هرگاه ما میان دو نقصان
واقع شویم یکی در دین ودیگری در دنیا نقصان درجانب
دنیا گردان که زود فانی میشود وتمام درجانب دین گردان
که جاودان میماند وهرگاه میان دو کار متردد باشیم یکی
موجب رضای تو باشد ودیگری موجب خشم تو ما را
انچه موجب رضای تست مایل گردان واز انچه موجب
خشم تست عاجز گردان در ما مکن میان ما ونفسهای ما
تا هرچه خواهد اختیار کند مگر تو توفیق دهی ونگاهداری
وبکار بد فرماید وخواند مگر تو رحم کنی واز بد بگردانی
خداوندا تو ما را از ضعف وناتوانی آفریدی ودر عجز
وسستی بنا نهادی واز نطفه منی که قطره آبی خوار

و بمقدارست پیدا کردی مارا هیچ تصرف و حولی نیست
مگر بقوت خود و هیچ قوت نیست مگر بعزت و تصرف
تو پس مارا قوت ده بتوفیق خود و بر راه راست دار
بتابید خود و کور کردان دیدهای دلهای مارا از انچه مخالف
محبت تست و هیچ عضو مارا مگذار روان کردد در کاری
که معصیت تست خدایا رحمت کن بر محمد و آلش و چنان
کن که هر اندیشه و وسوسه که در دلهای ما گذرد و هر حرکت
و اراده که اعضای ما کنند و هر نظر و توجه که چشمهای ما کنند
و هر سخن و حرفی که بر زبانهای ما گذرد در موجبات ثواب
تو باشد تا هیچ حسنه از ما فوت نشود که مارا از ان باشد
و هیچ سیئه بر ما باقی نماند که موجب عقاب باشد و کان
من دعائه فی التجا الی الله تعالی در مقام التجا و پناه
بردن بخدای تعالی این دعا میفرمودند خداوندا اگر
خواهی از ما عفو کنی ان بفضل تست و اگر خواهی عذاب
کنی و ان بعدل تست پس آسان کن برای ما بر لطف
خود و زینهار ده مارا از عذاب خود که مارا طاقت نیست

باعدل

باعدل و کسی از ما نجات نیابد مگر بعفو تو ای توانگر توانگران
و پادشاه پادشاهان اینک ما بندکان توایم بر در تو
افتاده و پیش تو ایستاده و من از همه محتاجان محتاج
ترم بتو پس جبر کن احتیاج و درویشی مرا بفراخی نعمت
خود و مبر امید مارا از خود بمنع از رحمت خود اگر چنین
محروم کرده باشی کسی را که از تو چشم فیروزی و بهروزی
دارد و مراد ما میطلبد پس انگاه بکجا رویم از جناب تو
و بکدام در رویم از درگاه تو باکا الها ما بیچارگانیم که وعده
داده رنج و سختیشان بری و مانند ترین چیز بمشیت
تو و اولیترین امور بتو در عظمت تو آنست که رحم کنی بر رحمت
طلبان و بفریادرسی بیچارگان پس رحم کن بر تضرع ما و
بفریادرس مارا درین غم و عنا در اینحال که خود را پیش تو
بر خاک افکنده ایم و زاری و زاری میکنیم خداوند ا
شیطان شماتت کرد و شاد شد چون با و همراهی کردیم
بر معصیت تو پس رحمت کن بر محمد و آلش و چنان
کن که دیگر بار شماتت کند چون مارا بعقوبت و سخط

تو گرفتار بیند بعد از انکه ترا تن دادیم اورا برای تو در وی
گردانیدیم از او بدرگاه تو وکان من دعائه الخواتم الخیر
درین دعا عاقبت نیك وخواتم خیر میطلبید ای انکه
ذکر تو شرف ذاکرانست وای انکه شکر تو فیروزی شاکرانست
وای انکه طاعت تو نجاة مطیعانست رحمت کن بر محمد واٰلش
ومشغول کن دلهای مارا بذکر خود از هر ذکری وزبانهای
مارا بشکر خود از هر شکری واعضای مارا بطاعت خود از هر
طاعتی وکاری اگر مقدر کرده باشیم که از کاری فارغ مانیم
وبیکار نشینیم چنان گردان که ان فراغ با سلامت مقرون
باشد وموجب گناه ومواخذتی نگردد ودر پی ان ملالی
ومکروهی نباشد تا از ما باز گردند نویسندگان حسنات
شادمان بانچه نوشته باشند از حسنات وچون منقضی
گردد ایام حیات ما وبریده گردد بیخ درخت عمر ما وحاضر
شود دعوت تو که ناچار است از ان واجابت آن
پس رحمت کن بر محمد واٰلش وبگردان خاتمه حال مارا که
کاتبان اعمال بر ما نویسند توبه مقبولی که مارا بعد از ان

باز

باز نداری بر گناهی واکتساب معصیتی وپرده بر مدار از
کار ما در قیامت محضر بزرگان وگواهان روزی که ظاهر
گردانی اخبار بندگان زیرا که تو بهر رحیمی بخوانندگان
واجابت کننده ندا کنندگان رادکان من دعائه فی الا
الاعتراف وطلب التوبه این دعا در اعتراف وطلب
توبه میفرمودند خداوندا مانعست مرا از سوال تو سه
خصلت وباعث است بر سوال یك خصلت مانع است امری
که فرمودی وبان نشتافتم ونهی که نمودی وعنان نتافتم
ونعمتی بخشیدی ودر شکر ان تقصیر کردم وباعث است مرا
بر مسئلت انکه تو تفضل میکنی بر انکس که روی بتو آورد وبگمان
نیك بدرگاه تو آید زیرا که همه احسان تو تفضل است وهمه
نعمتهای تو بیموجب است پیش از خدمت نعمت دهی
وپیش از استحقاق بخشی اینك من ای اله من ایستاده ام
بدرگاه عزت تو همچو شخص تسلیم شده خوار وسوال میکنم با شر
مندگی وخجالت همچو سوال درویش بدحال عیالبار
اقرار دارم که تسلیم نگشتم وقت احسان تو مگر بترك

عصیان تو خالی نبودم در هیچ حال از فضل و امتنان تو
آیا نفع میدهد مرا معبود من اقراری که میکنم نزد تو ببدی
کردار خود و آیا نجات میدهد مرا از تو اعترافی که میکنم بقبیح
اعمال خود یا ثابت کردانیده درین مقام که هستم خشم خود را
بر من و لازم کشته است درین وقت سخط تو بر من نه
پاکا خداوندا حاشا نومید نمیکردم از تو و تو در توبه برای من
کشاده بلکه میکویم چنانچه کوید بنده ذلیل ستمکار بر خود
سبک شمرده حرمت پروردکار را آن بنده که بزرک
شده است کناهانش و جلیل کشته و پشت داده است
روز کارش و برکشته تا چون بحال خود نظر کرد دید وقت
کار رفته و عمر بپایان رسیده و یقین دانست که از تو خلاصی
و کریزکاهی ندارد پس روی آورد بدر تو بتوبه و انابت
از روی اخلاص و ابتهال پس قیام کرد بدل پاک خالی
از کدورات و بعد از ان بخواند ترا باوازی تغیر یافته
و ضعیف تن بعجز داده و قد دوتا نموده پیش تو سر
بزیر انداخته و خم کشته و لرزه از ترس بر او افتاده

پایش

پایش افتاده و اشک حسرت دو کونه اش را غرقه کردانیده
و ترا میخواند و میکوید ای رحیمترین رحیمان ای رحیمترین
آنان که آمد و شد کنند بدرکاه ایشان رحمت طلبان و معذرت
جویان ای مهربانتر آنان که بکرد ایشان در آیند مغفرت
خواهان و ای خداوندی که عفو تو بیشتر است از خشم تو
و رضای تو وافرتر است از قهر تو و ای خداوندی که خود را
برای خلق بحسن تجاوز ستودی و بنده کانرا بقبول
توبه ایشان معتاد نمودی ای آنکه اصلاح کردی ناسد
ایشانرا بتوبه و استغفار و راضی شدی از ایشان
باندک کار و جزا میدهی کم ایشانرا به بسیار و ای آنکه ضامن
شدی برای ایشان اجابت دعا را و وعده شان دادی
بتفضل خود حسن جزا را نیستم من عاجزتر از همه عاصیان که ایشانرا
آمرزیدی و نیستم ملامت زده تر از همه بدکاران که معذرت
خواستند و پذیرفتی و نیستم ظالمتر از همه کناه کاران که توبه
کردند بخشیدی توبه میکنم بسوی تو در اینمقام که هستم توبه
شخصی که پشیمان شده باشد بر کار کرده و خطای رفته ترسان

وهراسان باشد از انچه براو جمع کشته و خجل و شرمسار باشد
از انچه در وافتاده بتحقیق داند که عفو تو از کناه بزرکتر است
بر تو بزرك و بسیار نیست و تجاوز از خطاء جلیل بر تو
دشوار نیست و تحمل خبایات ناخوش بر تو کران و جفا نیست
و داند که دوسترین بندکان نزد تو آنست که سرکشی و استکبار
بکذارد و طریق اصرار نسپارد و بر استغفار پای دارد و من
بیزار میشوم سوی تو از استکبار و پناه میبرم بتو از اصرار
و استغفار میکنم از تقصیرات که کرده ام و یاری میخواهم
بر طاعات که از ان عاجز کشته ام خداوندا رحمت کن بر محمد
و آل او و بمن بخش انچه واجبست بر من که بجای آورم
برای تو و عافیت ده مرا از عقوبتی که مستوجب آن شوم
از جانب تو و در پناه کیر و خلاص کردان مرا از انچه میترسند
بدکاران از ان زیرا که عفو تو بسیار است و همه را امید مغفرت
تست و تو بصفت عفو و تجاوز شناخته کشته نیست
حاجت مرا طلبکاهی جز تو و کناه مرا آمرزنده غیر تو حاشا
و نمیترسم بر خود مکر از تو تو اهل آنی که از تو بترسند
و تقوی

و تقوی
ورزند و اهل آنی که مغفرت از تو جویند و امید
بآمرزش تو داشته باشند رحمت کن بر محمد و آل او
و برار حاجت مرا و بر وا کن مراد مرا و بیامرز کناه مرا
و ایمن کردان خوف مرا زیرا که تو بر همه کار قادری و این
کار پیش تو اندکست و آسان آمین ای پروردکار عالمیان
و کان من دعایه علیه السلام فی طلب الحوایج باین دعا
حاجتها از خدای تعالی خواستی خدایا ای نهایت مطلب باب
حاجات و ای انکه از تو یافته میشود مرادات ای انکه
نعمت خود بقیمت نفروشد ای انکه عطای خود بمنت
مکدر نکند ای انکه باو مستغنی کردند و از او مستغنی نکردند ای
انکه باو راغب آیند و از او بی رغبت نکردند ای انکه تمام
نکند خزاین او را مسئلتها و تبدیل ندهد حکمت او را وسیلتها
ای انکه بریده نکردد از او حاجتها و محتاجان و در رحمت
نیفکنند او را دعا خوانندکان خود را ستودی به بی نیازی
از خلق و تو بی نیازی از ایشان و خلایق را محتاج خواندی
و ایشان البته بتو محتاجند پس هرکه حاجت خود را از جانب تو

جوید واحتیاج وپریشانی خود بتو رفع کند آن حاجت از جای
خود جسته است وبطلب مراد از راه او آمده وهر که روی
حاجت خود بسوی کسی از خلق گرداند یا او را سبب حصول
مراد سازد بنده را بتحقیق متعرض حرمان گشته است واز
جانب تو مستحق فوت احسان گشته است خداوندا مرا بتو
حاجتی است که تام ست از ان جهد وکوشش من وگشته است
بان نرسیدن کمند حیلت من ونفس مرا فریب میداد ودر غلط
می انداخت که آن حاجت بخلق رفع کنم که ایشان حاجتها
بتو رفع میکنند ودر مطالب خود از تو رفع مستغنی نیستند
واین لغزشی بزرگست از لغزشهای خطاکاران وبر
درآمد نسبت از سر درآمدنهای گناهکاران پس بیدار
شدم بیاد آوری تو از غفلت خود وبپای برخواستم
بتوفیق تو از زلت خود وبرگشتم براست کردن تو از عثرت
خود وگفتم سبحان الله چگونه محتاج از محتاج سوال کند وچون
دست تهی از دست تهی چیزی جوید پس ترا قصد کردم ای اله
من برغبت ومسئلت وبدرگاه تو فرود آوردم خود را
باعتماد

باعتماد بر رحمت تو ودانستم که بسیار انچه من از تو خواهم
اندکست در جنب توانگری تو وبزرگ انچه من طلبم خردست
در جنب قدرت تو ووسعت تو واینک کرم تو تنگی
نمیکند از سوال کسی واینک دست تو بالاتر است بعطا
از هر دستی خداوندا پس رحمت کن بر محمد وآل او ومرا بکرم
خود بر تفضل دار وبعدل خود بر استحقاق مدار که من اول
خواهشگری نیستم که از تو حاجتی خواهد وبدهی وا او مستحق
ندادن باشد واول سائلی که از تو سوال کند وتو افضال
کنی وا او مستوجب محروم کردن باشد خداوندا رحمت کن
بر محمد وآل او ودعای مرا مجیب باش وبنداء من قریب
باش وبر تضرع من رحم کن وآواز من بشنو وامید من از خود
مبر ودر رشته سبب من از خود مگسلان ومرا درین حاجت
ودیگر حاجتها نزد دیگری مفرست ومتولی حصول مراد
وقضای حاجت من شو پیش از انکه ازین موقف که
هستم بگردم وجای تبدیل کنم بآسان گردانیدن هر دشوار
را وحسن تقدیر تو در هر کار ورحمت کن بر محمد وآل محمد رحمتی

دایم افزاینده که انقطاع نباشد نهایت او را و نهایت نباشد
غایت او را او را ایزا موجب ظفر و وسیله حصول حاجت من
گردان که عطای تو فراخست و تو کریمی و حاجت من الحی
من اینست و این و حاجت خود نام میبری پس سجده میکنی
و میگوئی فضلک آنسنی و احسانک دلنی فاسئلک بک و بمحمد
و آله صلوتک علیهم ان لا تردنی خائبا یعنی فضل تو مرا موس
گشت و احسان تو مرا راه نمود پس مسئلت میکنم از تو بحق محمد
و آل او و صلوات تو بر ایشان باد که باز نگردانی مرا محروم
از در خود محروم و نومید انک سمیع الدعاء قریب مجیب
وکان من دعائه اذا اعتدی او رای من الظالمین ما لا
یحب این دعا وقتی کردی که بر او جوری رفتی یا امری از ظالمان
دیدی که نه پسندیدی ای خداوندی که پوشیده نیست بر تو خبرهای
دادخواهان و محتاج نیستی در داوری ایشان بگواهان ای
خداوندی که نصرت تو بر مظلومان نزدیکست و اعانت
تو بر ظالمان دور است میدانی سیدی مولائی با من چه جفا کرد
پرده حرمت من بدرید و فرمان تو نشنید او را نعمت بخشیدی

بطل

بطر و طغیان پیشه کرد و از عقوبت و مواخذت تو اندیشه
نکرد خدایا پس رحمت کن بر محمد و آل او و به بند دست
ظالم را بقوت خود و بقدرت خود و بشکن قوت او را
بقدرت خود و شغلی بر او بگمار و گرفتاری او را در کار خود
پیش آر که از قصد من باز ماند و از جفای من بخود مشغول
گردد خدایا رحمت کن بر محمد و آلش و ظلم من بر داو گوارا مکن
و مرا بر او اعانت کن و از مانند افعال و نگاهدار و بمثل
حال او مبتلا مساز یارب رحمت کن بر محمد و آل او و مرا بر
او نصرت ده هم درین وقت تا خشم خود از او شفا
دهم و کینه خود از او وا کنم یارب رحمت کن بر محمد
و آلش و عوض ظلم او تو از گناه من عفو کن و بجای بدی
او تو بر حال من رحم کن که هیچ جفا قدری ندارد با عقاب
تو و هیچ بلا نماید پیش عتاب تو خداوندا چنانچه با خوش
گردانیدی در دل من ستم کردن بر مردمان هم نگهدار
مرا از ستم ایشان بار خدایا من شکایت خود پیش
غیر تو نمیبرم و بجا کمی جز تو استعانت نمیجویم حاشا و کلا

پس رحمت کن بر محمد و آل او و دعای من با اجابت موصول
دار و شکایت من بغیر مقرون ساز خداوندا مرا در فتنه میفکن
بنومیدی از انصاف و داد خواهی تو و او را در فتنه بایمنی از انکار
و مواخذت تو پس ظلم بر من اصرار کن و حق من فرو گیر
و هم بزودی او را بشناسان انچه برای ظالمان بدکار آماده
و مرا بشناسان انچه برای مظلومان بیچاره وعده داده که
دعاشان اجابت کنی و جفا بگردان خدایا رحمت کن بر محمد
و آلش و توفیق ده مرا بقبول انچه قضا کرده در نفع من
و ضرر و راضی گردان بهر چه فرا گرفتی برای من یا از من و راه
نمائی باین طریقه که احسن و اقوم است و هر کار که اصلح و اسلم است
خداوندا اگر نزد تو و در علم تو خیر من در آنست که انتقام من
از ظالم امروز نستانی و براو زجر و دیوان عقبی اندازی
از روز که همه خصمان مجتمع شوند و حکم فصل کرده شود پس
رحمت کن بر محمد و آلش و مدد بخش مرا از جانب خود بر صبوری
و شکیبائی بنیتی صادق و صبری دایم و باز دار مرا از تابی و
و خواهش بیجا و از حرص و بیقراری و معمور گردان بی در دل

من

من مثال انچه در روز جزا برای من آماده کرده از نعیم و ثواب
و مهیا کرده برای خصم من از نکال و عقاب تا باین سبب
قانع و راضی شوم بانچه قضا کرده و دل نهم بی اضطراب بر انچه
اختیار نموده امین اجابت کن ای رب العالمین زیرا که
تو صاحب فضل عظیمی و تو بر همه چیز توانائی و کان من دعائه
اذا مرض و قد یری او نزل به بیت او کرب این دعا وقت
بیماری و سختی کردی خداوند ترا حمد بر حالتی که پیوسته
بران بودم از عافیت و صحت بدن و ترا حمد بر انچه امروز حادث
گردانیده در من از بیماری علت تن پس نمیدانم ای
خداوند من کدام یک ازین دو حالت سزاوار تر است
بشکر و سپاس و کدام وقت این دو وقت اولیتر است
بحمد و ثنا یا وقت صحت که طیبات رزق خود بر من
گوارا کرده و برای طاعات مرا قوت و نشاط داده
یا وقت علت که بسبب آن مرا از گناهان پاک کرده
و نعمتهای تحفه داده تا سبک گردانی انچه بر پشت من گران
گشته است از خطاها و پاک گردانی انچه در او غوطه

خورده ایم از بدیها دبیا کاهانی مرا تا توبه کنم وبیاد
آوری مرا تا محو توبه کنم بلطف قدیم ونعمت عمیم خویش
وحال انکه در اثنای اینحال کاتبان اعمال برای من مینویسند
از اعمال بالت انچه نه دلم دران فکر کرده است ونه زبانم
بان ناطق گشته ونه عضوی از من زحمت ان کار کشیده
بلکه از محض افضال واحسان آن طاعت نکرده برای من مقرر
داشته ودر نامهٔ اعمال من ثبت نمودهٔ خدایا ندا پس رحمت
کن بر محمد وال او ددوست کردان نزد من انچه تو بان
راضی گشته برای من وآسان کن برای من انچه فرود
آوردهٔ بر من وبالت کن آینه جان مرا از جرم وزنگار گناهان
گشته ومحو کن از من شرع عملهای رفته وشیرین کن کام
مرا بحلاوت وبچشان مرا خوشی سلامت وبگردان سر
بیرون شدن مرا ازین بیمار بعفو خود وبر خواستن مرا
ازین افتادن تنجاوز خود وخلاصی ده مرا ازاین اندوه
بروح خود وسلامتی مرا ازین سختی بفرج خود انك التفضل
بالاحسان التطول بالامتنان الوهاب الكريم ذو الجلال
والاكرام

والاكرام وكان من دعائه اذا استقال من ذنوبه وتفرع
في طلب العفو من عيوبه این دعا را در استقالت از ذنوب
وتفرع در طلب عفو میفرموده اند بار خدایا ای انکه گناهکاران
از رحمت تو داد خواهانند وبیچارکان درمانده واحسان تو
کریزانند واز ترس تو خطاکاران در شیون وافغانند ای
انس هر دل رمیده غریب وای فرح هر غمزده کئیب
وای دادرس هر بیکس تنها مانده وای یاور هر محتاج رانده
شده توئی که برحمت وعلم همه چیز را شامل گشته وتوئی که هر
مخلوق را در نعمت خود نصیبی نهاده وتوئی که عفو تو برتر از
عقوبت تست وتوئی که رحمت تو پیش از غضب تست وتوئی
که عطای تو از منع بیشتر ست وتوئی که همه خلق خلایق را
فراخی عطای تو گنجیده است وتوئی که بر انچه بخشی عوض
نخواهی وعقاب عاصی از حد نگذرانی ومن ای اله من
بنده توام که او را بدعا امر کرده پس گفت لبيك وسعديك
الهنا اينك من افتاده ام پیش روی تو بزاری ودعا
منم که گناهان وخطاها پشت مرا گران کرده است ومنم

که گناهان عمر مرا فانی ساخته است و منم که بنادانی ترا
نافرمانی کردم و تو از جانب من اهل این نبودی یا الهنا ارحم
میکنی بر آنکه ترا خواند تا من مبالغه کنم در دعا و خواهشگری
می آمرزی کسی را که بگرید در تقصیر خود پس من بشتابم بگریه و زاری
توکل و اعتماد بر کرم تو الهنا نومید مکن آنرا که جز تو بخشنده نمی
یابد و فرو مگذار آنرا که از تو بغیر بی نیاز نمیگردد الهی رحمت کن
بر محمد و آل او و اعراض مکن از من و من روی آورده ام
بتو و محروم مگردان مرا و من حاجت خواهم از تو و دست رد
بر پیشانی مراد من منه و من ایستاده ام پیش تو و دست بخواهشگری
تویی که خود را برحمت وصف کرده پس رحمت کن بر محمد و آلش
و بر من رحم کن و تویی که خود را بعفو نام برده پس از من
عفو کن می بینی ای معبود من اشک روان من از ترس
و طپش دل من از خوف تو و لرزه اعضای من از هیبت
تو اینجا مرا از شرمندگی و خجالت اعمال بد است که ارتکاب
کرده ام و از این جهت آوازم فرو مرده است از فریاد کردن
و زبانم کند گشته از مناجات و عرض حاجات کردن ای الله

یا میگذری از گناه کسی که پیش تو روی بر خاک نهد بخواری یا میگذاری حاجت کسی را که حاجت کنند از فقر خود پیش تو از روی

من

من ترا حمد چه بسیار پوشیدی بر من و مرا رسوا نگردانیدی و
چه گناهان پنهان داشتی بر من و مرا بان مشهور و انگشت
نما نساختی و چه زشتیها و ناخوشیها که آوردم و پرده عصمت
آن بر من ندریدی و عاران در کردهای من قلاده نکردی
و آن عیبها فاش نساختی پیش عیب جویان از همسایگان
و حاسدان نعمتی که مرا بخشیدی با این حال و بعد از این
همه احسان و افضال مانع نشد مرا این همه لطف تو از ار
تکاب آن بدیها که از این پیش از من دیده بودی پس
کیست از من جاهل تر خدایا برشد خویش و کیست از من غافل تر
از نصیب و خیر خویش کیست از من دور تر ~~از اصلاح کردن~~
از اصلاح کردن نفس خویش وقتی که صرف کردم مالی که مرا
روزی کردی در گناهی و معاصی و کیست از من دور رفته
تر در راه باطل و دلیر تر بر کار بد وقتی که ایستادم من صوب
دعوت تو و دعوت شیطان پس مطابعت کردم دعوت
شیطان را بی آنکه کور باشم از شناخت او یا فراموش کرده
باشم از کار او و من در این وقت بر یقین بودم که منتهای

دعوت تو بجنت است ومنتهای دعوت او بدوزخ سبحان
الله چه عجب است این شهادت که من بر خود میدهم و گناه
پنهان خود فاش میشمارم واز این عجبتر آنست که تو با من
مدارا میکنی ومرا زود نمیکیری واین نه از آنست که مرا کرامی
میداری بلکه از راه تانی ومدارا و تفضل واحسانست که با من
میکنی تا باز ایستم از گناهان که ترا بخشم آورد و باز دارم
خود را از سیئات که آب روی من برد از آن جهت است
که عفو من پیش تو دوستر ست از عقوبت من بلکه من ای
الهی من گناهانم بیشتر است وآثارم قبیحتر است وافعالم شنیعتر است
وجراحتم در باطل سخت تر است و بیدارم وقت طاعت از آن
ضعیفتر است واکاهیم و پاس داریم پیش تهدید تو از آن کمتر است
که توانم احصا نمودن عیوب خود را یا تادر باشم شمردن
ذنوب خود را همین است که خود را ملامت میکنم باین کفتار
بطمع رافت تو امر گناهکاران جز بان خلاص نکرد خداوندا
این گردن منت که گناهان او را بند کرده است و در قید اسیری
در آورده است پس رحمت کن بر محمد وآل او و آزاد کن او را

بعفو

اصلاح کار بنده بیدرو امید رحمت تو کم کردن خطاها از ان جز ان

بعفو و رحمت خود واین پشت منت که خطاها او را کران بار
کرده است پس رحمت کن بر محمد وآل او و سبک کردان
بار او را بمنت خود ای الهی من اگر چندان بگریم پیش
تو که کنارهای چشم بیفتد و چندان شیون و فریاد کنم که
آوازم منقطع شود و چندان بر پا بایستم که قدمهایم آماس
کند و چندان رکوع کنم که بندهای پشتم بدر رود و چندان
سجده کنم که هر دو چشم بیرون افتد و خاک زمین بخورم
همه عمر و آب خاکستر بیاشامم تمام روز کار و ترا بخوانم در
اثنای این احوال تو زبانم از کار بیفتد و بعد از آن چشم
بطرفهای آسمان بر ندارم از شرمندگی و حیا مستوجب آن
نمیگردم که یک گناه از گناهان محو کنی و اگر بیامرزی
وقتی که مستوجب مغفرت و عفو کنی وقتی که مستحق عفو
شوم آن نه واجب است مرا علی القطع باستحقاق و نه
من اهل آنم باستیجاب آن زیرا که جزای من از آتش
در اول گناه که کردم پس اگر عذاب کنی ظلم نکرده بر من ای الهی
من پس چون پوشیدی مرا پرده رحمت خود در سوا نساختی

وتانی وبردباری کردی وبعقوبت نشتافتی وحکم کردی
ازمن بتفضل وکرم ونعمت را برمن تغیر ندادی وزلال
احسان مکدر نکردی پس رحم کن بر طول تضرع ودرویشی
وبدحالی من خداوندا رحمت کن بر محمد وآل او ونگهدار مرا
از معاصی وبکار دار در طاعت وروزی کن حسن وابابت
ودلالت کن بتوبه ونصرت کن بعصمت خویش وبصلاح
آور بعافیت وبچشان حلاوت معرفت وبگردان رها
کردهٔ عفو تو وازاد ساخته رحمت تو وبنویس برای من
نامه امانی واز سخط تو وبشارت ده مرا بآن در این جهان
نه ان جهان چنان بشارتی که از ابشناسم وبشناسان
مرا نشانی که بآن نشان روشن بدانم که از عقاب تو امان
یافته ام زیرا که این کار تنگ نیست بر تو در وسعت رحمت
تو وگران وشاق نیست بر تو در جنب قدرت تو انك
علی كل شیٔ قدیر وکان من دعائه اذا ذکر الشیطان فاستعاذ
منه ومن عداوته وکیده این دعا در استغاذه از شر شیطان
میفرموده اند خداوندا پناه میبریم بتو از شر شیطان لئیم
وازفتنه

وازفتنه دیو رجیم خدایا نگاهدار مارا از وساوس شیطان واز
فریفته شدن باباطل واعتماد نمودن باکاذیب اوازدهها
که در راه ما گسترده واز وعدهای طول امل که بآن مارا از راه
برد بتو می پناهم از انکه او در اضلال وضلالت ماطمع بندد
ومارا بر معصیت دلیر کند واز انکه کاری ناشایسته که او
در نظر ما بیاراید در چشم ما نیکو وآسان نماید یا کاری نیکو
که ناخوش وانماید در دل ما ناخوش وگران گردد خداوندا
بران اورا بخواری از پیش ما بتوفیق عبادت تو ودور
گردان اورا از سیاحت ضمیر ما بدور باش طاعت تو میان
ما واو سدی متین برآور که نتواند دران خلل افکندن
ومارا در حصن حصین از عصمت خود درآور که نیارد قصد
ان نمودن خداوندا رحمت کن بر محمد وآل او ومشغول
گردان شیطان را از ما ببعض از دشمنان خود ونگاهدار
مارا از شر او بلطف بی پایان خود وکفایت کن از ما شر
او وضرر او وحمایت کن مارا از مکر او وخطر او مگذار
الهی بر ما دست یابد ودست مده بر ما حکم راند خداوندا

رحمت کن بر محمد و آل او و ما را هدایت کن چنانچه او در ضلالت
ما میکوشد و بتقوی دلالت چنانچه او در اغوای [illegible]
ما سعی میکند خداوندا مگذار در دلهای ما راه کند و دست
مده تا ما را از راه تو گمراه کند خداوندا روا نداری تو ما را راه
نمائی و شیطان از راه برد و تو ما را بدرگاه خود خوانی و او راه
ما بزند خداوندا هر باطل که او در نظر ما جلوه دهد ما را بآن شناسا
گردان و چون شناسا گردانیدی نگاهدار از آن و بمکر
و حیل او بینا گردان و بدفع کید او دانا و توانا گردان ما را
الهام کن با او چه باید کردن و در دفع او چه تدبیر نمودن
یارب از خواب غفلتمان بیدار گردان و از مستی و هوا و هوس
هشیار گردان ما را بر شیطان اعانت کن و از شر او حمایت
کن خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او و بگردان از ما غرور و
تسویل او را و ببر از ما طمع و امید او ما را خداوندا رحمت
کن بر محمد و آل او و پدران و مادران و فرزندان و خویشان
و منسوبان و دوستان و همسایگان ما را از فتنه شیطان
برهان و از شر او سالم گردان ای خداوند عزیز ما را و

وایشانرا

وایشانرا از شر شیطان در حصنی حفیظ و حرزی حریز
در آور و میان ما و او سدی بر آور و بپوشان همه را جوشنها
تا پیش سهام کید او را سپر باشد و بده سلاحها که بر او کارگر باشد
خداوندا و عام گردان باین دعا هر کرا شهادت دهد بر ربوبیت
تو و از روی اخلاص اقرار کند بوحدانیت تو و دشمنی
کند با شیطان برای تحقیق عبودیت و بیاری
تو بر او غلبه کند در معرفت علوم ربانیت خداوندا مگشا
آنچه او به بندد و بشکاف آنچه او بپوندد و از هم بریز آنچه
او تدبیر کند و باز دار او را هرگاه عزیمتی مصمم گرداند و بشکن
آنچه محکم گرداند خداوندا شکست ده لشکر او را و باطل
کن مکر و کید او را و ویران کن حصار و غار او را و در خاک
مال بینی او را خداوندا بگردان ما را در نظم دشمنان او و دور
کن از شمار دوستان او تا اطاعت نکنیم او را چون خواهد
ما را سرگشته و شیفته گرداند و اجابت نکنیم چو ما را بطاعت
خود بخواند امر کنیم بمخالفت او هر که ما را اطاعت کند
و منع کنیم از متابعت او هر که ما را متابعت کند خداوندا

رحمت کن بر محمد و آل او خاتم انبیا و مهتر فرستادگان و بر اهل
بیت او پاکان و پاکیزگان و در پناه گیر ما را و اهلها و برادران
ما را و همه مؤمنین و مؤمنات را از انچه استعاذه نمودیم
ازان و زینهار ده از انچه زینهار آورده ایم بتو از خوف
آن و اجابت کن دعای ما را و عطا کن انچه غافل شدیم
از مسئلت آن از حاجتها و حفظ کن برای ما انچه فراموش
کرده ایم از ادر مقام دعا و استدعا و بگردان ما را بقبول
دعا در درجات صالحین و مراتب مؤمنین امین رب
العالمین و کان من دکائه اذا دفع عنه ما یحذر او عجله
**چون سختی دفع شدی یا مطلبی زود حاصل گشتی این
دعا خواندی** خداوندا ترا سپاس بر اینکه قضای نیک
درباره من کردی و بلا از من دور باز گردانیدی و چون
این لطف نمودی پس چنین مکن که نصیب من از تو
همین عافیت و راحت دنیا باشد می باشد با نصیب
اخرت پس من شقی و محروم گردم باینحالت که دوست
میدارم و دیگری که بجای این نصیب آخرت یافته سعید
و نیکبخت

و نیکبخت گردد بانچه من آنرا کاره هم و ازان اخراز میکنم
و اگر این حال نیکو که من روز میکنم دراو یا شب بسر میبرم
دراو از راحت و عافیت این جهان واقع باشد پیش
روی بلای که منقطع نشود و بال که برداشته نگردد در انجهان
پس پیش دار برای من انچه باز پس داشته از راحت و رخا
که بسیار نیست انچه عاقبت او فناست و کم نیست انچه
عاقبت او بقاست و رحمت کن بر محمد و آل او و کان من
دعائه عند الاستسقاء بعد الجدب **این دعا برای طلب
باران در خشک سال فرموده است** خدایا ما را آب
ده بباران و رحمت خود بر ما بگستران بباران بزرگ
قطره ریزان از برای رانده شده برای رویانیدن
گیاهان و درختان نیکو و خوش آینده و در همه آفاق
جهان و منت نه بر بندگان خود برسیدن میوه ها و زنده
گردان بلاد خود را بگلها و شکوفها و حاضر گردان مر
فرشتگان کرام را که کاتبان و ضابطانند تا بیارند
بارانی از جانب تو نافع پیوسته بسیار فراخ روان

روان ریزان باران عظیم درشت قطره شتابنده
بتعجیل آینده که زنده گردانی بآن انچه از دست رفته
از بی آبی و بیرون آوری انچه آینده است از خشکی
بر جای مانده است و فراخ گردانی بان اقوات ما
که کم و نایاب گشته است ابری تیره بر هم نشسته
خوش وگوارنده بی زیان و ضرر محیط و شامل مقرون بآواز
رعد نه ابری که متصل و بسیار ببارد و چند رو نایستد
و خرابی کند یا برق او بی باران و دروغ زن باشد
خداوندا ما را آب ده ببارانی که علف و گیاه رویاند
و موجب آبادی گردد و زمینها و رودها سبز و خرم گرداند
و سمین و فراخ و بسیار باشد بارانی که با تازگی بازآوری
بان نباتاتی که راست ایستاده اند و از بی آبی حرکت
نمیکنند و حرکتی و به بندی بان انچه شکسته اند و از
پای درآمده خداوندا ما را آب ده چنان آبی بسی دادی
که روان گردانی بان کوهها و دشتها را و پر گردانی از ان
چاهها و کوهها را و پدید آوری جویها و برویانی

درختها را ارزان گردانی بان نرخها در همه شهرها و بر
داری باز حالت بان حیوانات بسته زبان و سایر خلق
خود را و فراوان گردانی طیبات رزق برای ما و برویانی
کشتها و سبزها و روان گردانی شیر از پستانها و بیفزائی
قوت بر قوت ما خداوندا مگردان سایه او را بر ما گرم
و سموم و مگردان سرمای او را بر ما عذاب و شوم و فرود
آمدن او را بر ما صاعقه و رجوم و مگردان آب او را بر ما
تلخ و شور خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او و روزی ده
ما را از برکات آسمانها و زمینها زیرا که قادری تو خدایا بر همه
چیزای ارحم الراحمین وکان من دعائه فی مکارم الاخلاق
و مرضی الافعال درین دعا از خدای تعالی اخلاق خوب
واحوال مرغوب و اعمال نیکو برای خود و برای غیر
در معامله خود مسئلت مینماید خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او
و برسان ایمان مرا بکاملترین ایمانی و یقین مرا بفاضلترین
یقینی و نیت مرا به بهترین نیتها و عملی مرا به بهترین عملها
خداوندا تمام و قوی گردان بلطف خود نیت مرا و درست

کن بانچه نزد تست از ثواب کرامت و نعیم بی غایت
یقین مرا و اصلاح کن بقدرت خود ما فسد مرا خداوندا
رحمت کن بر محمد و آل او و کفایت کن برای من انچه مشغول
میکرداند مرا غم ان و اهتمام آن و بکار دار در انچه باز پرسی
فردا مرا ازان و تمام روزکار مرا در کار عبادت خویش
کردان که مرا برای آن خلق کرده چنانچه فرموده و ما خلقت
الجن والانس الا لیعبدون و بی نیاز کردان مرا از خلق
و فراخ کردان بر من روزی و مفتون مکردان به بطر و ناسپاسی
و عزیز کردان بنصرت و مبتلا مکردان بکبر و نخوت و برای
عبادت و طاعت خود از هر کار بپرداز و عبادت
من بعجب و خودبینی ما فسد مساز و جاری کردان برای مردم
خیر و نفع بر دو دست من و ان خیر را باطل مکن بمنت نهادن
و ببخش مرا اخلاق رفیع و بلند مرتبه و نکاهدار مرا از فخر کردن
خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او و بلند مکردان مرا در میان
مردم پایه و منزلتی مکر پست کردانی مثل آن مرا نزد خود
و احداث مکن برای من عزتی ظاهر مکر احداث کنی مذلتی

باطن

باطن بقدر ان مرا نزد خود خداوندا رحمت کن بر محمد و آل
محمد و برخوردار کن مرا بهدایت نیکو که ازان بغیر بدل نکنم
و راهی حق که ازان میل نکنم و نیتی راست و صواب که در ان
شک نکنم و عمر بخش مرا چندانکه در طاعت تو بکار میرود در
عبادت تو صرف میکردد و چون عمرم بچراکاه شیطان و غول
هوا و هوس برا دست یابد مرا با خود کیر و نزد خود بر پیشتر
ازان که خشم تو بر من سبقت کند یا غضب تو بر من محکم
کردد خداوندا مکذار مرا خصلتی ناخوب و معیوب از من
مکر اصلاح کنی و نه عیبی که مرا بان سرزنش و توبیخ نمایند
مکر نیکو کردانی و تبدیل دهی و نه خصلتی کریم که در من ناقص
باشد مکر کا تمام و کامل کنی کرده کنی خداوندا رحمت کن بر محمد
و آل او و بدل ده مرا از عداوت دشمنان محبت تو و از حسد
جفاکاران مودت و از تهمت صالحان اعتماد و حسن
ظن و از عداوت نزدیکان دوستی و یاری و از عقوق
خویشان فرمان برداری و نیکوکاری و از فروکذاشتن
اقربا اعانت و نصرت و از دوستی فریب کاران و مدارا

نمودن ایشان دوستی صحیح سغش و علت و از رد کردن
مخالطان ساخته کاررد ی اند و و حسن معاشرت
و از تلخی خوف ظالمان شیرینی امنیت خداوندا رحمت
کن بر محمد و ال محمد و مرا دست ده بر ظالمان و زبانی ده
بر خصمان و ظفر بخش بر معاندان و مرا مکر بخش با انکه با من
کید میکند و قدرت ده بر هر که میخواهد بشکند و قهر کند و زبانی
که دروغ زن کردانم عیب کنند کاز او سالم دار و از شر
تهدید کنندکان و توفیق ده باطاعت راست دارندکان
و متابعت راه نمایندکان خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او
بطریق صواب و سداد دار مرا تا مقابله با ارباب غش
و خیانت بنصیحت و امانت و باداش و هم بیوما یانرا بونا
و مکرمت و عوض دهم انرا که بخشید و محروم کردانید بخشش
و عطیت و با انکس که از من برد به پیوندم و قطع صله
نمایم و انرا که غیبت من کند و بد من کوید بر خلاف ان
به نیکی یاد کنم و در جزای نیکی نیکی کنم و از بدی چشم بپوشم
و بگذرم خداوندا رحمت کن بر محمد و ال او و مرا بزیور صالحان
محلی

محلی کردان و زینت متقیان بپوشان در کستردن
عدل و داد و فرو خوردن خشم و غضب و میرانیدن
آتش کینه و عداوت و باهم آوردن اهل خصومت و فرقت
و اصلاح کردان میان مردم در منازعت و فاش کردن
نیکوئی مردمان و پوشیدن عیب ایشان و نرمی طبع و خوبی
و فروتنی و تواضع و نیکوسیرتی و آهستکی و حلم و خوشخوئی
در معاشرت و سبقت بانچه موجب بزرکی و فضیلت است
و اختیار تفضل و ترک سرزنش نمودن و منت نهادن
و افضال ان و احسان با غیر مستحق ان کفتن قول حق
هر چند نایاب باشد و ضرر رساند و خاموش شدن از
باطل هر چند نفع رساند و کم شمردن شر هر چند کم باشد و کامل
کردان اینهارا برا من بدوام طاعت و ملازمت جماعت
و ترک اهل بدعت و کار برندکان رای مخترع خداوندا رحمت
کن بر محمد و آل او و فراخترین روزی خود مرا در پیری و کهن
سالی و قویترین قوت خود در وقت خستکی و رنجوری ده
و مبتلا مکن مرا بکاهلی از عبادت تو و کوری از راه تو تا معرض

حرمان نشوم انچه خلاف محبت تو باشد یا متفق شوم
باانان که از تو متفرق شده اند ومتفرق شوم از آنان که بسوی
تو مجتمع گشته خداوندا چنان کن که بلطف تو حمله کنم وقت
وضرورت واز تو سوال کنم نزد سختی وحاجت وبسوی تو
تضرع کنم وقت وفقر ومسکنت ومفتون مگردان مرا
باستعانت از غیر تو چون مضطر کردم وبخضوع در سوال
غیر چون محتاج شوم ونه بتضرع پیش دیگری چون
بترسم وخایف گردم پس بانیها مستحق خذلان ومنع
اعراض تو گردم خداوندا بگردان بجای انچه می افکند شیطان
در دل من از آرزوی ناصواب یا افترا وبدگمانیها وحسد
برارباب نعمت یاد عظمت تو وتفکر در قدرت تو وتدبیر
دفع دشمن تو وبگردان برای انچه بگذرد بر زبان من از لفظ
فحشی یا هرزه یا دشنام عرض کسی یا گواهی بباطل یا غیبت
مؤمنی غایب یا دشنام شخصی حاضر ومانند اینها گویا شدن
بتحمید تو واغراق در ثنا وتمجید تو وتسبیح تو وشکر نعمت
واعتراف بحسن صنع تو خداوندا رحمت کن بر محمد وال او
وچنان

وچنان کن که ظلم بر من نکنند وتو میتوانی ظلم از من دفع کردن
ومن ظلم بر کسی نکنم وتو میتوانی دست من بر بستن وگمراه
نکردم وتو میتوانی مرا راه نمودن ومحتاج نشوم واز جانب
تست وسعت من ودر طغیان نیفتم چون مستغنی گردم از
از جانب تست توانگری ونعمت من خداوندا روی بدرگاه
مغفرت تو آورده ام وبجناب عفو تو قاصد گشته ام وتجا
وز وعفو تو مشتاق شده ام وبفضل تو اعتماد نموده ام
ونیست نزد من چیزی که بان مستوجب مغفرت تو گردم
ونه عملی که بان مستحق عفو تو شوم ونیست مرا بعد از ان
که بر خود حکم کردن بعدم استحقاق مگر فضل تو پس
رحمت کن بر محمد وال او وتفضل کن بر من خداوندا گویا
گردان مرا بحق وهدی والهام کن مرا تقوی وتوفیق ده
مرا بان حالت وطریقه که بهتر وپاکیزه ترست وبکار دار
مرا بانچه نیکوتر وپسندیده ترست خداوندا ببر مرا راهی
که نیکوتر وبحق نزدیکتر است تا از راه بپرم وچنان
وچنان کن که بر ملت تو بمیرم وزنده شوم خداوند رحمت

کن بر محمد و آل او و ممتع گردان مرا بمیانه روی و اقتصاد و بگردان
از جمله ارباب صلاح و سداد و از صالحان عباد و روزی کن
رستگاری روز معاد و سلامتی در طریق مرصاد خداوندا
بستان از برای خود از نفس من آنچه خلاص گرداند جان
مرا در عقبی و باقی گذاری برای من از نفس من آنچه اصلاح
کند حال مرا در دنیا زیرا که نفس من در معرض هلاکتست
مگر تو عاصم و حافظ گردی خداوندا تویی دست آویز من
و مهیا شده برای روز سختی و درویشی و تویی امید
و مطلب من وقت محرومی و بتو استغاثه میکنم وقت
اندوه سختی و نزد تست از هر فوت شده عوض آن
و در دست تست هر ناسد گشته اصلاح و از هر چه
بپسندی تغیر آن پس منت نه بر من پیش از احاطه
بلا بعافیت و خلاصی و پیش از احتیاج و طلب
بتوانگری و پیش از گمراهی براه راست و صواب و کفا
یت کن از من زحمت بدی و شر عباد و ببخش ا
ایمنی روز معاد و عطا کن حسن ارشاد خداوندا رحمت
کن

کن بر محمد و آل او و دفع کن از من بلاها و جفاها بلطف خود و به
پرور مرا بغذای نعمت خود و اصلاح بکرم خود و دوا کن
درد مرا باحسان خود و مرا در پناه خویش آسوده گردان
و جامه رضای خویش بپوشان و توفیق ده چون کارها
مشکل و مشتبه گردد آن کار کنم که نیکو بحق نزدیکتر است و چون
احوال متشابهه گردد و اعتقادات متفاوت شود آن
طریقه اختیار کنم که مقبولتر است خداوندا رحمت کن بر محمد
و آل او و مرا تاج کفایت سربلندی ده و حسن ولایت
~~سربلندی ده~~ ارجمندی ده و عطا کن صدق هدایت
و مفتون مگردان بوسعت نعمت و ببخش آسودگی و راحت
و مگردان معیشت مرا سختی در سختی و رد مکن دعای مرا
از بدبختی زیرا که من برای تو ضدی ثابت نمیگردانم و
با تو مثلی و ندی نمیخوانم خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او
و باز دار مرا از اسراف و محفوظ گردان رزق مرا
از ~~بلاهت~~ اتلاف و توفیر ده آنچه در تملک منست برکت
در آن و آنچه نفقه میکنم از آن در سبیل خیر و بر گردان

خداوندا رحمت کن بر محمد وال او ~~و باز دار مرا از اسراف~~
~~و محفوظ گردان رزق مرا و~~ کفایت کن از من زحمت
اکتساب معیشت و روزی ده مرا بیگمان از خزاین رحمت
بیغایت تا مشغول نگردم از عبادت تو بطلب روزی
و متحمل نشوم گردانی و بالهای معیشت اندوزی خداوندا
بده مرا بقدرت خود انچه میطلبم و زینهار ده بعزت خود
از انچه میترسم خداوندا رحمت کن بر محمد وال او و نگاه
دار آب روی مرا بتوانگری و فرسوده مگردان قدر و منز
لت من بدرویشی و تنگدستی تا روزی خود طلب
کنم از روزی خواران تو و عطا جویم از بدان خلق
تو پس گردم بحمد و مدح هر که مرا ببخشد هر چند شایسته
باشد و مبتلا گردم بمذمت و عیب انکس که مرا نبخشد
هر چند بحمد اولیتر باشد و عطا و منع تو سیکنی نه ایشان
و روزی بندگان تو میدهی نه ایشان دیگران
خداوندا رحمت کن بر محمد وال او و روزی کن مرا
صحت در عبادت و فارغ بالی در زهادت و علم
با علم

باحمل و دروغ نیکویی خلل و خطل خداوندا ختم کن بعفو
خود مدت زندگانی مرا و محقق کن در امید رحمت خود
آرزوی مرا و آسان گردان سوی رضای تو راه مرا
نیکوکاران در همه حال مرا خداوندا رحمت کن بر محمد وال او
و بیدار گردان مرا برای یاد تو در اوقات غفلت و بکار دار
بطاعت خود در روزگار مهلت و بنما مرا سوی محبت تو
راهی راست و روشن و بی پیچ و تاب و بی التباس و خفا
و کامل گردان بان بهر من خیر دنیا و آخرت را خداوندا
رحمت کن بر محمد وال او همچو ناقلترین رحمتی که بر کسی
از خلق خود کرده باشی پیش از او یا خواهی کردن بعد
از او و عطا کن ما را در دنیا نیکویی و خوشی و در آخرت
نیکویی و خوشی و نگهدار برحمت خود از عذاب نار ای
پروردگار عالمیان و کان من دعائه اذا حزنه امر او اهمه
الخطایا چون حادثه الخرت را غمگین ساختی یا خطا
ها و تقصیرات در فکر و اندیشه انداختی باین دعا بحق
بحق تعالی التجا نمودی بار الهها ای انکه بیکسان

بدحال عاجز از تو کفایت می یابند وای انکه بیچارگان
خایف در پناه رحمت تو میگریزند گناهان مرا از درگاه
تو دور انداخت و بیکس و بی داد رس ساخت الهی و
خوف غضب تو مرا بیچاره و عاجز گردانیده و از دولت
سرای لطف تو رمیده و آواره گردانید اکنون بر ملامات
تو مشرف شده ام و از گناهان خود میترسم خداوندا مرا
ایمن میگرداند چون تو ترسانی و که مرا نصرت مینماید چون
تو بیکس و تنها گردانی و که مرا قوت میدهد چون تو ضعیف
کرده باشی پناه نمیدهد بنده را از شر اشرار جز پروردگار
که خالق قادر است و ایمن نمیگرداند از حوادث لیل
و نهار و بلیات هر دو سرای جز خداوند قهار که غالب
طالب است پس کجا گریزم از در تو و کجا روم از بر تو رحمت
کن الهی بر محمد ختم پیغمبران و آلش راهنمای رهبران
و مرا در پناه خود گیر و عذر من بپذیر و حاجت من روا
کن و مرا از قید غم رها کن خداوندا اگر تو روی کریم از من
بگردانی و بفضل جسیم بر من نبخشایی یا روزی بمن
تنگت

تنگت سازی یا دستگاه امیدم از وسایل و اسباب پرواز
بکدام سبب چنگ در زنم و روزی از که جویم که راه
بجای نمیبرم و دری دیگر نمیشناسم زیرا که من بنده توام
و در قبضه قدرت توام مرا اختیاری نیست با اختیار تو و
مدخلی نیست در کار تو بنده را حکم آفرید کار چه اختیار است
و از آنچه قضا کنی کجا یارای فرار است از سلطان تو که بیرون
میتواند شدن و با قدرت و قوت تو که میتواند کوشیدن
نتوانم ترا بخود مایل کردن یا رضای تو حاصل کردن
و آنچه نزد تست بدست آوردن مگر بوسیله طاعت
و فراغت و مگر بدستیاری فضل و رحمت بیغایت تو
خداوندا اگر صبح میکنم و اگر شام و اگر در نور میروم و اگر در
ظلام بنده توام و در قبضه قدرت توام و مسخر امر و مشیت
توام نه نفع خود را مالکم و نه ضرر و نه بر چیزی قادرم و نه
و نه شر مگر خیری که تو کنی و مگر شر که تو از من بگردانی
بگردانی عاجز و بیچاره ایم و ضعیف و درمانده ام بعجز
خود اعتراف میکنم و پیش قدرت تو گردن مینهم پس

انچه وعده داده بیچارگان درمانده را بانجار رسان وانچه
مقرر کرده برای من عاجزان مضطر تمام گردان که من بنده
مسکین مستکینم من بنده فریر حقیرم من بنده مهین فقیر
حقیرم من بنده خایف مستجیرم خداوندا رحمت کن بر محمد
وال او و چنان کن که یاد تو هرگز فراموشم نباشد و حلقه
احسان تو پیوسته بر گوشم باشد ترا خوانم و ترا دانم و ترا
شناسم واز تو هراسم واز تو ترسم واز تو گویم و ترا جویم
وبدر تو پویم امید بتو دارم و حاجت پیش تو آرم از یاد
تو هیچ نکردم و در حرف تو دلگیر نگردم واز کار تو مانده نشوم
واز در تو رانده نشوم اگر بخوانی واگر برانی روی نگردانم
ترا دانم ترا خوانم چه در سختی چه در راحت ترا گویم ترا
جویم چه در محنت چه در نعمت خداوندا رحمت کن بر محمد
وال او و چنان کن که در همه حال بر تو ثنایم و ترا مدح
کنم و ترا حمد کنم و جز تو مقصودی ندانم تا شاد گردم
بانچه بخشی مرا از دنیا وغمگین نگردم بانچه نبخشی مرا درین
سرا وجانم را جامه تقوی بپوشان و تنم بیقرار کار
خود

خود گردان و مشغول کن بطاعت خود مرا از نکر هر کاری
دارا و ورود هر حالی تا دوست ندارم چیزی که تو دشمن
داری و دشمن ندارم چیزی که تو راضی باشی خداوندا
رحمت کن بر محمد وال او و فارغ گردان دل مرا برای
برای محبت خود و مشغول گردان بیاد عظمت خود
و بر پای دار بخوف و هیبت خود و قوی گردان برغبت
خود و مایل گردان بطاعت خود و بآن راه بر که دوست
داری و ذلیل گردان بطلب و خواهشگری انچه نزد تست
تمام ایام زندگانی و چنان کن که زاد تقوی از دنیا
بردارم و چون از اینجا سفر کنم بمقام رحمت تو فرود
ایم و در رضوان تو داخل شوم و مرا نزد خود جا ده
و در بهشت ماوی ده و توفیق بخش که بان طاعات گران
متحمل شوم و چنان کن که از هر مکروهی بتو گریزم و انچه
نزد تست جویم و دل مرا وحشت بخش از بدکاران دا
نش ده بخود و دوستان خود و نیکوکاران و چنان
کن که هیچ کافر و فاجر را بر من منتی نباشد و نزد من

و نزد من منتی نباشد و نزد من نعمتی نباشد نداشته
باشند و مرا با ایشان حاجت نبود بلکه چنان کن که دلم جز
بتو ساکن نگردد و جانم جز تو آرام و انس نگیرد و مرا بخود
بی نیاز گردان و کار من بخود ساخته گردان و به نیکان
خلق خود نه بدان خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او
و مرا قرین نیکان و همنشین صالحان و دوست و مددکار
ایشان گردان و منت نه بر من بشوق در طلب و سلوک
طریق محبت تا ارزومند تو باشم و کار موافق رضای
تو کنم انک علی کل شیء قدیر و ذالک علیک یسیر
و کان من دعائه عند الشده و الجهد و تعسر الامور این دعا
را در نزد سختیها و مشکلی کارها میخوانده اند خداوندا تو مرا
تکلیف کردی از جانب من انچه مالکتری بان از من
و قدرت تو بران کار بر من غالبتر است از قدرت من
پس عطا کن مرا از من و امگیر و مرا بخلق حوالت مکن
بلکه حاجت من تنها برار و کار من بخود بگذار و بمن
نظر کن از لطف و برای من نظر کن در همه کارها که اگر
مرا

اگر مرا بخود واگذاری عاجز میگردم از کار خود نمیتوانم
قیام نمودن بصلاح حال خود و اگر مرا بخلق واگذاری
در روزی من بایشان حوالت نمایی روی بمن ترش
کنند و مرا بی غصه و غم طلبی ندهند و اگر ملجا گردانی بخویشان
هم محروم نگردانند و اگر بدهند بجفا و دشواری و منت
نهند زمان دراز و مذمت کنند بسیار پس بفضل خود
مرا از دیگران بی نیاز گردان ای خالق و رازق عالمیان
و بزرگی خود از خاک بردار مرا و بوسعت خود دست
من بگشا و از خزاین رحمت خویش کفایت کن مرا خدا
وندا رحمت کن بر محمد و آل او و خلاص گردان مرا از حسد
بر نعمت مردمان و بازدار از گناهان و پارسای ده از
حرام و دلیر مگردان بر معاصی و انام و چنان کن که شوق
جان من و هوای دل من در انها باشد که اماده است
نزد تو و رضای من دران امر باشد که وارد گردد بر من
از تو و برکت ده مرا از روزی من و در انچه مرا دادهٔ
و هر نعمت که بلطف خود بخشیدهٔ و در همه حال مرا حراست

و بمحافظت نماو بپوشان از دیدها و در پناه گیر و زینهار
ده و امان بخش الهیا خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او
و قضا کن از من هرچه بر من واجب و لازم گردانیدهٔ
در وجهی از وجوه طاعت و برای کسی از خلق خود
هرچند ضعیف گشته باشد بدنم از ان و قوتم نرسد با
ن و قدرتم از ان عاجز باشد و مالم گنجایی ان نداشته
باشد همه ان حقوق و تبعات از من اداکن انچه دا
رم و انچه فراموش انها پروردگارا تو بر من احصا نموده
و شماران میدانی و من از یاد نهاده ام و خود را از ان
غافل داشته ام اداکن انهارا از جانب من از عطای
جزیل خویش که کرم تو بسیار و نعمت تو بیشمار ست تا با
نماند بر من چیزی از ان حقوق که خواهی بتقاص ان
کم گردانی از حسناتم یا مضاعف گردانی به سبب سیاتم
روزی که بتو رسم ای پروردگار من خداوندا رحمت
کن بر محمد و آل او و روزی کن مرا شوق و رغبت
کار در راه رضای تو و اخرت خویش تا صدق ان رغبت
کمال

کمال خواهش از دل خود بیابم و از دنیا و حطام او زاهد
و معرض باشم و تا حسنات از روی شوق تمام بجای
آورم و گرد سیات از خوف و ترس نگردم و از وقوع
دران ایمن باشم و مرا نوری بخش از علم و ایمان که بان
نور میان مردم راه روم و تاریکیها راه گم نکنم و از شک
و شبهات در روشنی باشم خداوندا رحمت کن بر محمد
و آل او و روزی کن مرا ترس و بیم از انچه وعید و تهدید
کرده عاصیان را و شوق بثواب و نعیم که وعده داده
مطیعان را تا از طاعت لذتی در جان و نشاطی در روان
بیابم و از معاصی حذر و اندوه و غم با شکوه در دل خود
فهم کنم خداوندا تو میدانی حال مرا چه باصلاح می آورد
و از امر دنیا و آخرت مرا چه بکار می آید پس بحاجتهای
من مهربان و مرا خراب حال مگذار خداوندا رحمت
کن بر محمد و آل او و روزی کن مرا که حق شکر تو بی تقصیر
بگذارم و در هر جا که باشم شاکر باشم چه در سختی چه در
آسانی و چه در تندرستی و چه بیماری و نیکو حالی

وبدحالی تا در نفس خود روح رضا و خوشنودی بقضای
تو بیابم و بهر حال که حادث گردد گشاده خاطر و مطمئن
باشم از حال خوف و امن و رضای و سخط و نفع و ضرر
خداوندا رحمت کن بر محمد و ال او و روزی کن مرا سینه
پاک از حسد و غش و غائل بر هیچکس حسد نبرم در نعمت
کسی اندوه نخورم و هر نعمت که خلق ترا باشد در دین
یا در دنیا یا عافیت یا تقوی یا وسعت یا رخا از ان بهتر
برای خود امیدوار باشم بلطف و مرحمت تو و از حضرت
تو تنها نباشد شریکی ترا خداوندا رحمت کن بر محمد و ال او
و روزی کن مرا احتراز از خطاها و احتراس از تو تنها
در امر دنیا و اخرت در حال رضا و غضب و راحت
و مشقت تا در همه حال یکسان باشم و عمل بر طاعت
و رضای تو کنم درباره دشمن و دوست و نزدیک و دور
تا دشمن و بیگانه از ظلم و جور من ایمن باشد و دوست
و اشنا از میل و جانب گرفتن من مایوس و چنان کن که
ترا بخوانم و در تو گریزم از روی اخلاص در وقت
نعمت

نعمت و آسانی چنانچه مخلصان ترا میخوانند و در وقت
درماندگی و پریشانی ان حالی انک حمید مجید که تو ستوده
و بزرگواری وکان من دعائه اذا سال الله العافیة و شکرها
ای دعا کردی چون از حق تعالی عافیت و شکر بر
عافیت مسئلت نمودی خداوندا رحمت کن بر محمد
و ال او و مرا عافیت خود بپوشان و بلباس عافیت
پوشیده گردان و بمحض عافیت خود در آر و بعافیت
خود گرامی دار و بی نیاز گردان بعافیت خود و تصدق
کن بر من بعافیت خود و مرا عافیت عطیه گردان
و برای من فرش عافیت بگستران و اصلاح کن برای
من عافیت خود و جدای میفکن میان من و عافیت
خود در دنیا و اخرت خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او
و عافیت ده مرا عافیتی کافی عالی نامی عافیتی که در
بدن من عافیتها احداث کند از عافیت دنیا و آخرت
و منت نه بر من بصحت تن و ایمنی و سلامت دین
و بصیرت دل و نفاذ امور و قوت بر طاعت و اجتناب

از معصیت خداوند امنت نه بر من بحج و عمره و زیارت
قبر رسول تو صلوٰتک علیه و علی اله و آل رسول تو علیهم
السلام همیشه چندانکه مرا باقی داری در این سال و در
سالهای آینده و از ما مقبول و مشکور و نزد خود مذکور
و مذخور گردان و گویا کن بحمد خود و شکر خود و ذکر خود
و دعا و ثنا زبان مرا بگشا و روشن کن برای مقاصد
دین خود دل مرا و در پناه گیر مرا و ذریت مرا از شر دیو
لئیم و شیطان رجیم و از شر جانوران زهردار
و جنبندگان زمین و از بلای عام و از چشم بد و تعرض
جن و از هر شر شیطان متمرد و هر سلطان متجبر و هر
متنعم تن درناپاک درون و از شر هر ضعیف و شدید
و هر شریف و وضیع و هر صغیر و کبیر و هر قریب و بعید
و از هر کس که با رسول تو و اهل بیتش صلوات الله
علیهم السلام لوای دشمنی بر پای کرده است از پری
و آدمی و از شر هر حیوانی جنبنده که تو موی پیشانی
او را فرا گرفته انك علی صراط مستقیم بدرستی که تو
بر راه راستی خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او
و هر که بدی با من قصد کند او را از من بگردان و مکر
او دور کن و شر او دفع کن و کید او در گردن او باز
گردان و پیش روی او سدی برآور تا کور گردانی
از دیدن من چشمش را و کر گردانی از حرف من گوشش
را و قفل بر نهی نزد یاد من دلش را و گنگ کنی از
من زبانش را و بکوبی بگرز سرش را و خوار کنی
عزتش را و بشکنی جبروتش را و ذلیل کنی گردنش را
و از هم بریزی کبرش را و ایمن گردانی مرا از همه شر
و ضرر او و از طعن کردن و عیب گفتن و چشمک
زدن و غیبت کردن و نکته گرفتن و بر انگیختن فتنه و وسوسه
نمودن و حسد بردن و عداوت کردن او و از دامها
که در راه گسترده است و اسباب صید که برای ما مهیا
کرده است و از اعوان و انصار و پیاده و سوار او
انك عزیز قدیر و کان من دعائه علیه السلام لابویه
در دعا پدر و مادر خواندی خداوندا رحمت کن

بر محمد بنده تو و رسول تو و بر اهل بیت او که پاکانند و
خاص کن ایشانرا بفاضلترین صلوات و رحمت و برکات
و سلام خود و خاص کن یارب پدر و مادر مرا بکرامت نزد
خود و رحمت از خود یا ارحم الراحمین خداوندا رحمت
کن بر محمد و آل او و الهام کن مرا علم انچه واجب است
بر من درباره والدان پس توفیق ده تا کار بندم انچه
الهام کنی از حقوق ایشان تا هیچ دقیقه فوت نکنم
ازان و بی گرانی و کاهلی بشتابم از خدمت ایشان
خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او و چنانچه واجب
گردانیدی مارا بحق بر خلق بسبب او خدایا چنان
کن که از ایشان هیبت داشته باشم همچو هیبت بجرم
از سلطان ستمکار و با ایشان نیکوی کنم همچو مادر
مهربان غمخوار و طاعت ایشان در چشم خسته بیداری
کشیده و از شربت آب در سینه تشنه گرما دیده تا هوای
ایشان بر هوای خود ایثار کنم و رضای ایشان ر
ضای خود اختیار کنم و بسیار شمارم نیکی که با من کرده
باشند

باشند هر چند کم باشد و کم شمارم نیکی خود را هر چند بسیار
باشد خداوندا آهسته ساز پیش ایشان آواز مرا و نیکو
گردان کلام مرا و نرم گردان خوی مرا و مهربان کن دل
مرا و مرا با ایشان رفیق و بر ایشان شفیق گردان خداوندا
مزد ده ایشانرا بر تربیت و ثواب ده بر حرمت و رعایت
من و پاس دار بر ایشان انچه پاس داشته اند در خردی
برای من خدایا و انچه با ایشان از جانب من رسیده باشد
رنج و آزاری و کشیده باشد و مکروهی و جفائی یا ضایع
مانده باشد نزد من از ایشان حقی ازرا موجب سقوط
گناهان و موجب علو درجات و زیادتی حسنات مبدل
ایشان گردان ای آنکه سیات را باضعاف ان حسنات
مبدل میکنی خداوندا و انچه ایشان بر من تعدی و
جفا کرده باشند در قولی و از حد برده باشند در فعلی
یا ضایع گذاشته باشند درباره من حقی یا تقصیر کرده باشند
در واجبی بخشیدم ازرا با ایشان و در گذشتم ازان و از تو
میخواهم و مسئلت مینمایم که در گذری از باز خواست آن

وبینداری از ایشان و بال آن که من ایشان را متهم
نمیدانم بر خود بتقصیری و شکایت نمیکنم در امری در
نجش ندارم در کاری ای پروردگار من حق ایشان
بر من ازان واجب‌تر است و احسانشان ازان بیشتر است
و منتشان ازان بزرگتر است که از ایشان تقاص
کنم و عوض خواهم در برانچه کرده اند مکافات نمایم پس
کجا رفت برین تقدیر ای خدای من گرفتاری در
از ایشان در تربیت من و کجا شد تعب و جفا که
کشیده اند در حراست و محافظت من و کجا رفت
تنگ گرفتن ایشان بر خود برای معصیت وسعت
من هیهات کجا ایشان حق خود از من تمام استیفا
کنند و انچه بر من واجب است از حقوق ایشان
توانم دریافتن یا وظیفه خدمت ایشان توانم گذا
ردن پس رحمت کن بر محمد وال او و دا عانت کن
مرا ای بهترین آنان که از ایشان یاری جویند
و توفیق ده مرا ای راه نماینده ترین انان که
بخواهشگری

بخواهشگری سوی ایشان آیند و مگردان مرا از انان
که عاق بوده اند بر پدران و مادران در روزی که هر
نفس بانچه کسب کرده است جزا یابد و بر ایشان علم و
پیدا امرزد خداوندا رحمت کن بر محمد وال او و ذریت
او و خاص گردان پدر و مادر مرا بفاضل‌ترین کرامتی
که خاص گردانیده بان پدرها و مادرهای مومنان را یا ار
حم الراحمین خداوندا فراموش مگردان از من یاد
ایشان را در عقب هیچ نماز و هیچ هیچ وقتی از اوقات
لیل و ساعات نهار خداوندا رحمت کن بر محمد وال او
و بیامرز مرا بوسیله دعای که برای ایشان کردم و بیامرز
ایشان را بسبب نیکویی و احسانی که با من کرده اند آمر
زیدنی واجب و لازم و خوشنود از ایشان بوسیله
شفاعت و درخواست من خشنودی ثابت و محتم
و برسان ایشان را بکرامت خود بموطن سلامت و مقام
رحمت و دار السلام جنت خدایا اگر مغفرت تو ایشا
ن را سابق گردد و شفاعت ایشان بپذیر درباره

ایشان تا مجتمع شویم همه بفضل دار افت تو در سرای
کرامت تو و محل مغفرت تو انلت ذو الفضل العظیم
والمن القدیم وانت ارحم الراحمین وکان من دعائه
لولده این دعا برای فرزندان نمودی خداوندا
ومنت نه بر من ببقاء فرزندان و اصلاح ایشان
و برخورداری من ایشان الهی من دراز کن برای
من عمرها شان را و زیاد گردان مدت بقا شان را
و تربیت کن برای من خرد شان را و قوت ده
ضعیفان را و اصلاح کن برای من ابدان و ادیان
و اخلاق شان را و عافیت بخش در جان و تن و اعضا
شان و در هر امر که بان اعتنا دارم از ایشان و جاری
گردان برای من و بر دست من روزیها شان و
بگردان روزی ما شان را نیکان و پرهیزکاران
و بینندگان و شنوندگان و مطیعان امر تو و دوستان
ترا از دوستان و ناصحان و دشمنان ترا از معاندان
خدایا قوی کن با ایشان بازوی مرا و راست گردان
بگی

بگی مرا و بسیار گردان عدد مرا و مزین گردان با ایشان مجلس
مرا و زنده دار با ایشان نام مرا و کفایت کن با ایشان کار
مرا در غیبت من و اعانت کن با ایشان مرا بر حاجت
من و بگردان شان برای من دوستان و بر من مهربان
و مقبلان و مستقیمان و مطیعان نه عاصیان و نه
نافرمانان و نه مخالفان و خطاکاران و اعانت کن
مرا بر تربیت و تادیب و نکی با ایشان و ببخش مرا
از جانب خود دیگر فرزندان ذکور و خیر و صلاح من
در ان گردان و همه را مدد کار من گردان بر حاجتها
که خواستم درباره خود و ایشان و در پناه گیر مرا و ذر
یت مرا از شر شیطان که تو خداوندا ما را خلق کردی
و امر و نهی نمودی و در ثواب طاعات ترغیب
فرمودی و از عقاب معاصی تحذیر و ترهیب نمودی
و دشمنی بر گماشتی که با ما دایم کید میکند و در اضلال
ما سعی میکند او را تسلط دادی بر ما ان تسلط که ندادی
ما را بر او جای دادی او را در سینهای ما و جاری گردانیدی

در مجاری خونهای ما غافل نمیگردد اگر ما غافل گردیم و
فراموش نمیکند اگر فراموش کنیم مارا از عقاب تو ایمن
میگرداند و از غیر تو میترساند اگر عزم کاری قبیح کنیم
دلیر میکند و دل میدهد و اگر قصد کاری نیک کنیم مانع میگر
دد و باز پس می اندازد و شهوات در نظرهای ما آراید
و شبهات در راه ما نصب میکند اگر وعده میدهد
با ما دروغ میگوید و اگر در امید می افکند خلف وعده
میکند اگر تو کید او را از ما نگردانی مارا گمراه کند و از راه
طاعت تو بگرداند و اگر از فساد او نگاه نداری مارا
بلغزاند و در خطا افکند خدایا پس بگر شکن قوت و سلطنت
او را از ما بسلطان خود و بران او را از ما بلطف
و امتنان خود و باز دار او را از ما بکثرت دعا و ا
التجا بنجات رحمت تو تا از کید او محفوظ گردیم
بلطف و مرحمت تو خدایا بده مراد ما مرا و بگذار
حاجتهای مرا و اجابت کن دعای مرا و تو ضامن
گشته اجابت دعا را و باز مگردان از درگاه خود
تو

و تو امر کردهٔ بدعا و منت نه بر من بانچه اصلاح
حال من کند در دنیا و عقبی از هر گونه مراد ما که در
یاد دارم یا فراموش کرده ام و آنچه ظاهر کردم و آنچه
پوشیدم و آنچه فاش کردم یا با تو براز گفتم و چنان
کن که در همه حالات و در جمیع احوال از رستگاران
باشم بسبب سوال از تو و از حاجت یافتگان باشم
بوسیله طلب و عرض حاجت بسوی تو باز نگردم محروم
از تو در تو چون بر تو اعتماد نمودم محفوظ مانم در
پناه تو چون پناه بتو جستم و از آنان باشم که سود
کرده اند در تجارت بر تو زینهار یافته اند بحمایت
عزت تو فراخ گشته است رزق حلال بر ایشان
از فضل و رحمت تو بجود کرم تو عزیز گشته اند از خاری
بحمایت تو امان یافته اند از بلا برحمت تو توانگر
گشته اند از درویشی بتوانگری و نعمت تو محفوظ
گشته اند از گناهان و لغزشها و خطا بتقوی و عبادت
تو موفق گشته اند بخیر و رشد و صواب بطاعت تو

و میان ایشان و گناهان حجابی حایل گشته است
بقدرت تو از آنان که ترک داده اند معاصی و شهوات
دنیا را برای رضای تو و ساکن شده اند و در لشکرای
جوار تو خدایا عطا کن ما را جمیع این حاجتها بتوفیق
و رحمت خود و در پناه گیر ما را از عذاب سعیر برحمت خود
و عطا کن همه مسلمین و مسلمانات و مؤمنین و مؤمنات
را مثل انچه برای خود و فرزندان خود از تو مسئلت نمودم
در دنیا و آخرت زیرا که تو قریبی و مجیبی و سمیعی و علیمی عفو
کننده و آمرزنده و مهربان و بخشاینده آتنا فی الدنیا
حسنة و فی الآخرة و قنا عذاب النار و کان من د
عائه الجیرانه و اولیائه اذا ذکرهم این دعا برای همسا
یگان و دوستان کردی چون یاد ایشان نمودی
خدایا رحمت کن بر محمد و آل او و تولی کن برای من
همسایگان و دوستان مرا که عارفند بحق ما و دشمنند
با دشمنان ما به بهترین ولایت خود ولایت خود
و رعایت کن نیکوترین رعایت خود و توفیق

ده باقامت دین و طریقت تو و عمل بر محان ادب
تو در مدارا و تلطف با ضعیفان و رفع کردن حاجت
و عزت ایشان و عیادت بیماران و هدایت راه
طلبان و نصیحت مشورت کنندگان و تعهد از سفر
آمدگان و پوشیدن احوالی از ایشان که پوشیده
داشتنی است و فاش کردن آن روا نیست و نصرت
مظلوم و اعانت یکدیگر با عون یعنی ضروریات که همسا
یگان از یکدیگر میخواهند مثل آب و آتش و نمک و
ما یحتاج که مردمان از یکدیگر بعاریت می ستانند مثل
کاسه و کوزه و دیگ و بیل و تبر و ساج و آرد بیزن و ا
مثال ان از یکدیگر دریغ ندارند و انچه دست رس
باشد بدهند و با یکدیگر احسان و افضال و عطای
واجب پیش از سوال واجب دانند و چنان کن
یارب که باداش دهم بنیکی بدکار ایشان را و درگذرم
از مکافات ظالم ایشان و حسن ظن بکار بندم در کافه
ایشان و چشم بپوشم از حرمات ایشان از روی

عفت و نرم گردانم جانب با ایشان از روی تواضع
و مسکنت و رقت کنم بر مبتلایان ایشان از روی ر
حمت و ظاهر گردانم برای ایشان عاشقانه مودت و د
وست دارم برای ایشان بقای نعمت از روی خیر
خواهی و نصیحت و واجب گردانم برای ایشان هرچه
واجب میدارم خویشان خود و رعایت کنم آنچه رعایت
میکنم برای نزدیکان و خاصان خود خداوندا رحمت
کن بر محمد و آل او و روزی کن مرا مثل این حالات
و کریم صفات از ایشان و نصیب من از آنچه ایشانراست
کاملترین نصیبی گردان و بیفزا بصیرتشان در حق من
و معرفتشان بفضل من تا نیکبخت و نایز گردند ایشان
بمن و من بایشان در اینجهان و در آنجهان آمین
یا رب العالمین وکان من دعائه علیه السلام لاهل
الثغور این دعا برای جماعتی از مسلمانان میفرمود
که برای جهاد و تحصیل ثواب و حمایت اسلام در سر
حدها و قلعها که میان کفر و اسلام واقعست ساکن میگشتند
خداوندا

برای

خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او و استوار کن مرزها
و سرحدهای مسلمانان را بعزت خویش و نصرت کن حا
میان ثغور را بقوت خویش خداوندا رحمت کن بر محمد
و آل او و بسیار کن عدد ایشانرا و تیز کن سلاح ایشان
را و حراست نما محل جمعیت ایشانرا و منیع گردان گردا
گرد ایشانرا و تالیف ده جمعیت ایشانرا و تدبیر کن امر
ایشانرا و پی در پی برسان توشه ایشانرا و بخود بی
مدخلیت غیر کفایت کن کارها و زحمتهای ایشانرا و یاری
کن بنصرت و اعانت کن بصبر و لطف کن با ایشان
در تدبیر کار دشمنان و مکرهای لطیف و پوشیده بیاموزان
خدایا رحمت کن بر محمد و آل او و شناسا گردانشان بانچه
جاهلند و دانا گردان بانچه نمیدانند و بینا کن بانچه بینا
نیستند خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او و فراموش
گردان از ایشان وقت ملاقات دشمن یاد دنیای
فریبنده غدار و محو کن از دلهاشان اندیشه مال و متاع
جهان ناپایدار و بگردان بهشت را نصب العین ایشان

ودرخشان گردان پیش چشمشان انچه مهیا کرده
برای مجاهدان از مساکن خلد ومنازل کرامت
وحور حسان وجویهاء روان بانواع شراپهاد در
ختان سر فرو آویخته باصناف میوه‌ها تا هیچکس
از ایشان در معرکه قتال اهنگ اد باز نکنند
وبانفس خود حدیث فرار نگوید خداوندا بشکن
بقوت عزم ایشان دشمنانرا و قلم کن ناخنها
شانرا وجدائی انداز میان ایشان و میان ا
اسلحه‌شان و ببردن کن از جا بندها و پیوندهای
دلهاشان و دوری انداز میان ایشان و میان
توشهاشان و حیران گردانشان در راهها و گم کن
راهشان بمقصدها و برمددشان و کم کن عدد
شان و پر کن از ترس و بیم دلهاشان و به
بند از حرکت دستهاشان و گنگ کن از گفتار
زبانهاشان و پراکنده کن بهزیمت ایشان آنا
نان که در پی ایشانند و بترسان بنکال و عذاب

ایشان

ایشان قومی که در عقب ایشانند و منقطع کن بشرمساری
و رسوائی ایشان طمعهای دیگر کافرانرا خداوندا عقیم گردان
ارحام زنانشان را و خشک گردان اصلاب مردشانرا
و برافکن نسل چهارپایان و حیواناتشانرا رخصت مده
آسمانرا تا بر ایشان ببارد و زمین را تا بر ایشان برویاند
خداوندا قوت ده ببدحالی ایشان مواضع اهل اسلام را
و استوار گردان دیارشانرا و بارور گردان اموالشانرا
و مخاصمت ایشان برای خلوت کردن بطاعت تو
تا عبادت نکنند در بقاع زمین کسی را غیر تو و بر خاک
نمالد بر خاک کسی مگر پیش تو خداوندا جهاد فرما
مسلمانان هر ناحیت را بر مشرکان مقابل ایشان و مدد
کن از فرشتگان از نزد خود پی در پی در ایندکان تا برا
نند و هزیمت دهند کفار را تا انجا که معموره منتهی میگردد
بکشتن و اسیر کردن یا اقرار کنند که توئی خدای
عالمیان نیست خدای جز تو توئی تنها و تنها نیست
شریکی ترا خداوندا و شامل گردان باین دعا همه

دشمنان ترا که در اطراف بلاد اند از هندیان و
رومیان و ترکان و اهل خزر و حبش و نوبیان و
زنجیان و صقلابیان و دیلمیان و باقی امتهاء
مشرکان که اسما و صفاتشان مخفی است و مارا علم
تفصیلی بایشان نیست و تو بمعرفت خود ایشانرا احصا
نموده و بقدرت خود برایشان مشرف گشته خداوندا
مشغول گردان مشرکانرا از مشرکان از قصد اطراف
مسلمانان و ناقص و ناچیز گردانشان از قصد نقصان مسلما
نان خداوندا الهی خالی گردان دلهاشانرا از امن و ایمنی و بد
و بدنشانرا از ناتوانی و غافل گردان دلهاشانرا از
حیله و تدبیر و سست گردان اعضا و قواشانرا از مقابله
مردان و بددل و ترسان گردانشان از محاربه دلیران
و بفرست برایشان لشکری از ملایکه که فرود آورند
عذابی از عذابهاء تو چنانچه کردی روز بدر تا بیخ
دین ایشان برکنی و شوکتشان بشکنی و جمعیتشان پرا
کنده کنی خداوندا و بیامیز ابهاشانرا بوبا و طعامهاشانرا

بدردها

بدردها و فرو بر در زمین بلادشانرا و سنگ بباران سخت
بر آن ولایتها و دور انداز معمورها و بکوب زیر قدم قحط
و سختی و بلا و بگردان تو شهرهاشانرا در خالی ترین زمینها
از آبادی و زشتترینها و دورترین مواضع از ایشان و
منیع‌ترین حصنهای جهان و بزن برجانشان جوع
مقیم و سقم الیم خداوندا و هر غازی که بایشان غزا کند
از اهل ملت تو و مجاهدی که جهاد کند از تابعان سنت
تو برای اینکه دین تو بالاتر و لشکر تو قویتر و نصیب
تو وافیتر باشد او را آسانی پیش آور و کار او مهیا
ساز و مراد او برآر و برای او اصحاب نیکو اختیار کن
و پشت او قوی کن و در نفقه او فراخی بخش و او را
بنشاط و انبساط ممتع کن و حرارت شوق دوستان
و وطن مالوف از او خاموش کن و از اندوه وحشت
و تنهای تسلی بخش و یاد اهل و ولد از او فراموش
کن و او را نیت نیکو بخش و عافیت یار کن و سلامت
همراه کن و دور کن از جبن و بددلی و در دل انکن شجاعت

و دلیری و روزی کن قوت و شدت و تائید کن
بنصرت و تعلیم کن سیر تهاد و شهاد و تسدید کن در حکم
و دور دار از او ریا و خالص کردان از سمعه و بجره
و طلب آوازه و چنان کن که فکر او و ذکر او و رفتن او
و ماندن او در راه تو و از برای تو باشد در روز جنگ
و مصاف عدد دشمنان در چشم او اندک و شوکت شان
در دل او محقر کردان تا دلیر کردد و بی هراس حمله نماید
و دولت از دشمن بستان و با و رسان و از او بد دشمن
رسان و اگر قضا چنان کرده باشی که ختم کار او بر
سعادت شهادت شود باید بعد از ان باشد که
دشمن را استاصل و منکوب و ذلیل و مقهور کرده
باشد بکشتن و اسیر کرفتن و بعد از انکه کشته باشند
مسلمانان در اطراف بلاد و پشت داده باشد دشمن
در مصاف خداوندا و هر مسلمانی که بجای مجاهدی و مرا
بطی در خانه او بماند برای محافظت باز امدکان او
یا غمخواری و تعهد باز ماندکان او نمایند در غیبت
او

او یا او را مال و اسباب قتال اعانت نماید یا بر
جهاد تیز کرداند و دلیر کند و ظفر او از خدای عز و
جل در خواهد یا حرمت او در غیبت او مرعی دارد و در
اصطلاح کار او کوشد او را ان جر و ثواب بخش او را
که مجاهد و مرابط را بخشیدی بهمان وزن و بهمان
سنک و هم بیخش او را برای ان کار عوض حاضر در دار
دنیا تا عجالة الوقت بی انتظار نفع ان کار بیابد و بان
معامله شاد مان تا ان زمان که وقت ثواب الجهان
در رسند و ثواب کامل از فضل بی پایان و کرامت جاویدان
دریابد خدایا و هر مسلمانی که او را غمکین و اندیشه مند کرداند
امر اسلام و اجتماع کفار در قتال ایشان پس بر خیزد
و بعزم جهاد و کمر بند و بر دفع اضداد پس ضعف و ناپاکی
و ناتوانی او را از پای بنشاند یا پریشانی و تنکدستی
آن عزیمت باد پس اندازد یا حادثه دیکر پیش آید و او
را از ان اراده مانع کردد نام او بنویس در جمله عابدان
و ثابت ساز برای او ثواب مجاهدان و بکردان او را

در جملهٔ شهیدان و صالحان خداوندا رحمت کن بر محمد
وال او رحمتی برتر از رحمتها و شرف بر تحتها رحمتی که منتهی
نگردد مدتش و منقطع نگردد عددش همچو تمام ترین رحمتی
که از این پیش بر کسی از دوستان خود کرده باشی که تو
ی بخشنده نعمتها ستوده شده بر زبانها ایجاد کننده
اشیا باز گرداننده کاینات بعد از موت و فنا میکنی
از کمال قدرت انچه میخواهی و کان من دعائه متضرعا الی
الله عز وجل این دعا وقت غلبه فزع و خوف بخدای
عز وجل پناه بردی و در کنف رحمت حق گریختی
بار خدایا من خالص گشتم از برای و بریدم از ماسوای
و همگی روی بتو آوردم زیرا که همه محتاجند بتو و عنان
مسئلت از همه بپیچانیدم و بسوی تو گردانیدم که طلب محتاج
از محتاج محض از سفاهت رای و نقصان عقل و گمراهی
و پراهیت چه بسیار مردمان دیدم ای خدای من که عزت
وارجمندی بغیر جستند پس خوار و بیمقدار گشتند و نعمت
و توانگری از غیر تو خواستند و محتاج و بدحال گشتند و منزلت

وبلندی از دیگران طلب کردند و افتاده و پست شدند
پس بیدار گشت از غفلت و بینا گشت از جهالت بمشاهده
احوال ان جماعت شخص هشیار بیدار که توفیق او را
اعتبار او و براه صواب دلالت نمود اختیار او پس از
تو مسئلت میکنم ای مولای من نه دیگری و توی خداوند
حاجت من نه غیری ترا مخصوص میسازم بدعای خویش
و با تو شریک نمیگردانم کسی را در رجای خویش دیگری را
با تو نمیخوانم و کسی را با تو شریک نمیدانم تراست ای
اله من یگانگی و یکتائی و تراست پادشاهی و کمال و
قدرت و توانائی توی مقصود و معبود و بجول و
قوت تست هرچه هست و بود ترا رسد بزرگی و سر
بلندی و تراست عزت و ارجمندی و هر که جز تست
بیچاره و بی دست در زندگانی خویش و عاجز و مضطر است
در کار خویش مغلوب و مقهور است در همه احوال خویش
بر یکحال نماند و بر یک قرار نباشد پیوسته حالاتش متبدل
و صفاتش منقلب گردد و تو برتر از انی که اشباه و اضداد

ترا باشد و امثال و افراد بر تو روا باشد فسبحانک
لا اله الا انت و کان من دعائه اذا افتر علیه الرزق **چون**
بر آنحضرت روزی تنگ شدی و در معاش فرو شدی
این دعا خواندی خداوندا تو ما را ابتلا کردی در کار
روزی ببد گمانی و ضعف یقین و در زندگانی و مدت
حیات بطول امل و درازی امید تا انکه روزی تو از رو
زی خواران جستیم از بد گمانی و طمع در حیات معمران
بستیم از خام طمعی پس رحمت کن بر محمد و آل او و ببخش
ما را یقینی صادق که بان زحمت طلب و تشویش روزی
از ما برداری و الهام کن وثوقی خالص که بان ما را
از سختی و غم معیشت اندوزی برهانی و آن وعده که
در کلام مجید بان تصریح نموده و بر طبق آن قسم یاد
کرده باعث ان گردان که ما را از غم روزی باز
برد و از گفتار و مشغول بانچه عنایت ازلی ضامن
ان گشته است باز رهاند گفتی در کتاب عزیز و
قول تو حق است و از هر قول صادقتر است و قسم

یاد نمودی بران قول و قسم تو از هر قسمی براستی و وفا
نزدیکتر است فرمودی و فی السماء رزقکم و ما توعدون
پس فرمودی فورب السماء و الارض انه لحق مثل ما
انکم تنطقون بحق پروردگار آسمان و زمین که این
قول و وعده حق است چنانچه شما سخن میکنید و تکلم
میشوید و دران اشتباهی نیست و کان من دعائه فی
المعونة علی قضاء الدین **باین دعا یاری خواستی از**
خدای عز و جل برای اداء قرض خداوندا رحمت
کن بر محمد و آل او و مرا عافیت و خلاصی بخش از وام
که کهنه گردد بان آب روی من و حیران ماند دران
اندیشه من و پراکنده گردد برای ان فکر من و دراز گردد
در کوشش ان شغل من و پناه میبرم بتو ای رب من
از اندوه وام و فکران و از گرفتاری و بیداری وام
پس رحمت کن بر محمد و آل او و در پناه گیر مرا ازان
و زینهار میجویم ای رب من از خواری وام در حیات
و از وبال و عقوبت ان بعد از ممات پس رحمت کن

بر محمد و آل او و زینهار ده مرا از وام و دین مردمان
بروزی فراخ که فاضل آید یا قدری کفاف که برسد
خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او و مانع شو مرا از اسراف
و زیاده خرجی و راست دار مرا بالعطا و میانه روی و تعلیم
کن مرا اندازه نگاهداشتن و باز گیر مرا بلطف خود
از تلطف کردن و جاری گردان از اسباب حلال
ارزاق مرا و روی در ابواب خیر کن انفاق مرا و دور
کن از من آن مال که احداث تکبر و ترفع نماید بجور
و تعدی کشاند یا موجب طغیان و ناسپاسی گردد
خداوندا محبوب گردان نزد من صحبت و رفاقت
درویشان و مرا بر مصاحبت ایشان اعانت نما بصبر
نیکو می و یقین صحیح و از متاع این جهان فانی
آنچه از من دور نوردیده و مرا بخشیده آنرا ذخیره
گردان برای من در خزاین خود که باقیست و چیزی
آنجا کم شدنی نیست و آنچه مرا بخشیده عجالة در این
جهان آن را توشه راه من گردان بجناب خویش

و وسیله وصول بقرب و جنت خویش انک ذو الفضل
العظیم و انت الجواد الکریم و کان من دعائه فی ذکر
التوبة و طلبها این دعا در اعتذار و اعتراف و توبه
و انابت میفرموده اند خداوندا ای آنکه وصف
واصفان بکمال تو نرسد و ای آنکه امید امیدواران
از جناب تو درنگذرد و ای آنکه نزد نیکوکاران نزد
تو ضایع نماند و ای آنکه نهایت خوف عابدان و غایت
خشیت متقیان نرسد جز از سخط تو و اندیشه نکنند
مگر از غضب تو اینمقام که منم مقام کسی است که او را
گناهان دست بدست گردانیده است و عنان های
خطاها او را بهر طرف کشانیده است و شیطان بر
او تاخته است و او را مغلوب خود ساخته است در
اوامر تو تقصیر و تفریط کرده است و از روی غفلت
و جرءت بر مناهی که نداند قدرت و انتقام ترا
یا نشناسد فضل و احسان ترا تا چون چشم هدایت
گشوده گشت و زنگ ظلمت و ضلالت از آینه دل او

زدوده گشت در کار خود نظر کرد ستمها که بر نفس خود
کرده بود شماره نمود و مخالفتها که با خدای کرده بود
یاد آورد و دید گناه او بس خطر است و مخالفت او
بس جلیلست پس روی اعتذار و استغفار بجناب
تو آورد با کمال خجالت و شرمندگی از روی امید
واری برحمت تو و پوزش و عذرخواهی آغاز نمود
از روی اعتماد بر مرحمت تو و طمع در عفو تست از روی
یقین و وثوق و قصد درگاه تو کرد با ترس و بیم
هر چیز از دل بدر کرده بغیر تو پس برپا استاده پیش
تو تضرع کنان و چشم بر زمین دوخته همچو خاشعان
و سر بزیر افکنده پیش عزت تو همچو ذلیلان و فاش
کرده نزد تو اسرار بحق خود که تو داناتری بان
از روی خضوع و شمرده گناهان خود را که تو بهتر
میدانی از روی خضوع و استغاثه نموده بتو از واقعه
عظیم که او را رسیده و علم تو بان محیط گشته است
و حادثه قبیح که برا و گذشته و حکم تو او را رسوا
کرده است

کرده است از راه گناهان که لذات آن پشت داده و
رفته است و تبعات ان برجای مانده است و لازم
گشته منکر نمیشود خدایا اگر عدل ترا اگر عقوبت کنی
بزرگ نمیشمارد عفو ترا اگر رحمت کنی زیرا که تو پرور
دگار کریمی بزرگ ننماید پیش تو غفران گناه بزرگ
خداوندا اینک آمده ام بدر تو مرا فرمودی ترا بخوانم
و دعا کنم اجابت نمودم پس وفا کن تو نیز بر وعده
خویش که باجابت دعا نمودی الخ که در کلام مجید
فرمودی ادعونی استجب لکم خدایا رحمت کن بر محمد
و آل او و با من بمغفرت خویش ملاقات کن چنانچه
من با تو باقرار و اعتراف ملاقات کردم و بردار مرا از
مضارع گناهان چنانچه من خود را پیش تو افکندم
و بپوشان مرا پرده رحمت خود همچنانچه مدارا
نمودی در انتقام کشیدن از من خدایا و ثابت
دار نیت مرا و محکم گردان در عبادت خود بصیرت
مرا و توفیق ده مرا بعملها که بشوید از من الودگی خطاها

دبمیران بر ملت خود و بر ملت نبی خود محمد علیه السلام
چون بمیران مرا خدایا توبه میکنم بتو در این مقام که هستم
از گناهان بزرگ و خورد و پنهان و اشکار و
قدیم و جدید چنان توبه که دیگر حدیث معصیت
در ضمیرم نگذرد و اندیشه عود در خاطرم خطور نکند
و تو الها در کتاب محکم خود گفته که توبه از عباد قبول
میکنی و از سیئات عفو مینمایی و توبه کاران را دوست
میداری پس توبه من قبول چنانچه وعده کرده
و سیئات من عفو کن چنانچه ضامن گشته و محبت
خود برای من ثابت گردان چنانچه شرط کرده و من
هم ای رب من شرط میکنم که دیگر عود نکنم بکاری
که تو ناخوش شماری و ضامن میشوم که باز نگردم
بچیزی که تو مذموم دانی و عهد میکنم که از معاصی دور
شوم خدایا تو داناتری بانچه من کرده ام بیامرز
برای من انچه میدانی و باز گردان مرا بقدرت خود
بان طریق که دوست میداری خدایا بر من و بالها

وحقها هست

وحقها هست که یاد دارم وحقها هست که فراموش
کرده ام وانها همه پیش چشم تست که خواب نمیکند
و پیش علم تست که فراموش نمیکند پس عوض ده
ازان حقوق صاحبان را و بیفکن از من وبال انرا
و سبک گردان از من ان بار گران را و نگهدار مرا
دیگر باره از ارتکاب مانند آن را انگاه نمیتوانم داشت از
خطا مگر بقوت تو پس مرا قوت بخش چنان قوتی
که بس باشد و عصمت خود بر من گمار چنان عصمتی
که مانع شود خدایا هر بنده که توبه کرده است و در علم
غیبی تو رفته است که او ان توبه بشکند و بگناه
و خطا عود کند من پناه میبرم بتو از انکه همچو او باشم
و توبه خود بشکنم پس چنان کن که بعد از این
توبه محتاج بتوبه نگردم و چنان کن که این توبه
گناه گذشته را محو کند و در اینده سلامت و سالم
دارد و عاصم باشد خدایا من عذر میخواهم پیش تو
از جهل و سفاهت خود و سوال میکنم که ببخشی بدی که

کردم پس مرا بکنف رحمت خود ضم کن از روی احسان
و پرده عافیت بپوشان از روی فضل و امتنان
خدایا و من توبه میکنم از هر چه مخالف امر تو اراده
تو یا منافی محبت تو باشد از اندیشها که در دل در آید
و نظرهای ناصواب که چشم را افتد و سخنهاء نالایق
که بر زبان گذرد از تبعات چنان توبه که بسبب
ان سالم ماند هر عضو بر جای خود از تبعات و ایمن
ماند از انچه بیدادگران خالفند ازان از الیم سطوات
تو خدایا پس رحم کن تنهای مرا پیش دو دست
تو و طپش دل مرا از ترس تو و اضطراب اعضای مرا
از هیبت تو که این گناهان مرا وا داشته است در مقام
رسوائی و شرمساری بر درگاه تو اگر خاموش شوم
کسی نیست از جانب من سخن کند و اگر سفاعت درخواست
کنم اهل ان نیستم خدایا رحمت کن بر محمد و ال او و شفیع
گردان در خطاهای من کرم خود را و ببخش بعفو خود
گناهان مرا و بانچه شایسته انم از عقوبت جزا مده و فضل
خود

خود بر من مگستران و پرده رحمت خود بپوشان و با من
ان کن که خداوند عزیز کند با بنده ذلیل که تضرع پیش
آرد پس بر او ببخشاید یا توانگری کریم که بنده فقیر بر در
او آید پس او را از خاک ~~اهوا~~ فقر و مذلت بر دارد
خدایا کسی ندارم که مرا در پناه خود گیرد پس چشم
دارم که عزت تو مرا در پناه خود گیرد و شفیعی ندارم
که درخواست من نماید خواهم که هم فضل تو مرا شفاعت
نماید گناهان مرا ترسانیده است و در بیم و هراس
افکنده است باید عفو تو مرا ایمن گرداند و از خوف
بر ماند این سخنها نه آنست که از نادانی بزبان آورم
یا اعمال بد خود فراموش کردم مگر نمیدانم که چه بد کردم
بلکه برای ان میگویم تا بشنود آسمان تو و زمین تو و
انان که انجا مقام دارند که من از کرده خود پشیمانم
و بدستیاری توبه پناه بتو می آورم و بدرگاه تو میگریزم
شاید بعضی از اهل آسمان و زمین بر من برحمت
تو رحمت کند در حال من رقت کند پس مرا بدعائی

دریابد که مقبولتر از دعای من یا شفاعتی نماید ؛
قویتر از شفاعت من که بان نجات یابم از غضب
تو و فیروز گردم بخشنودی تو خدایا اگر پشیمانی توبه است
من پشیمانتر از هر پشیمانم و اگر ترک معصیت انابت
است من اول منیبانم و اگر استغفار سبب سقوط گناها
ست من تر از مستغفرانم خدایا همچنانچه امر کردی ؛
بتوبه و ضامن گشتی قبول آنرا و ترغیب کردی بر دعا
و وعده دادی اجابت را پس رحمت کن بر محمد و آل او
و قبول کن توبه مرا و باز مگردان مرا نومید از رحمت
خود که تو بخشاینده بر گناهکاران چون توبه نمایند
و رحمت کننده بر خطاکاران چون باز گردند و انابت
آورند خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او چنانچه هدایت
نمودی ما را باو و رحمت کن بر محمد و آل او و چنانچه
رهانیدی ما را از ضلالت باو و رحمت کن بر محمد و آل
او رحمتی که شفاعت کند برای ما روز قیامت و روز
سختی و حاجت بتو انک علی کل شیء قدیر و هو علیک

یس

یسیر و کان من دعائه بعد الفراغ من الصلوات اللیل
لنفسه فی الاعتراف بالذنب چون از نماز شب فارغ
شدی این دعا برای خود نمودی خدایا ای صاحب
پادشاهی ابدی جاودانی و سلطان قوی منیع بی لشکری
و سپاهی و صاحب دولت و عزت باقی بر مرور روزگاران
و رفتن سالها و گذشتن زمانها عزیز و غالبیت سلطان
تو چنان عزتی که او را اندازه نیست باولیت و منتهی
نیست باخریت و عالیت پادشاهی تو چنان علوی
که بیفتادند بر خاک عجز همه اشیا از رسیده بنهایت مزید
بکمتر آنچه برای خود اختیار کردی از بزرگی و شان نهایت
وصف واصفان گم شده است در تو صفتها و از بیم
پاشیده است رسیده بتو نعمتها و حیران گشته است
در بزرگواری تو اندیشها تو ای معبود اول اشیا در قدم
ذات و توی دایم لم یزل و لایزال و من بنده توام در
عمل ضعیف و در امید و امل قوی بیرون رفته است از
دست من اسباب و وسایل مگر رحمت تو و گسسته است

از من امیدها مگر امید بعفو و رحمت تو کم است هر الطافی
که توانم شمردن و بسیارست معاصی که بان مقرم و هرگز
تنگ نیاید بر تو عفو از بندگان هر چند بد کنند پس
عفو کن از من خداوندا مطلع است بر هر پنهان علم
تو و آشکارست هر پوشیده نزد اطلاع تو منطوی
نیست از علم تو کارهای دقیق و غایب نیست ضمیرهای
خفی تاخت بر سر من و غلبه کرد بر من دشمن تو شیطان
که فرصت خواست از تو برای گمراه کردن من و فرصت
دادی او را و مهلت خواست تا روز جزا گفت
رب فانظرنی الی یوم یبعثون پس مهلت دادی
او را چنانچه فرمودی فانک من المنظرین الی یوم
الوقت المعلوم پس انداخت مرا بفریب و اغوا در
معاصی و من گریزان بودم بسوی تو از گناهان خرد
و بزرگ که موجب هلاک و جوارست تا آنکه چون
معصیت اندوختم و ببدکاری خویش مستوجب عقوبت
و سخط تو گشتم بپیچید از من گوشه عذر خود و پیش آورد
کلمه

کلمه انکار و کفر خود و از من بیزاری جست ~~مستوجب~~
و پشت بر من کرد و برفت و بگذاشت مرا در صحرای غضب
تو تنها و بیچاره و بیرون کرد مرا پیش سرای خشم تو را
نده و آواره نه شفیعی دارم که شفاعت من کند نزد تو
و نه پناه دهنده که مرا ایمن گرداند از تو و نه حصنی که مرا
باز دارد از تو و نه پناهی که ملتجی شوم بان از تو پس
اینمقام که منم مقام کسی است که پناه بتو آورده است
و محل کسی است که بتقصیر خود اعتراف کننده است پس
باید جامه فضل تو بر قامت گناه من تنگ نیاید و لباس
عفو تو بر قد معذرت من کوتاه نگردد و من از سا
یر بندگان تو بکار تهی دست تر و بی بهره تر نباشم
و از سایر امیدواران که بدرگاه تو آمده اند نومیدتر
و دلشکسته تر نباشم و بیامرز مرا یا ارحم الراحمین و یا خیر
الغافرین خداوندا امر کردی و بجا نیاوردم و نهی
کردی و مرتکب شدم در چشم من آراست بداندیشها
و بدگمانیها را خطا و باطل پس تقصیر نمودم در کار خود

ضایع کردم ام و از فرمان تو درگذشتم و نزوزی روزه نداشتم
تا از او شهادت طلبم و شبی بیدار نداشتم بعبادت تو
تا در پناه او گریزم مگر فرایض که واجب است بر بندگان
هر که ضایع گذارد انرا مالک میگردد و قیام ننمودم
بمستحبات و نوافل فاضل از فرایض تا بان متوصل کردم
بتو یا انکه از بسیاری وظایف فرایض نیز غافل گشته
ام و از مقامات حدود تو درگذشتم بجرا بهاکه پرده
حرمت ان دریدم و گناهان بزرگی اندوختم و تو مرا
از رسوایها و آن در پناه عافیت خویش جا دادی
و پرده پوشی کردی اگر میخواستی مبتلا میکردی برسوای
و عقوبت و خواری و اینمقام کسیت که شرمنده است
از جانب خود از تو و خشمگین است بر خود و راضی است
از تو پس روی بتو آورده است بنفس خاشع و افتاده
و گردنی خاضع و فرو نهاده و پشتی گران گشته از خطا
ما ایستاده حیران و متردد میان امید و بیم و رغبت
و رهبت و تو اولیتری بامید و رغبت او سزاوارتری

به بیم

به بیم و خشیت و اگر امید بتو ندارد پس بکه و اگر از تو ترسید
پس ببخش مرا ای رب من انچه امیدارم و ایمن گردان
از انچه میترسم و لطف کن بعطا و رحمت خود که از تو
کریمتر و رحیمتر نمی یابم که از او حاجت خود بخواهم خداوندا
چون پوشیدی عیب مرا بپرده عفو و فضل خود در
اینجهان از نظر امثال و اقران پس در پناه گیر مرا هم
از رسوایها آنجهان و بپوشان در محضر بزرگان و
موقف گناهان از فرشتگان مقرب و رسولان
مکرم و شهیدان و صالحان از چشم همسایگان که از
ایشان پیوسته پنهان میداشتم گناهان خود و خویشان
که از ایشان شرم میداشتم در احوال پنهان خود و ا
عتماد نداشتم بایشان رب من در پرده پوشی من
و بتو اعتماد داشتم رب من در مغفرت و آمرزیدن
من و تو اولیتر انانی که اعتماد راشانید و بخشنده ترین
آنانی که از ایشان چیزی بخواهند و مهربانترین آنان
که چشم رحمت از ایشان دارند پس رحمت بر دال او

خداوندا تو مرا آفریدی از آبی خوار و نطفه بمقدار
که فرود آوردی از صلبی که استخوانها و مهرهای او بهم
تنگ در نشسته و از راههای تنگ و باریک برحمی
تنگ و تاریک که از او پوشیده بپردها و حجابها از پرده
شکم و مشیمه در رحم میگردانیدی مرا حال بحال تا رسیده
ی بصورتی تمام و اثبات کردی در من اعضا و اند
ام چنانچه عفو خود وصف کرده و گفته نطفه بود پس
علقه گشت یعنی خونی بسته پس مضغه گشت یعنی
همچو پاره گوشتی خائیده پس استخوان درآمد پس
استخوان را گوشت بپوشید پس از آن مرا خلقی دیگر
آفریدی چنانچه خواستی و وقتی که روح در من دمیدی
تا وقتی که محتاج شدم بروزی تو بی نیاز نبودم
از داد رسی فضل تو گردانیدی برای من قوتی و
خورشی از افزونی طعام و شرابی که جاری گردانیدی
برای پرستاره خود که مرا در شکم او ساکن کرده بودی
و در قرار رحم او ودیعت نهاده بودی و اگر رها

میکردی

میکردی مرا ای پروردگار من در بعضی از این
احوال بحول و اختیار خودم و مضطر میگردانیدی بقوت
و اقتدار خودم هر آیینه اختیار از من برکنار بود
و قوت و اقتدار از من دور از کار بود پس قضا
دادی و پروردی مرا بفضل خود چنان قضا دادنی
و پروردنی که نیکوکار مهربان لطیف کند میکردی این
کار بمن از روی فضل و کرم تا امروز هیچ وقت نبود
که نیکی تو بمن نرسد یا حسن صنع تو بمن دیر رسد و با
اینحال اعتماد من بر فضل استوار نمیگردد و خاطرم
از امر روزی جمع نمیشود تا فارغ سازم خود را از کار
دنیا و معیشت برای کار آخرت و بکر طاعت که مرا
تو با نصیب تر و بهره مندتر و عزیزتر میگرداند شیطان
سخت گرفته است عنان مرا در بدگمانی و سست
اعتقادی پس بر تو شکایت میکنم از این همسایه
بدکیش و همنشین بداندیش و از فرمان بردن نفس
من او را و ملتجی میشوم بتو از تسلط یافتن و مالک شدن

اومرا و تفرع میکنم بتو که آسان سازی راه من بسوی
تو روزی پس ترا حمد بر نعمتهای بزرگ که مرا دی
ابتداء بی سبقت خدمتی از من والهام کردی مرا
شکر بر احسان وانعام که کردی با من پس رحمت
کن بر محمد وال او وآسان گردان راه روزی بر من
وقانع گردان مرا بانچه تقدیر کردی برای من وراضی
گردان بان حصه که تعیین نمودی روز قسمت ازلی
درباره و خواهم که چنان کنی که انچه از تن من وعمر
من رود در راه طاعت تو باشد نه در غم روزی
وفکر معیشت که تو بهترین روزی دهندگانی بار
بار خدایا پناه میبرم بتو از آتشی که بان تغلیظ کردی
بر عاصیان وتهدید کردی بر بیرون شده کان
از طریق رضا و فرمان تو واز ناری که نور او ظلمت
است واسان او پس باالم است ودور او نزدیک
واز آتشی که بعضی ان بعض را میخورد وبر یکدیگر
صولت وحمله میبرد واز آتشی که استخوانهارا خاک
میکرداند

میکرداند واهل خود را از حمیم وآب گرم جحیم می اشامند
واز آتشی که رها وابقا نمیکند بر کسی که ازاو مهربانی وغمخوا
ری چشم دارد ونتواند تخفیف دادن عذاب از ان
که پیش او خشوع وخضوع نمایند وگردن بفرمان او در
نهند میرساند بساکنان خود گرمتر وسختتر انچه نزد اوست
از نکال درد ووبال سخت وهولناک وپناه میبرم بتو
از عقاب دوزخ که باز کرده اند دهنها وحیات ان
که بر هم میسایند دندانها واز شراب دوزخ که پاره پاره
میکند رودها واحشا وساکنانرا وبر میکند از جا دلها
شان واشامندکانرا واز تو هدایت وتوفیق میجویم
بکاری که از دوزخ دور سازد وباز پس کند خداوندا
رحمت کن بر محمد وآل او ودر زینهار ده مرا از آتش
دوزخ بفضل ورحمت خود وبگذر از خطاهای من
بحسن اقالت خویش وفرو مگذار مرا ای یار ومددکار
ای بهترین زینهار دهندکان بتحقیق که تو نگاه میدا
ری از مکروه وسختی ومی بخشی راحت وخوشی و

ومیکنی انچه میخواهی و بر همه چیز توانا و قادری خداوندا
رحمت کن بر محمد وآل او و هرگاه یاد نیکوکاران نمایند
ورحمت کن بر محمد وآل او چند انکه شب و روز متعاقب
یکدیگر درآیند و در نور و ظلمت و کوتاهی و درازی
مختلف باشند رحمتی که مدد او بریده نگردد و عدد او
شمرده نگردد رحمتی که پر کند هوا را و پر کند ارض سما
را رحمت کند خدای بر او چند انکه خشنود گردد و رحمت
کند بر او و بر آل او و بعد از انکه خشنود گردد رحمتی
که او را کناه و نهایت نباشد یا ارحم الراحمین وکان
من دعائه والاستخاره دعای استخاره یعنی در
کاری چون متردد بودی باین دعا از خدای تعالی
مسئلت نمودی تا انچه خیر است دران کار روزی
کند و عزیمت ان در دل اندازد خداوندا خیر میجویم
از تو درین کار بعلم تو پس رحمت کن بر محمد وال او و
حکم کن برای ما بانچه خیر در انست والهام کن ما را
شناخت اختیار درین کار و بگردان این حالت

را

را وسیله ان که بهر چه قضا دران رفته باشد راضی شویم
و هر چه حکم کرده باشی تسلیم کنیم پس دور دار شک
و ارتیاب از ما و نصرت کن بیقین انان که مخلصند
ترا و مدار ما را بر عجز معرفت از انچه اختیار تست پس
قدر انچه تقدیر کرده نشناسیم و از انچه رضای تست کاره
باشیم و میل کنیم بانحالت که دورتر باشد از حسن عاقبت
و نزدیکتر باشد بضد عافیت و دوست گردان نزد ما
انچه کارهیم آنرا از قضای تو و اسان گردان انچه د
شوار میشمریم از حکم تو والهام کن اطاعت انچه تو
تعجیل نموده و نه تعجیل انچه تو تاخیر فرموده و کاره
نباشیم انچه را تو دوست داشته و اختیار نکنیم انچه تو
کاره داشته و ختم کن برای ما بحالتی که عاقبت آن
پسندیده ترست و بازگشت او نیکوتر زیرا که تو
میبخشی حالت نیکو را و عطا میکنی عطیت بزرگ را و میکنی
انچه میخواهی و بر همه چیز توانای وکان من دعائه علیه
السلام اذا ابتلی اورای مبتلی چون مبتلا شدی یا دیدی

شخصی مبتلا گشته بگناهی در رسوایی این دعا خواندے

خدایا ترا حمد بر اینکه پوشیدی عیوب ما را بعد از دا
نستن و عافیت بخشیدی بعد از آزمودن با همه بند
کان تو عیبها اندوخته ایم و تو مشهور نگردانیدی و قبا
حتها ارتکاب نموده ایم و تو رسوا نساختی و پرده بر
عیبهای خود پوشیده ایم و تو بان راه ننمودی چه
بسیار گناهان که منع کردی و ما اتیان نمودیم و چه بسیار
فرمان که باز داشتی بران و ما تجاوز نمودیم چه بدیها
که اکتساب کردیم و چه خطاها که ارتکاب نمودیم تو مطلع
بودی بران نه دیگر ناظران و تو قادر بودی بر افشای
ان برتر از همه تا دران عافیت تو حجابی شد برای
ما پیش دیدها شان و سدی شد پیش گوشها شان پس
چنان کن که انچه پوشیدی از عیب و عار ما و پنهان
داشتی از پنهان کار ما پند دهد ما را از خوی و خطا
کاری و بد فعالی زجر کند و موجب سعی ما گردد در توبه
که ان عیبها و خطاها محو کند و طریقی ستوده که آن خللها

تدارک

تدارک نماید و وقت این کار نزدیک کن و ما را از
کار خویش غافل مکن که ما بتو راغبیم و از گناهان تائبیم
و رحمت کن بر مختار بندگان و برگزیده تر خلق جهان
محمد و عترت اطهار او که برگزیده و پاکانند و گردان
ما را شنوندگان فرمان و مطیعان ایشان چنانچه
فرموده بان وکان من دعائه بالرضاء اذا نظر الی
اصحاب الدنیا **چون نظر در اصحاب نعمت و مال نمودے**
در مقام رضا بداده خدای تعالی این دعا فرمودے
حمد خدای را خشنودم بانچه قضا کرده است درباره ما
از فقر غنا گواهی میدهم که خدای عز و جل معیشت میان
بندگان بعدالت قسمت کرده و با همه طریق فضل
و احسان گرفته خدایا رحمت کن بر محمد و آل او و مرا در
فتنه میفکن بانچه توانگران را داده و ایشان را در فتنه
در فتنه میفکن بانچه مرا نداده تا بر خلق تو حسد برم
و بحکم تو راضی نگردم و ناسپاسی و حق ناسپاسی
کنم خدایا رحمت کن بر محمد و آل او و خوشش کن بقضای

خود جان مرا وکشاده گردان بمواقع خود سینه مرا اعتماد
واستوار اعتقاد بخش تا اقرار کنم باینکه قضاء تو بخیر بخیر
وصلاح جاری نگردد وچنان کن که شکر ترا بر انچه مرا بخشیدی
بیشتر کنم از انچه بخشیدی ونگاه دار مرا از اینکه گمان
بتوانگران فضل وشرف زیراکه شریف آنست که
طاعت تو اورا شریف گردانیده است وعزیز آنست
که عبادت تو اورا عزیز کرده است پس رحمت کن
بر محمد وآل او ومارا متمتع گردان بتوانگری که هرگز
آخر نگردد وقوت بخش بقوتی که تا چیز نگردد وبرده
مارا در پادشاهی ابدی تا بچریم دولت نامتناهی
زیراکه تو یکتا ویگانه ومقصود هر موجودی واز تو
کسی نزاد وتو از کسی نزاد ونیست ترا مثلی وهمتائی

وکان من دعائه اذا نظر الی السحاب والبرق وسمع
صوت الرعد چون نظر در ابر وبرق نمودی
واواز رعد شنودی این دعا فرمودی خدایا این
دو علامت است از علامات خداوندی تو دو
مدد

مددکارند از مددکاران غیبی تو می شتابند در طاعت
تو ومی آورند رحمتی متضمن نفع عباد یا غضبی
مستلزم ضرر بلاد پس مباران بر ما بسبب اینها
باران عناد مپوشان مارا باینها لباس بلا خداوندا
رحمت کن بر محمد وآل او وبفرست با نفع این ابر
وبرکت اورا وبگردان از ما رنج ومضرت اورا وبرسان
بما از رهگذر او آفتی وخللی ومفرست بر معیشتهای
ما آسیبی وضرری خداوندا اگر این ابر را برای غضب
برانگیخته واز روی خشم فرستاده ما زینهار میجوییم
از غضب تو وزاری میکنیم پیش تو در سوال عفو
ورحمت تو پس میل ده این غضب را ابد بار مشرکان
وبگردان آسیای خشم خود را بر ملحدان خداوندا
ببر قحط وتنگی از بلاد ما بباران وبیرون کن غصه
وغم از سینهای ما بروزی فراوان ومشغول مگردان
مارا از خود بغیر ومبر از همه خلایق ماده بر و خیر
که توانگر آنست که تو توانگر گردانی وسالم ورستگار

انکس است که تو نگاهداری و نیست کسی را جز تو
قدرت بر دفع بلا و سختی و نیست کسی را بمد کسی
از سطوت تو طاقت امتناع و سرکشی حکم میکنی
بانچه میخواهی و قضا میکنی بهر چه اراده میکنی پس ترا
حمد بر اینکه نگاهداشتی ما را از بلاد ترا شکر بر انچه دا
دی ما را از نعماء حمدی که همه حامدان را از پی خود
گذارد حمدی که زمین و آسمانرا پر گرداند بدرستی که
تو منت نهنده بنعمتهای جسیم و بخشنده نعمتهای عظیم
قبول کننده اندک حمد را شکر کننده اندک حمد را شکر
کننده اندک شکر را نیکوکار و خطابخشی نیست خدای
جز تو و نیست ترا شریکی و به تست بازگشت هرکه آ
فریدی وکان من دعائه اذا اعترف بالتقصیر
عن تادیه الشکر در مقام اعتراف بتقصیر خویش
از شکر یاری و عدم قدرت بر سپاس گذاری
فرمودی خداوندا هیچکس در شکر تو بجدی نرسید
مگر حاصل شد نزد او نعمتی که مستدعی شکر دیگر گردید

بهیچ

بهیچ قدری از طاعت تو نرسید هر چند بتمام جهد کوشید
مگر مقصر ماند در پایه اهلیت و استحقاق تو نرسید شاکرترین
بندگان از شکر تو عاجزند و عابدترین ایشان از طاعت
تو قاصرند پس هیچکس به بسیاری طاعت مستحق آمرزش
تو علی الوجوب نگردد و مستوجب رضا و خوشنودی علی
القطع نشود هر کرا بیامرزی از لطف و احسان تست
و از هر که خوشنود شوی از راه فضل و امتنان تست عوض
می بخشی و شکر میگذاری اندک عمل را که در شکر نعماء تو
گذارند و ثواب میدهی بر اندک طاعت که در راه رضای
تو ارند تا انکه مگر ان شکر و طاعت که از ایشان صادر
میگردد ثواب عظیم بران می بخشی امریست در حیطه
قدرت و اختیار ایشان میتوانند از ان امتناع نمودن
بمشیت خویش نه مشیت تو طریق خلاف ان پیمودن
پس از ان جهت مکافاة ایشان لازم دانسته یا مگر الات
و اسباب ان کار بدست ایشانست نه بدست تو پس
از ان سبب مزد ایشان تمام رسانیده بلکه تو ام ایشانرا

مالکت بودی پیش از انکه عبادت ترا مالک کردند و ثواب
عمل مهیا نمودی پیش از انکه در طاعت تو روان شدند
ازان روی که سنت تو افضال عادت تو احسان و طریقت
تو عفو و صفح است پس همه خلق تو معترف شد که ظلم
نکردی انرا که عقوبت کردی و کواهند که تفضل نمودی
هر کرا عافیت و نجات بخشیدی و همه اقرار دارند
بتقصیر از انچه تو مستوجب انی پس اکر نه شیطان فریب
میداد مردمانرا از راه طاعت تو هیچ عاصی ترا ب
معصیت نمیکرد و اکر نه او باطل را در صورت حق بر مردم
ظاهر میکرد خداوندا چه روشنست کرم تو در معامله
مطیعان و عاصیان اما مطیع او را مزد و ثواب می
بخشی بر کاری که تو برای ان متولی ان کشته اما
عاصی او را مهلت می بخشی و وقت میکشانی و میتوانی
زود بکیری و بی مهلت عقوبت کنی هر یک را عطا
کردی الخیر واجب نبود و تفضل نمودی با انچه
عمل او بان تمام بود و اکر مطیع را اجر امیدادی یا را عملی
که تو

که تو برای او متولی کشته نزدیک بود که هیچ ثواب از تو
در نیابد و نعمت تو از او زایل کردد اما بکرم خویش
او را اجر اداده با جزاء عمل پنج روزه فانی بنعیم مخلد
باقی و بجای مدت اندک این جهان مدت دراز
بی پایان و بعد ازان از او تقاص ننمودی و عوض
انچه از رزق تو خورده است و بقوت ان طاعت اورده است
نخواستی و مناقشه در الات و اسبابی که بی
دستیاری ان طاعت صورت نه بندد ننمودی و اکر
چنین میکردی هر رنج که در طاعت تو کشیده بود
همه هبا میکشت و هر سعی که کرده بود پر ون میرفت
بازاء خورترین نعمتها و او در دست تو میماند در کرو
باقی نعمتها پس کی مستحق چیزی از ثواب میشد
نه کجا اینحال مطیع و طریق عابدان بود اما عاصی
که امر تو ترک داد و در نهی تو افتاد با او لطف
کردی که زود بی انتظار عقوبت نکردی تا شاید
بحال طاعت باز آید و توبه و انابت بشفاعت ارد

واو بتحقیق در اول معصیت که قصد ان کرد شایسته گشت
که او را عقوبت کنی بهر عقوبت که برای همه خلق
مهیا نمودی پس این همه تاخیر عذاب و امهال
و انتظار در اجرای سطوات عقاب از فضل تست
بر او که حق خود رها کردی و بکمتر از واجب راضی
گشتی پس ای معبود من از تو کریمتر کیست و از عاصی
که بر تو جرات کرد شقی تر کیست نه هیچکس نیست پاکتری
ازان که ترا بغیر احسان وصف کنند و کریمتری ازان
که از عدل تو ترسند هیچ اندیشه ان نیست که بر عاصی جز
جور کنی یا از ثواب مطیع غافل گردی پس رحمت کن
بر محمد و ال او و ببخش مرا بانچه توفیق طاعت یابم
ای خداوند رحیم انک منان کریم و کان من دعائه
علیه السلام فی الاعتذار من تبعات العباد این دعا
در مقام اعتذار از حقوق الناس میفرموده است
خدایا عذر میخواهم بتو از مظلومی که در حضور من از
او ظلم رفته باشد و من او را نصرت نکرده باشم یا کسی

احسانی با من کرده باشد و شکران نگذارده باشم یا بدی
کاری از من معذرت خواسته باشد و عذر او نپذیرفته
باشم یا محتاجی از من سوال کرده باشد و او را بر خود
اختیار نکرده باشم یا مؤمنی را بر من حقی باشد و از او
تمام نرسانیده باشم یا عیب مؤمنی بر من ظاهر
شده باشد و نپوشیده باشم یا گناهی مرا پیش آمده
باشد و از او دور نگشته باشم معذرت میخواهم بتو
خدای من از اینها و امثال اینها معذرتی مقرون
بندامت و خجالت که پند دهد و زاجر باشد از ار
تکاب مانند اینها پس رحمت کن بر محمد و آل او و بگر
دان ندامت مرا بر این خطاها که از من گذشته است
و عزیمت مرا بر ترک انچه پیش آید بعد از این از بدیها
توبه مقبول که موجب رضا و محبت تو باشد مرا
یا محب التوابین و کان من دعائه علیه السلام فی طلب
العفو والرحمة باین دعا از حق تعالی عفو و رحمت
طلب می نمود خدایا رحمت کن بر محمد و ال او و بشکن

خواهش مرا از هر حرامی و دور کن حرص مرا از هر عصیانی
و مانع مر شو مرا از آزار هر مؤمنی و مسلمانی خدایا هر
بنده که درباره من حرامی ارتکاب نموده است و مظلمه
من برده است یا زنده است و مظلمه من نزد مانده است
او را بیامرز و بگذر از آن بد که کرده است و از او عفو
کن آن حق که از من برده است و او را بران بد واقف
مساز و پرده از روی جرم او بر مدار و بگردان این
حق که من بخشیدم و این صدقه دهندگان و بالا
ترین عطایای قرب جویندگان و عوض ده
مرا ازین عفو که کردم ازیشان عفو خود را
و ازین دعا و مسئلت که نمودم درباره ایشان
رحمت خود را تا فایز گردیم ما و ایشان بفضل تو
و نجات یابیم همه بعفو تو خدایا و هر بنده از بندگان
که او را آزردگی باشد یا از جانب من باو آزاری برمن
رسیده باشد یا از من و بسبب من براو ظلمی رفته
باشد پس حق او برده باشد پس رحمت کن بر محمد

وال او

وآل او و راضی گردان او را از من بعطاء خود و حق
او تمام ادا کن از نوال خود پس نگاه دار مارا از باز
خواست آن و خلاص کن از آنچه حکم کند عدالت
تو بآن از مکافات و انتقام زیرا که قوت من پای
نمیدارد پیش عقوبت تو و طاقت من نمیتواند
ایستاد پیش سخط تو اگر مکافات و انتقام کنی مرا
بحق و عدل تو و تفضل نکنی برحمت خود هلاک
میگردانی خدایا از تو میخواهم ببخشی مرا آنچه کم نکند
ترا بخشیدن آن و از من برداری آنچه گرانی نکند
بر تو برداشتن آن میخواهم که مرا بمن بخشی و مرا
برای آن نیافریدی که بمن ضرری از خود برانی
یا نفعی سوی خود بکشانی بلکه مرا برای آن آفریدی
تا قدرت خود بر خلق من اثبات نمایی و از [illegible]
آن دلیل و حجت سازی و میخواهم که برداری از پشت
من این گناهان که گرانبار کرده است مرا و استعانت
میجویم بتو بر حمل این بار گران که شکسته است پشت

مرا پس رحمت کن بر محمد وال او و مرا ایمن بخش بر ظلمی
که بر خود کرده ام در رحمت خود را بکار تا این بار گران
از من بردارد هر رحمت تو چه بسیار بدکارانرا در یافته
است و عفو تو چه بسیار ظالمانرا شامل گشته است
پس رحمت کن بر محمد وال او و مرا قدوه قومی گردان
که بعفو خود از خاک هلاکشان برداشته و بتوفیق
خود از ورطهاء گناهکاران رهانیده عفو تو ایشانرا
رها کرده است از اسیری سخط تو و از فضل تو آزاد
نموده است از بند عدالت تو آنها اگر این کار کنی
با کسی میکنی که منکر نیست انکه مستحق عقوبت است
و بری نمیکرداند نفس خود را از انکه مستوجب سخطست
با کسی میکنی که خوفش از تو بیش از طمع اوست و نومید
یش از نجات سخت تر از امید اوست نه انکه نومید
باشد بحقیقت یا طمع کند در ثواب از غرور بطاعت
بلکه ازان روی که حسنات او کمست میان سیات
و حجتهاء او ضعیف در ارتکاب تبعات ای معبود من

اهل آنی که صدیقان و مخلصان بتو مغرور نگردند
و ایمن نباشند و دلیری ننمایند و گناهکاران از رحمت
تو نومید نگردند و گناه خود در جنب رحمت تو بزرگ
نشمارند زیرا که پروردگار بزرگوار فضل خود از کسی
باز نمیدارد و حق خود از کسی ار تمام نمیخواهی یاد
تو برتر است از هرچه یاد کنند و نامهای تو منزه است
از هرچه بستش نمایند و نعمت تو منتشر است در همه
مخلوقات ترا حمد بر این نعمتها ای پروردگار عالمیان
و کان من دعائه علیه السلام اذا نعی الیه میت او ذکر
الموت هرگاه خبر مرگ کسی بانحضرت دادندی
یا بتقریبی یاد موت کردی این دعا خواندی
خدایا رحمت کن بر محمد و آل او و ما را از جنگ طول امل
برهان و بصدق عمل درازی امل از ما کوتاه گردان
تا این امید حیات بساعت دیگر یا روزی دیگر نداشته
باشیم و نه بنفس دیگر بعد از این نفس و قدمی دیگر بعد ا
ز این قدم و سالم دار از غرور امل و ایمن ساز از شرور

امل و حرکت را نصب العین ما گردان تا از او غافل
نشویم و پیوسته در یاد او باشیم نه روزی یاد کنیم و روزی
نکنیم پس کار او ناساخته باشیم و ما را آن اعمال صالح
بخش که در آمدن بجناب تو تعجیل کنیم و بر زود در
رسیدن بدرگاه تو حریص باشیم تا حرکت را موانس
خود شماریم و با او الفت نمائیم و بورود او شاد گردیم
و بلقاء او مشتاق باشیم همچو خویشان و دوستان
خود شماریم که پیوسته قرب ایشان میجوییم و دو ملتشان
آرزو میکنیم و چون موت بر ما وارد گردانی و او
را نزد ما منزل دهی نیکبخت و سعید گردان ما را
بدین او و انس ده ما را بآمدن او و بد روز مکن
ما را بضیافت او و رسوا مکن بزیارت او و بگردان
موت را دری از درهای مغفرت و کلیدی
از کلیدهای رحمت تو بمیران ما را بر حالتی که هدایت
یافتگان باشیم نه گردن کشان توبه کنندگان
نه عاصیان و نه اصرار کنندگان ای ضامن جزای نیکو

کاران

کاران و باصلاح آورنده عمل تباه کاران و کان من
دعائه علیه السلام فی الطلب الستر والوقایة این دعا
حاجتها خواستی از انجمله اینکه عیوب و گناهان فاش
نگرداند در آخرت و دنیا و رسوا نسازد یا رب رحمت
کن بر محمد و آل او و بگستران برای من فرش کرامت
خود و وارد گردان با آبشخور رحمت خود و فرود آ
ور در میان جنت خود و مرا بداغ منع نشان مکن
و نشانه نومیدی و حرمان مکن و با من تقاص
مکن و عذرم بپذیر و بر جرمم سخت مگیر و پنهان
من ظاهر مکن و ستر من باز مکن و عملم بمیزان
عدل و انصاف منج و پیش نظرهای بزرگان جرم من
آشکارا مکن پنهان دار از دیدها آنچه فاش شدن آن
بر من عار است و در نورد از ایشان آنچه ظهور آن
مرا نزد تو موجب عیب و شنار است شریف کن پایه
مرا آنچه شنودی تو و کامل گردان کرامت مرا بآمرزش
تو و منتظم گردان مرا در جمله اصحاب یمین و متوجه گردان

درراه اتان که ایمنند از خوف و بیم و داخل کن در فوج
رستکاران و معمور کن بمن بمجلسهای صالحان امین
ای پروردکار عالمیان وکان من دعائه علیه السلام
عند ختمة القرآن دروقت ختم قران و باخر رسیدن
تلاوت ان میخوانده اند یارب تو مرا یاری دادی
بر ختم کتاب خویش که فرستادی آنرا تا نور وضیا باشد
بهر عالمیان و شاهد باشد بر هر کتاب که فرستادی
قبل ازان و فرد فی دادی بر هر سخن که کفتی پیش
ازان و جدا کردی بان فرقان میان حلال و حرام
و ظاهر کردانیدی بان قران شرایع احکام و تفصیل
دادی بان کتاب قواعد دین برای بندکان و فرستا
دی وحی آن بر نبی خود و کردانیدی اورا نوری
که بمتابعت او از تاریکیهاء ضلالت و جهالت راه
یابند و شفا بخشد ان دلها را که بروجه تصدیق
کوش فهم سوی او اندازند و ترازوی عدل باشد
که زبانش از حق میل نکند و نوری از هدایت که بر
هانش

برهانش از کواهان پوشیده نکردد و نشانه برای نجات
که هرکه روی باو کند کمراه نشود و هرکه چنک در حلقه
فتراک او زند دست هلاکت باو نرسد یارب چون
مارا نصرت بخشیدی بر تلاوت ان و روان کردانیدی
زبانهاء خشک مارا بحسن عبارت ان پس بکردان
مارا از انان که رعایت میکنند حق قرآنرا چنانچه باید
و اطاعت میکنند ترا باعتقاد صحیح و تسلیم میکنند انچه
محکم هست از آیات و امحنت در ادراک و در بیان
اقرار و تصدیق و میکرسند بر ند و انچه متشابهست و مبین
نیست مرادا اعتماد میکنند برانچه مبین در مفسر متشابهست
از بینات یارب فرستادی قرآنرا بر نبی خود و
مجمل و اورا الهام نمودی دانش آن مکمل و مفصل
و بمیراث دادی مارا علم ان باتفسیر و بیان و فضل
دادی مارا بر آنان که جاهلند بعلم قران و قوت
دادی مارا بر حمل ان تا رفعت دهی بر آنان که ندا
رند طاعت حمل ان بار خدایا همچنانچه دلهای مارا

حامل قرآن گردانیدی و شرف و فضل ان برحمت
خود مارا شناسانیدی پس رحمت کن بر محمد که خطیب
قرآن و ال او که خازنان علم قرآنند و بگردان مارا
از آنان که اعتراف دارند باینکه قرآن از جانب
تو نازل گشته است و به نبی خود وحی آمده است
تا عارض نگردد مارا در تصدیق ان شکی نخلد در خاطر
از طریق حق او میل و جوری خدایا رحمت کن بر محمد
وال او و بگردان مارا از آنان که چنگ در حبل المتین
او زنند و از متشابهات بحصار محکم او پناه برند
و در سایه بال سعادت او ساکن گردند و بروشنائی
صباح هدایت او مهتدی شوند و بنور رخشان
سپیده دم او اقتدا کنند و بچراغ او چراغ دل
روشن کنند و ره حق و هدی از غیر او بجویند خدایا
و همچنانکه بقران گردی محمد را نشان بیابان
حیرت تا راه نماید کم شده کانرا بجناب تو و روشن
گردانیدی باو راهها و جادها سوی طاعت و رضای

تو پس رحمت کن بر محمد و آل او و بگردان قرآنرا برای
ما وسیله وصول باشرف منازل کرامت و بلوغ باعلی
علی درجات سعادت و نردبانی که بالا شویم در
او بمحل امن و سلامت و سببی که نجات یابیم باو در
عرصه قیامت و دست آویزی که فرود آئیم بان بر
نعیم سرای اقامت و منازل جنت خدایا رحمت
کن بر محمد وال او و فرود آور بقران از دوش ما
گناهان گران او ببخش شمایل نیکوکاران و بگردان
بر دوران آنان که قیام بتلاوت قران نمودند در
ساعات شب و اطراف روز تا پاک گردانی مارا
از هر چرکت و الودگی بطهور او و ببری مارا از پی اثار
انان که روشنی جسته اند بنور او و غافل نگشته اند
بهوسهای دنیا و امیدهای بی بقا از عمل بفرموده او
خدایا رحمت کن بر محمد وال او و چنان کن قران مارا
در ظلمت شبها مونس باشد و از فساد شیطان و وسا
وس او پاسبانی نماید و مدهای مارا از حرکت بسوی

معصیت نگهدار دو زبانهای ما را از خوض و باطل
بی افتی کنک ساز دو اعضای ما را از اکتساب گناهان
مانع گردد و عبرت نامهای جهان که غفلت از نظر
ما در نور دیده است پیش چشم ما بگشاید تا برسانی
بدلهای ما بمدد طاعت و تقوی فهم عجایب قران
و زواجر امثال ان که کوهها با انکه گران با همه صلابت
و توان از برداشتن ان عاجز دنا توانند خداوندا
رحمت کن بر محمد و آل او و ظاهر ما را پیوسته بقران
نیکو گردان و لباس صلاح و ورع بپوشان و ضمایر
ما را بقرآن از اندیشهای ناسد و وساوس باطل
محفوظ و مستور گردان و چرک دلهاو علایق او
زار ما بقران بشوید و امور پراکنده ما باد مجتمع و
منتظم سازد و در موقف عرض از تشنگی گرمان ان
صحرا سیراب گردان و حلهای امان روز فزع اکبر
و نفخ صور و وقت نشور بپوشان خداوندا رحمت
کن بر محمد و آل او و درست کن بقران شکستگی احتیاج

درویشی ما را ببرکت او زندگانی خوش و رزق فراخ
عطا کن ما را دور دار از خصلتهای ذمیمه و اخلاق
رذیله و نگاهدار از وقوع در کفر و اسباب نفاق برکت
قران تا ما را در قیامت سوی رضوان و جنان تو کشنده
باشد و در دنیا از موجبات سخط و تعدی حدود تو
مانع گردد و برای ما بمتابعت احکام و تحلیل حلال و تحریم
حرام تو شهادت دهد خداوند رحمت کن بر محمد و آل او
و اسان گردان بر ما وقت مردن دشواری جان
کندن و سختی ان حالت را وقتی که جانها بحجر گرد
نها رسد و بگوید گوینده ایا کیست در اینوقت چاره
کننده و ملک الموت ظاهر گردد برای قبض نفوس
از حجب غیوب و بدوزد جانها را از کمان حرکت
تیرهای وحشت و فراق و خاطر گردد وقت ارتحال
و افتراق و علمها قلاده گردد در گردنها و قبور ما را
مسکن باشد و ماوی تا میقات ملاقات حق تعالی
خداوندا رحمت کن بر نبی و آل او و مبارک گردان

برای ما منزل گرفتن در خاک و مقام کردن در زیر
زمین روزگار دراز و بگردان خداوندا قبور را بهترین
منزل ما بعد از فراق دنیا و کشاده گردان برحمت
خود تنگی لحدهای ما را و رسوا مکن در محضر قیامت
ما را بگناهان و ببخشایی روز حساب برخواری مقام
ما بقرآن و ثابت گردان وقت اضطراب پل صراط الوغش
اقدام ما را بقران و نجات بخش ما را از غمهای روز
قیامت و سختیهاء آن روز پر محنت بقران و سفید
گردان رویهای ما روزی که سیاه میگردد روهای
ظالمان روزی که عظیمت حسرت و ندامت ان
و ما را در سینهاء مؤمنان دوست گردان و زندگانی
بر ما سخت و دشوار مگردان خداوندا رحمت کن
بر محمد و آل او بنده و رسول تو همچنانچه رسالت
تو ادا کرد و امر تو آشکارا کرد و عباد تو نصیحت
نمود و بدین تو هدایت نمود خدایا پیغمبر ما را از همه
پیغمبران نزدیکتر جای ده در مجلس قیامت و شفاعت

او را قبول بهتر بخش در حضرت عزت و قدر او را از همه
جلیلتر و جاه او از همه وجیه‌تر گردان خداوندا رحمت کن
بر محمد و آل او و شرف بخش بنییات او را و بزرگ کن
برهان او را و گران کن میزان او را و بپذیر شفاعت
او را و نزدیک ساز وسیلت او را و سفید گردان روی
او را و تمام کن نور او را و بلند ساز درجه او را و زنده
گردان ما را بسنت او و بمیران بر ملت او و ببر بان
راه راست و روش که او رفت و ان طریق نجات
که او پیمود و بگردان ما را از مطیعان او و برانگیزان
در جمله یاران او و وارد کن بر حوض او و سیراب کن
بجام او و رحمت کن بر محمد و آل او رحمتی که برسانی
او را ببرکت آن بهتر از انچه امید دارد از خیر و کرامت
تو زیرا که تو صاحب رحمت وسیع و فضل کریمی خدایا
جزا ده او را بعوض انچه تبلیغ نمود رسالات ترا و ادا
کرد آیات ترا و نصیحت نمود عباد ترا و جهاد کرد در
راه تو فاضلترین جزا ما که بخشیده ملایکه مقربین و انبیاء

مرسلین را والسلام علیه و علی آله الطیبین الطاهرین و رحمة
و برکاته و کان من دعائه علیه السلام اذا نظر الی الهلال
چون ماه نو دیدی این دعا کردی و خیر و برکت ان
ماه و توفیق طاعت طلب نمودی باید که رو ی
بقبله نماید و جانب ماه اشارت کنان این دعا
خواندی ای خلق مطیع شتابنده و سریع تردد کننده
در منازل خاص که برای او مقدرست و تصرف کننده
در فلکی که تدبیر او مقررست ایمان دارم بخدای
که بتو روشن کرده است ظلمتها را و واضح ساخته است
پوشیدها را و ترا ایتی کرده است از ایات پادشاهی
خود و علامتی از علامات بزرگوار خود و کار فرموده است
ترا همچو خادمان گاه بزیاده گاه بنقصان و بطالع
شدن و غارب شدن و روشن گشتن و تاریک
گشتن در همه حال خداوند ما را اطاعت مینمایی
و بر طبق ارادت او می شتابی منزه و متعالیست خداوندا
ما چه عجب تدبیری کرده است در کار تو چه لطیف صنعتی
ظاهر

ظاهر نموده است در شان تو ترا گردانیده است
کلید ماه نو برای کار نو مسئلت میکنم از خدای که پروردگار
من و پروردگار تست و خالق من و خالق تست
و مقدر من و مقدر تست و مصور من و مصور تست
که رحمت کند بر محمد و ال او و بگرداند ترا هلال خیر و برکت
و برکت که مرور ایام انرا باطل نگرداند و هلال طهارت
و طاعت که گناهان آنرا الوده نسازد و هلالی مقرون
بایمنی از آفات و سلامتی از سیئات هلالی مقرون
بسعادت و کرامت و دور از ضرر و نحوست موصل بیمن
و خجستگی سالم از جفا و سختی هلال آسانی و راحت
بی آمیختگی بدشواری و محنت و هلال خیر و خوشی
بی آمیختگی بشر و ضرری هلال ایمنی و ایمان و نعمت
و احسان و اسلام خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او
و بگردان مرا از خشنودترین آنان که هلال برایشان
طالع گشته است و پاکترین انان که بهلال نظر افکنده
اند و سعیدترین آنان که ترا درین ماه عبادت

کرده اند و توفیق ده ما را توبه و انابت و نگاه دار
از ناپسند و بد و محافظت کن از ارتکاب معصیت
و الهام کن بشکر نعمت و بپوشان سپرهای عافیت
و تمام کن بر ما منت بتوفیق دادن بر کمال طاعت
تر است بر بندگان و تویی محمود بهمه زبان و صلی
الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین و کان من
دعائه اذا دخل شهر رمضان هرگاه مبارک
رمضان شدی این دعا خواندی حمد خدایرا که
هدایت نمود ما را بحمد خود تعالی و گردانید ما را
از اهل حمد و ثنا تا از شاکران باشیم احسان او را
و جزای نیکوکاران بخشد ما را و حمد خدایرا که ما را
دین خود عطا کرد و بملت خود اختصاص داد در ا
ههای احسان خود نمود تا ان راهها بسپریم
و برضوان او برسیم حمدی که قبول کند خدای از ما
و راضی گردد بان از ما و حمد خدایرا که گردانید از را
ههای طاعت و احسان ماه خود ماه رمضان را ماه
صیام

صیام و ماه اسلام و ماه پاک شدن و ماه خالص و ماه
صافی گشتن و ماه شبهای عبادت کردن ان ماه که در
او قران نازل گشته است تا هدایت مردمان کند
و طریق هدی بیان نماید و حق از باطل جدا سازد
پس ظاهر ساخت حق عز و علا فضل این ماه بر دیگر
ماهها بحرمتهاء موفور و فضیلتهاء مشهور که او را عطا
کرد و حرام کرد در او انچه حلال بود در غیر او از روی
تعظیم و منع کرد در او از طعام و شراب بر وجه تکریم
و از برای او وقتی نهاد معلوم مبین جایز نداشت
که از ان پیشتر یا پستر روزه دارند و یکشب را از
شبهای او بر هزار ماه تفضیل داد و انرا شب قدر نام
نهاد و فرود می ایند ملایکه و روح در انشب باذن
پروردگار از هر کار که قضا رفته است دران سال
سلام با برکت علی الدوام تا طلوع فجر بر انکه خدای
خواهد از بندگان بانچه تدبیر کرده است از قضاء خویش
در احوال و ارزاق عالمیان خداوندا رحمت کن بر محمد

وآل او و الهام کن ما را معرفت فضل این ماه و تعظیم حرمت
او و محافظت خویش از آنچه حرام کرده است در او
و یاری ده ما را بر صیام او بباز داشتن اعضا از گناهان
و کار بردن در موجبات رضوان تو تا گوش سوی
لغو و چشم سوی لهو نیندازیم و دست بحرام نگشاییم
و پای بمعصیت برنداریم و شکمهامان جز حلال بخود نگیرد
و زبانهامان جز بصواب ناطق نگردد و کار نبریم اعضا
را مگر در آنچه نزدیک گرداند بثواب تو و نگهدارد از
عقاب تو پس خالص کن عمل ما را از شائبه ریا و سمعه
تا شریک نگردانیم در او کسی را جز تو و نجوییم بان مرادی
جز تو خداوندا رحمت بر محمد و آل او و توفیق ده ما را
درین ماه بمراعات اوقات که معین فرمودی همچو
آنان که طریق صواب در منازل این پنج نماز پرده
اند و ارکان و شرایط ان محافظت نموده اند در
اوقات فضیلت بجای آورده اند بران وجه که قرار
داده است بنده و رسول تو در او دعا از تو بر او و بر آل

او

او و در رکوع ان و سجود ان و جمیع فواصل ان بر
تمامترین طهارت و وضوئی و بالغترین توجهی و
خشوعی و توفیق ده ما را در این ماه تا بپیوییم بخویشان
به نیکویی و احسان و تعهد کنیم همسایگان را بافضال
و امتنان و خالص گردانیم اموال خود را از حقوق
مردمان و پاک گردانیم باخراج زکوتها ان و باز
گردیم بدوستی آنان که از ما جدا گشته اند و دهیم با آنان
که ستم بر ما کرده اند و صلح کنیم با دشمنان حاشا آن
دشمنی که در راه تو و برای تو باو دشمنیم که با او هرگز
صلح نکنیم و طریق دوستی نگشائیم و با او صاف نکردیم
و تقرب کنیم در او برحمت تو عملهای پاکیزه طاعات
مقبول که پاک گردانی ما را بآن از گناهان کرده و
نگهدار از ناکرده تا آنکه طاعات فرشتگان از طاعت
ما فروتر باشد و اعمال ایشان بپایه اعمال ما نرسد
خدایا از تو مسئلت میکنم بحق این ماه و بحق آنان
که ترا عبادت کرده اند درین ماه از فرشتگان مقرب

باپیغمبران مرسل یا بندگان صالح که اختصاص داده باشی
بخود اینکه رحمت کنی بر محمد و آل او و شایستگی بخش مارا
درین ماه بانچه دوستان خود را بان وعده داده
از کرامت خود و ثابت کردان انچه ثابت کردانیده
برای ساعیان در طاعت خود و منسلک کردان
در نظم انان که مستحق درجه اعلا و منزلت والا گشته
اند برحمت خود خداوندا رحمت کن بر محمد و ال او و
دور کن مارا از الحاد و عدول از طریق صواب و
سداد در حمید تو و از تقصیر در تمجید تو و از شک در
دین تو و نابینا شدن از راه و آیین تو و غافل
کشتن از مراعات حرمت تو و فریب خوردن از
دشمن تو که دیو رانده شده است از رحمت تو
خداوندا رحمت کن بر محمد و ال او و چون در هر شب
ازاین شبها عفو تو کردنها از آتش دوزخ ازاد
میکند و جرمها می بخشد کردنهای مارا نیز ازان
کردنها کردان و جرم ما ببخش و قلم عفو بر خطاهای
ما

مادر کش و مارا از بهترین یاران و مصاحبان این ماه
کردان خداوندا رحمت کن بر محمد و ال او و محو کن سیات
مارا با محو شدن این ماه مبارک و بکن از ما تبعات
مارا با کنده شدن ماه تا چون از ما بگذرد مارا از خطاها
صافی کرده باشی و از بدیها خالص ساخته باشی خدا
وندا رحمت کن بر محمد و ال او و اگر میل کنیم در او از حق
راست دار مارا و اگر بگردیم از صواب درست دار مارا
و اگر دشمن تو شیطان بر ما مستولی شود از چنگ او
برهان مارا خدایا پر کردان این ما را بعبادت ما ترا
و مزین کردان اوقات او بطاعت ما ترا و یاری کن
در روز بروزه و در شب بر نماز و تضرع و خشوع و
تذلل پیش تو تا انکه کواهی ندهد روز او بر ما بغفلت
و تقصیری و نه شب او بتضییع و تفریطی خداوندا و ما
را در سایر ماهها و روزها نیز چنین کردان چندانکه
زنده داری و از ان بندکان صالح کردان که وارث
فردوس خواهند بود و در انجا مخلد اسوده از آنان

که میدهند در راه خدای انچه میدهند و دلهاشان تر
سانست زیرا که میدانند بخدای باز میگردانند و ازانان
که هی شتابند در کار خیر و بر دیگران پیشی میگیرند
خداوندا رحمت کن بر محمد و ال او و در هر وقت و در
هر زمان و در هر حال بشمار هر رحمت که بر خلق کرده
و باضعاف ان چندان که جز تو کسی احصا و ضبط
نتواند کردن زیرا که تو میکنی انچه اراده میکنی
انک فعال لما یرید وکان من دعائه فی وداع
شهر رمضان این دعا در وداع شهر رمضان در شب
آخر خواندی خدایا ای انکه ~~نمیخو~~ نمیکنی اهی و
بر عطا پشیمان نمیگردی و ابنده مکافات بمثل عمل
او نمیکنی نعمت تو ابتداست بی سابقه استحقاق
ما و عفو تو تفضل است و عقوبت تو عدل است
و هر چه قضا میکنی خیر در انست اگر هی بخشی عطاء
خود بمنت مکدر نمیگردانی واگر نمی بخشی تعدی از حق
نمیکنی مزد و ثواب میدهی آنرا که شکر تو میکند و تو
اورا

اورا بشکر الهام نموده و عزم ان کار در دل او انداخته
و مکافات میکنی آنرا که حمد تو میکند و تو اورا حمد تعلیم
نموده و بان دلالت کرده می پوشی عیب آنان که اگر
میخواهی رسوا میکنی و می بخشی انرا که اگر خواهی محروم
میکنی و هر دو شایسته اند بر سوا شدن و محروم گشتن
اما تو همه کار خود بر تفضل بنا نهاده و عفو بر عقوبت
اختیار نموده و با عاصی راه حلم گشاده و آنانرا که بر خود
ظلم میکنند مهلت داده انتظار میبری و مدارا میو
رزی شاید باز گردند و زود نمیگیری شاید توبه کنند
تا هر که هالک شود بر تو و بد روز گردد بعقوبت تو حجت
بر او تمام باشد در رحمت تو عذر خویش خواسته باشد
و بکرم و عفو خود این مدارا میکنی ای کریم و بفضل
و رحمت خود این محابا می نمایی ای حلیم ای انکه
گشودی برای بندگان خود دری بسوی عفو خود
و آنرا توبه نامیدی و بران در از وحی خود دلیلی
و نشانی گردانیدی تا کسی ازان در گم نشود و جاهل

نمانند گفتی در کتاب مجید توبوا الی الله توبة نصوحا
عسی ربکم ان یکفر عنکم سیاتکم ویدخلکم جنات
تجری من تحتها الانهار الایه توبه کنید و باز گردید
بخدای توبه خالص و صحیح شاید پروردگار شما زایل
گرداند و در جنات که در جویها در زیران میگذرد
و داخل گرداند پس چه عذر دارد کسی که غافل ماند
از دخول این منزل بعد از ان که خدای عز و جل در
او بگشود و بان دلالت نمود و توان خداوندی که
قیمت عمل بندگان برخود افزودی تا سود فرا
وان برند در سودای تو و فیروزی بند در درخود
بدرگاه تو گفتی در کتاب مجید من جاء بالحسنة فله عشر
امثالها و من جاء بالسیئة فلا یجزی الا مثلها هر که حسنه
می آورده چندان می یابد و هر که سیئه می آورد مثل
ان مکافات می یابد و دیگر باز فرمودی مثل الذین
اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل
سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء مثال انچه
الفاق

الفاق میکنند بندگان اموال خود در راه خداوند
منان مثل دانه ایست در زمین که هفت خوشه برو
یاند در هر خوشه صد دانه باشد پس یک بهفتصد گردد
و خدای عز و جل می افزاید برای انان که میخواهند
پس بهای کلای ایشان برخود زیاده گردانیدی
از ده بهفتصد رسانیدی درهم در کتاب عزیز گفتی
من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا فیضاعفه له اضعا
فا کثیره کیست قرض نیک دهد به پروردگار تا برای
او مضاعف گرداند انرا باضعاف بسیار و مانند این
آیات قرآنی که در تضاعف حسنات عباد نازل گردانیدی
و توی انخداوندی که بندگان را راه نمودی بگفتار غیبی
و ترغیب فرمودی برای سعادت و نفع ایشان بانچه
نمیدانستند بخود آنرا اگر تو خبر نمیدادی نه دید ما شان
میدید آنرا اگر تو می پوشیدی و نه گوشهان می شنید
اگر تو نمی گفتی و نه اندیشهاشان بان میرسید اگر تو
راه نمینمودی گفتی در کتاب کریم اذکرونی اذکرکم

واشکرولی ولاتکفرون یادکنید مرا تا شمارا یاد کنم وشکر
کنید مرا وکافر بمن و دیگر گفتی لئن شکرتم لازیدنکم و
لئن کفرتم ان عذابی لشدید اگر شکر میکنند زیاد
میگردانم نعمت شمارا واگر کافر شدید وشکر نکردید
بدرستی که عذاب من سخت است وگفتی ادعونی
استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون
جهنم داخرین مرا بخوانید تا اجابت کنم شمارا بتحقیق
آنان که سرکشی وتکبر میکنند از عبادت من زود باشد
داخل کردند در جهنم خوار وذلیل پس دعارا عبادت
نامیدی وترک دعارا استکبار گفتی وتهدید کردی
بر ترک دعا بدخول جهنم خوار وذلیل پس چون عباد
رابذکر وشکر ودعا وصدقه دلالت نمودی وباین
ایات وامثال این ترغیب وترهیب فرمودی
ترا یاد هم باحسان تو وشکر کردند هم بفضل وامتنان
تو وترا خواندند بامر واعلام تو وتصدق کردند در راه
تو مال خود بقرض وانفاق تا زیاده بیابند دیگر

بده ومقصد سود برند وباین فضایل وصفات که راه
نمودی عبادرا بان نجات یابند از غضب تو وفیروز گردند
برضای تو خود واگر مخلوقی را از جانب خود این نوع د
لتها مینمود که تو بندگان را نمودی هر آینه حمد وشکر واجب
آمدی وثنا وستایش لازم بودی پس ترا حمد چندانکه
راهی در حمد پیدا گردد وچندانکه لفظی برای حمد تو باقی
باشد ومعنیی که بان منصرف گردد ای آن خدای که خودرا
پیش بندگان ستودی بفضل واحسان واحاطه نمودی
همه را بالعطا والامتنان چه ظاهر است در مبالغت تو و
چه وافر است بر امنت تو چه مخصوص است بانیکویی
ومرحمت تو هدایت کردی مارا بدینی که برگزیده وملتی
که پسندیده وبهر راه خود که اسان کرده وپیدا گردانیدی
بانچه موجب قربت بحضرت تو وسبب وصولست بکرامت
تو خدایا گردانیدی ماه رمضان را از خاصترین طاعات
وقربات وخاصترین واجبات وعبادات اختصاص
دادی اورا از میان ماهها واختیار کردی از همه زمانها

وبرگزیدی بر همه اوقات سال باینکه نازل ساختی در
او قرآن را و مضاعف گردانیدی ایمانرا و فرض گر
دانیدی در او صیام روزه و ترغیب نمودی بر قیام
شب و بزرگ گردانیدی در او شب قدر را که بهتر است
از هزار ماه و ما را اختیار کردی بر دیگر امتها و برگزیدی
بفضل خود بر دیگر ملتها پس روزه داشتیم ما بامر
تو روز او را و بر خواستیم برای نماز در شب او از این
صیام و قیام ما را رحمت تو مطلوب بود و ثواب
تو منظور بود و تو قادری بر عطاء آنچه از تو طلبند
جوادی بآنچه از فضل تو مسئلت کنند نزدیکی بانا
که قرب تو جویند و این ماه مقام نمود در میان ما
بر وجه پسندیده و مصاحبت کرد صحبتی پذیرفته
و سود بخشید ما را نافعترین سود ها عالمیان :
بعد از آن از ما مفارقت نمود چون وقتش و مدتش
منقطع گشت و عددش تمام شد اکنون او را
وداع میکنیم وداع دوستی که فراغش بر دل ناگران

دشوار

دشوار آمد و رفتنش ما را غمگین و مستوحش و لازم است
بر ما از جانب او محافظت عهد و رعایت حرمت و قضاء
حق او نیز پس میگوییم السلام علیک ای ماه بزرگ خدای
عز و علا و عید دوستان او تعالی ای سلام بر تو ای
گرامیترین یاری از اوقات و ای بهترین ماهی در ایام
و ساعات السلام علیک ای ماهی که امیدها در او
بحصول نزدیک رسید و اعمال نیک در او منتشر
گردید سلام بر تو ای همراهی که قدر تو نزد ما بزرگ
بود تا بودی و هجران تو ما را دردناک کرد چون
چون رفتی ای آنکه ما را بتو امیدها بود و فراق تو
بر ما سخت نمود السلام علیک ای دوستی که چون
آمدی ما را مونس گشتی و شاد کردی و چون رفتی
ما را موحش ساختی و دردناک کردی سلام بر تو ا
ای مجاوری که دلها در تو رقت یافته بود و گناهان
کم گشته بود السلام علیک ای یاوری که ما را بر دفع
شیطان یاری دادی و ای صاحبی که راههای

نیکوکاری کن برای ما کشودی و آسان و هموار نمودی
سلام بر تو چه بسیارست آزاد شدکان خداوند
رحمان در تو وچه سعید کشته اند بتو رعایت کنند
کان حرمت تو السلام علیک کناهان تو ما را چه محو
کننده وعیبهای ما را پوشنده بودی سلام بر تو
بر مجرمان چه دراز مینمود وچه عطاها که فرمودی و
در سینهای مؤمنان چه باهیبت وخطر بودی سلام
بر تو ای ماهی که از همه ام سلامتی وایمنی است سلام
بر تو در حالتی که مصاحبت تو نکوهیده و مخالطت
تو ناپسندیده نبود سلام بر تو چنانچه امدی
نزد ما با برکات و شستی از ما چرک خطیئات سلام
بر تو ترانه از دلتنکی وداع کردیم و روزه تو نه
از ملال ترا دادیم سلام بر تو ای انکه بنیامده ترا
[illegible] میطلبیدیم وچون رفتی برای تو غمکین کشتیم
سلام بر تو چه بسیار بد وشر که به برکت تو از
ما زایل کشت وچه بسیار خیر وخوشی که بر ما نایض
کشت

نایض کشت سلام بر تو و بر لیلة القدر که بهتر است از
هزار ماه سلام بر تو چه حریص بودیم دیروز بر تو
وچه مشتاقیم فردا بتو سلام بر تو و بر فضل تو که ازان
محروم شدیم و بر برکات کذشته تو که ازان بیرون شدیم
خدایا ما اهل این ماهیم که تشریف دادی ما را باو و
توفیق دادی بفضل خود بر رعایت او وقتی که
بدبختان جاهل بودند بوقت او و محروم بودند
از فضل او تو ولی این نعمت که ما را برکزیدی بمعرفت
او و هدایت نمودی بحقیقت او و ما بتوفیق تو صیام
وقیام او بجای آوردیم بالتقصیر و ادا کردیم قلیلی از کثیر
خدایا پس ترا حمد وسپاس اقرار داریم که بد کردیم وا
عتراف میکنیم که کار ضایع کردیم وحق این ماه بکذاردیم
دلهای ما باندامت عهد بسته است و زبانهای ما
بمعذرت صادق ناطق است پس ما را مزد و اجر ده
براین مصیبت که ما را رسیده از تقصیر در رعایت این
ماه اجری که باز یافت کنیم بان فضلی که راغبیم در طلب

وی وعوض یابیم بان از انواع ثوابها که حریصیم
بر ذخیره کردن وی وعذر ما نزد خود بپذیر بر تقصیری
که در حق تو کردیم در این ماه ای رب کریم در رسان
ما را بماه رمضان آینده وچون برسیم اعانت
کن ما را بر عبادت خود چنانچه اهل آنی وقیام بطاعت
خود چنانچه بان سزاواری وجاری گردان برای
ما از عملهای شایسته آنچه تلافی کند حق ترا درین
دو ماه ودر همه ماههای روزگار خدایا وبدی که درین
از ما صادر شده باشد وگناهی که خورد و بزرگ
که واقع گشته باشد یا خطایی که دانسته یا ندانسته
رفته باشد که ستم بر خود کرده باشیم یا دیگری را از
راه برده باشیم پس رحمت کن بر محمد وال او و
بپوش ما را پرده رحمت خود ودرگذر از جرم ما بعفو
خود ومدار ما را در مقام رسوائی پیش چشم شماتت
کنندگان ومگشا بر ما زبانهای ارباب طغیان
وبکار دار ما را در آنچه موجب سقوط گناهان باشد
برافت

برفت بی پایان وفضل بی کران خدایا رحمت کن
بر محمد وال او وجبر کن بلطف خود مصیبتی که ما را در
فراق این ماه رسیده است وتقصیری که در ادا رفته است
وروز عید بر ما مبارک ومیمون گردان وخیر او از
همه روزها افزون گردان تا اجابت کننده تر باشد
عفو ترا ومحو کننده تر گناه ما را از سایر روزها و
بیامرز گناهان پوشیده وآشکار ما را بعد از بار
خدایا با سلخ این خطاها از تن ما سلخ کن وبا خروج
ماه ما را از سیئات بیرون کن وما را نیک بخت ترین
اهل این ماه وکاملترین ایشان در قسمت ووافر
ترین همه در نصیب ما گردان خدایا هر که حق این
خوب رعایت کند نموده باشد وحرمت او نگاه داشته
باشد وبجد ود ادا وقیام کرده واز گناهان با طاعتی
آورده که ترا خوشنود ساخته وروی رحمت تو
سوی خود کرده ما را هم مثل ان واضعاف ان
عطا کن از جود خود واز فضل خود زیرا که دریای فضل

تو یاب وخزاین جود نایاب نگردد بلکه پیوسته
مالامال باشد و معادن احسان تو بی انتهاست
و عطای تو گواراترین عطاهاست خداوندا رحمت
کن بر محمد و آل او و بنویس از برای ما مثل اجرهای
آنان که روزه داشته اند و عبادت کرده اند ترا
درین ماه تا روز قیامت خدایا توبه میکنیم بتو در
این روز فطر که او را عید مؤمنان و روز خو
شحالی ایشان و روز اجتماع مسلمانان کرده
اند از هر گناه و خطا کرده ایم یا اندیشه بدی که در
خاطر گذرانیده ایم توبه انکس که اندیشه رجوع در دل
نگذرانده و بگناهی عود نکند توبه نصوح خالص
از شک و ارتیاب پس توبه ما را بپذیر و راضی
شو از ما و ثابت دار برین توبه ما را خدایا روزی
کن ما را خوف از عقابی که بان وعید کرده و شوق
ثوابی که بان وعده داده تا لذت انچه میجوییم از
رحمت تو در کام خود بیابیم و اندوه انچه میترسیم

از عقوبت

از عقوبت تو در جان خود فهم کنیم و بگردان ما را
نزد خود در جمله تواب[ی]ن که برای ایشان محبت
خود واجب کردهٔ انابت ایشان قبول نموده ای
عادلترین عادلان خدایا درگذر از تقصیر پدران و ما
دران و اهل دین ما تمام از گذشتگان و آیندگان
تا آخر الزمان خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او چنانچه
رحمت کردی بر انبیای مرسلین و رحمت کن بر او
و بر آل او چنانچه رحمت کردی بر عباد صالحین و
فاضلتر از آن ای پروردگار عالمیان رحمتی
که برکت او بما رسد و نفع او ما را دریابد و دعای ما
بان مستجاب گردد که تو کریمتری از هر که حاجت
پیش او برند و کفایت کننده ترین از هر که اعتماد
بر او کنند و بخشنده ترین از هر که عطا و مسئلت نما
یند و تو بر همه چیز توانائی و کان من دعائه فی یوم
الفطر اذا انصرف من صلوته قام قایما ثم استقبل
القبله و فی یوم الجمعه فقال روز عید شهر رمضان

چون از نماز باز گشتی بایستادی روی بقبله
نمودی این دعا کردی و در روز جمعه نیز این دعا
کردی ای انکه رحمت میکنی بر انکس که رحمت نکنند
و در می پذیری آنرا که بلاد نپذیرند ای انکه حقیر
نمیداری محتاجان را و نومید نمیسازی الحاح
کنندکان را و دست رد نمینهی بر پیشانی گستاخان
که راه ناز سپرند نه طریق اهل نیاز ای انکه تحفه
خورد ما بزرگ میشماری و اندک عمل ما را از دوافر
و عوض متکاثر می بخشی ای انکه نزدیک میشوی با
نان که نزدیک میشوند بتو و میخوانی بسوی خود انا
نرا که روی میگردانند از تو ای انکه نعمت خود
تغییر نکنی و بعقوبت تعجیل نکنی ای انکه حسنات
بندگان می افزائی و از سیئات در میگذری
امید ما از جناب تو حاجت روا باز گشتند
بمنتهای کرم نرسیده مراد ما جیب و کنار از خزاین
جود تو بر کردند هیچ از ان خزاین بی پایان کم
نگشته

نگشته صفتها و اوصاف هر چند بلندی گرفت بحد
کمال تو نرسید و هر چند بیشتر کوشید راه این بیابان
بی نشان بریده تر است بلندی بلندتر بالای هر
بلندی و تر است بزرگی بزرگتر بالای هر بزرگی
هر جلیل نزد تو صغیر است و هر شریف در جنب
شرف تو حقیر است هر که جز بدرگاه تو آمد نومید
شد و هر که نفعی از غیر تو طلب نمود زیان کرد هر که
پیش غیر تو فرود آمد ضایع ماند و هر که از غیر فضل
تو نعمت و فراخی توقع کرد در تنگی و قحطی افتاد
در تو گشاده است برای نیازمندان و جود تو آماده است
برای خواهندگان و فریاد رسی تو نزدیک است بداد
خواهان نومید نمیگردند از تو امیدواران و مایوس
نمیشوند از عطای تو سائلان و محروم نمیگردند از
درگاه تو آمرزش خواهان روزی برای عاصیان
گسترده و دشمنان حلم پیش آورده عادت تو
نیکوییست با بدکاران و طریقت تو تغافل است

از عاصیان تا انکه بحلم تو مغرور شدند و به تغافل
تو دلیر گشتند و برای ان حلم و تانی با ایشان کردی
که شاید براه باز آیند که سلطان تو زایل نگردد و کسی
از چنگ قدرت تو بیرون نرود پس هر که از اهل
سعادت بود خاتمت کار او بر سعادت کردی و
هر که از اهل شقاوت بود او را بشقاوت خویش
رها کردی بازگشت همه بحکم تست و کار ها همه بامر
تست هر مدت عاصیان دراز کشد سلطان ترا وهنی
و فتوری نرسد و هر چند دیر مواخذت کنی برهان
تو باطل نگردد حجت تو پیوسته قایم است و سلطان
تو ثابت و دایم وای انکه از امر تو بگردد و نومید
انکه از تو نومید گردد و بدبخت آن بی سعادت
که بتغافل تو مغرور و دلیر گردد از تدارک حال
غافل ماند تصرف چنین شخص در عذاب تو چه بسیار
است و تردد او در موحیات عقاب بیرون از
شمار و چه دورست عاقبت او از فرج و چه نومید
از سهولت

از سهولت مخرج در حالتی که این قضا از تو عدلست
نه جور و این حکم او انصافست نه حیف زیرا که حجتها
برای او نصب نمودی و عذرها تمام کردی در معصیت
پیش از وقت وعید و تهدید فرمودی و بر طاعت
ترغیب لطیف نمودی و داستانها برای مطیع
و عاصی زدی و روز کار دراز مهلت دادی و
میتوانستی تعجیل کنی و آهستگی نمودی و میتوانستی
بشتابی نه از روی آهستگی نمودی و نه از سستی
مهلت دادی و نه از غفلت دست باز داشتی
و نه از ضرورت با مدارا کار بستی بلکه برای ان تا حجت
تو بالغتر و کاملتر و احسان تو وافیتر و نعمت تو تمام
تر باشد و این صفات ترا همیشه بود و هست و خواهد
بود حجت تو از ان برتر است که تمام ان وصف
توان نمودی و بزرگی تو از ان ارفعست که بکنه
توان پیمودن و نعمت تو از ان بیشتر است که توان
شمردن و احسان تو از ان بزرگترست که توان

براندکت ان فکر کردن دمن از تحمید تو قاصرم و
از تمجید تو عاجزم و نهایت کار من آنست که
اقرار کنم بعجز و ضرورت اینکت من قصد جناب
تو میکنم و از تو عطای نیکو میطلبم پس رحمت کن
بر محمد و آل او و بشنو راز مرا و امروز مرا بر من بنو
میدی ختم مکن و مسئلت من از حضرت قبول
خویش رد مکن و گرامی دار مرا بدرگاه و آمد و شد
مرا باستان که تو انچه اراده بران تا در آنی و انچه
از تو مسئلت نمایم بیند عاجز نیامی و بر همه چیز توانائی
ولاحول و لاقوه الا بالله العلی العظیم وکان من دعا
ئه علیه السلام فی یوم عرفه روز نهم ذی الحجه که
پس روزی مبارکست این دعای شریف نمودی
وزبان نیاز بعرض حاجات و رازهای دور و دراز
باخداوند کارساز گشودی الحمد لله رب العالمین
خداوندا تراحمد و سپاس پدید آورده اسمانها و
وزمین بزرگوار و کریم خداوند همه خداوندان و معبود

همه

همه معبودان و خالق همه مخلوقات همه اشیا نیست
او شکل و همتا و غایب نیست از علم او چیز ها و او بهمه
چیز محیطست و بر هر چیز نگهبان و رقیب است توی
خدای عالمیان نیست جز تو یکی بیمثل و مانند تنها
بی جفت و بیوند و توی خدای نیست جز تو خدا
کریم بکرم ستوده عظیم خود را بزرگت نموده کبر خود را
متکبر نامیده و توی خدای نیست جز تو خدای
تراست دیرتری و سخت است کید تو و عقوبت
تو بر عاصی و توی خدای جز تو خدای رحمان و
و رحیم علیم و حکیم و توی خدای نیست جز تو خدای
سمیع و بصیر و قدیم و خبیر و توی خدای نیست جز تو
کریم و کریمتر و دایم و دایمتر و توی خدای نیست جز تو
اول اشیا پیش از همه و آخر اشیا بعد از همه و توی
خدائی نیست جز تو خدای نزدیک بما با همه
دوری و بلندی بلند و دور با همه نزدیک و توی
نیست جز تو خدای صاحب قدر و جلال و کبریا

و جال و توی خدای نیست جز تو خدای پیدا کردی
کاینات را بی اصلی و ماده و مصور ساختی خلق را
بیمثال و نمونه و اختراع نمودی عالم را بی اقتدای
دیگری توای انکه تقدیر کردی اشیا را و آسان ساختی
دشواریها را و تدبیر کردی خلقها را توی انکه نکرد
ترا بر خلق اشیا شریکی و اعانت ننمود دران کار
وزیری و نبود ترا مانندی و نظیری توی انکه
اراده نمودی پس واجب شد انچه اراده نمودی
و قضا کردی و محض عدل بود انچه قضا کردی و حکم
کردی و محض انصاف بود انچه حکم کردی توی انکه
مکانی ترا احاطه ننماید و سلطان تو پای ندارد و برهانی
و بیانی ترا عاجز نکرداند توی انکه شمار ان اشیا احصا
نمودی و هر چیز را زمانی و نهایتی نهادی و اندازه
و حدی تعیین فرمودی توی انکه تا مرست اندیشها
از ادراک ذات تو عاجزست فهمها از وصف
صفات تو در نمی یابد دیدها جای ترا توی
انکه

انکه محدود و معین نشوی و در اذهان مصور و ممثل
نکردی و نزادی و لدی چنانچه زاده نشدی از ولدی
توی انکه نیست ترا ضدی تا با تو عناد و دشمنی کند
و نه همسری و مانندی تا با تو دعوی نماید و نه همتای
تا با تو برابری نماید توی انکه اشیا ابتدا و اختراع
کردی و کاینات احداث و ابتداع نمودی و انچه
کردی بصنع کامل خود نیکو کردی سبحانک چه بزرگست
شانی تو و چه رفیعست مکان و چه ظاهر کننده است
حق را فرمان تو سبحانک چه لطیف و مهربان و چه
حکیم و راز دانی سبحانک ای پادشاه با قدرت
ای بخشنده با وسعت ای عالیقدر با رفعت ای
خداوند کبریا و عظمت یا کامنزها دست بخیرات و
احسان کشودی و خلایق را بجود راه نمودی هر که
دین یا دنیا از تو جست بیافت و هر که از در تو
روی بتافت بهر در که رفت راه نیافت سبحانک
کاینات همه ترا خاضعند و مادون عرش عظمت

ترا خاشعند و همه خلق امر ترا گردن نهاده اند
و فرمان ترا تسلیم گشته پاکا منزها احساس و
مساس بر تو روا نیست و کید و مکر و نزاع و دعوی
و ستیزه و جدال با تو کس را نیست پاکا خداوندا
راه تو راست و روشن است و کار تو صواب و درست
است و توئی زنده منزه از فناء مقصود همه اشیا
پاکا منزها قول تو حکمت است و حکم تو واجب است
و خواست تو نافذست انچه خواست تست رد
نتوان کردن و کلمات ترا تبدیل نتوان دادن پا
کا الها انچه در کاینات پدید است از آیات صنعت تست
و آسمانها و جانوران آفریده قدرت تست ترا حمد
حمدی پاینده همچو ذات تو حمدی هر حامدی در ترا
شکر چنان شکری که قاصر آید از ان شکر هر شا
کری حمدی جز ترا در خور نباشد و جز قرب
تو از ان نباشد حمدی که موجب دوام اول و
مستدعی دوام اخر گردد حمدی که هر چند زمان بگذرد
ومتضاعف

ومتضاعف گردد و باضعاف متتابع متزاید گردد حمدی
که حافظان اعمال از احصاء ان عاجز آیند و افزون
باشد از انچه نویسندگان بضبط در ارند حمدی که با عرش
مجید همسنگی کند و با کرسی رفیع برابری کند حمدی
که کامل باشد نزد تو و ثواب ان و احاطه کند بهر
جزای جزاء ان حمدی که ظاهرش با باطن موافق
باشد و باطنش با صدق نیت مطابق آید حمدی
که هیچ خلق ترا چنان حمدی نکرده باشد و غیر تو
هیچکس پایه فضل او نشناخته باشد حمدی که شمار
ان ممکن نباشد مگر بانصار و اعوان و اتمام
ان نتوان بی اعانت دیگران حمدی که جمع کند هر
حمدی که خلق کردی پیش از این و هر حمدی که
خلق کنی بعد از این حمدی که از ان حمد صواب تر
و ان حامد پسندیده تر یافت نگردد حمدی که
بکرم تو موجب مزید و بفضل تو مستدعی مزید بر
مزید گردد حمدی که واجب باشد برای کرم ذات

تو مقابل گردد با عز و جلال تو پروردگارا رحمت
کن بر محمد و آل او محمد رسول برگزیده و گرامی
محترم و مقرب فاضلترین صلوات تو و برکت
کن بر او تمام ترین برکات تو و ترحم کن بر او
با بهترین بهره ترین رحمات تو پروردگارا رحمت
کن بر محمد و آل او صلواتی پاکیزه و پاک که ملکوتی
از ان پاکتر نباشد و رحمت کن بر او رحمتی افزاینده
که از او افزاینده تر نباشد و رحمتی پسندیده که بالا
تر از ان نباشد پروردگارا رحمت کن بر محمد
و آل او رحمتی که او را راضی گرداند و زیاده بر
رضای او باشد و رحمتی که ترا راضی گرداند و زیاده
بر رضای تو باشد و رحمتی که راضی نشوی برای
او مگر بان رحمت و نه بینی غیر او را از اهل ان
رحمت پروردگارا رحمت کن بر محمد و آل او رحمتی
که درگذرد از خوشنودی تو و متصل باشد اتصال
او ببقای و باخر نرسد چنانچه باخر نمیرسد کلمات
تو

تو پروردگارا رحمت کن بر محمد و آل او و درودی درود
که منتظم گرداند در سلک خویش درودهای فرشتگان
و پیغمبران و رسولان و اهل طاعت تو و مشتمل باشد
بر درودهای جمله بندگان از ادمیان و پریان
و اهل اجابت تو و مجتمع گردد بر درود هر که آفریدی
در جهان و ایجاد کردی از اصناف عالمیان پر
وردگارا رحمت کن بر محمد و آل او رحمتی که احاطه
کند بهر رحمتی گذشته و آینده و رحمتی پسندیده
نزد تو و بندگان رحمتی که انشا کنی با نهار رحمتهای
دیگر که مضاعف گردند بان و زیاده گردند بر
مرور روزگاران زیادتی در اضعاف مضاعفه
که جز تو کس نداند شماران پروردگارا افاضه کن
رحمت خویش بر اهل بیت او که برگزیدی برای
امر خود و گردانیدی خزینه داران علم خود و
نگهبانان دین خود و خلفاء تو در جهان و حجتها
تو بر بندگان و پاک گردانیدی و سلیت نبوی

تو دراه بجنت تو پروردکارا رحمت کن بر محمد وال
او رحمتی که بسیار کردانی بان عطاها وکرامت خود
برایشان ووافر کردانی از فواید ومنافع خود قسمت
ایشان یارب رحمت کن براو وبر ایشان رحمتی
که انرا اول واخر نباشد وزمانش بپایان نرسد
یارب رحمت کن برایشان بوزن عرش تو وانچه
فرود آنست وانقدر که اسمانها پر شود وانچه
بالای آنست وبعدد زمینها وانچه در زیر ومیان
انست رحمتی که منزلت ایشان نزدیک سازد
وترا وایشانرا خوشنود کرداند وهمیشه وعلی الد
الدوام بمانند آن متصل باشد خدایا بتحقیق دین
خودرا نصرت دادی درهر زمان باما مقتدا
وپیشوائی راهنما که انرا برپای کردی تا نشانه
راهروان وروشنائی جهان باشد بعد ازان
که اورا بخود وصلت بخشیدی ووسیله خوشنودی
خود کردانیدی وطاعت او واجب ساختی
واز مخالفت

واز مخالفت او ترسانیدی وفرمودی امر او
امتثال کنند وچون نهی کند باز ایستند وکسی
ازاو پیش نرود وباز پس نماند هرکه باو پناه برد
محفوظ ماند وهرکه چنگ در حلقه اطاعت او زند
ایمن گردد پس او دست آویز پناه جویندگان
وپشت پناه مؤمنان وجمال وشرف جهانیان است
خدایا توفیق ده ولی خودرا بر شکر این نعمت
که او برما امام وپیشوا کردی وما رانیز نصیب کن
مثل آن شکر درین نعمت که مارا عطا کردی و
ببخش اورا از جانب خود سلطنتی موجب نصرت
وظفر وبگشا برای او ابواب نجاح کشودنی آسان
ومیسر واعانت کن اورا بان رکن خود که عزیز
تراست وقوی تر واستوار کن پشت او وقوی کن
بازو اورا وبچشم خود رعایت وبحفظ خود
حمایت کن وبفرشتگان اعانت کن وبلشکر
خود که بر هر لشکری غالب اند نصرت کن وبرپای

دار باد کتاب خود را و حدود آن و شریعتهای
آن و سنتهای رسول خود را صلوات تو و تحیات
تو خدایا بر او و بر آل او باد و زنده گردان با او آنچه
ظالمان میرانیده اند از آثار دین تو و نزدای
با و زنگار جور از طریق تو و دور کن باو سختی و
جفا از سبیل تو و برطرف ساز باو آنانرا که از صراط
تو منحرف شوند و نیست کن آنانرا که میخواهند راه راست
تو را کج کنند و نرم کن جانب او برای دوستان
تو و بگشا دست او بر دشمنان تو و ببخش ما را رأفت
و رحمت او و عطوفت و شفقت او و بگردان از
شنوندگان فرمان او و از مطیعان امر او و ساعیان
در طلب رضای او و بنصرت او بشتابیم و از
دشمنانش حمایت نمائیم و بوسیله طاعت او بر رسول
تو علیه السلام تقرب جوییم خدایا و رحمت کن بر
اولیاء ایشان آنان که معترف بمقام و منزلت
ایشان ماندند و تابع طریق و آثار ایشانند چنگ
در حلقه

در حلقه متابعت ایشان زده اند و بولایت ایشان
متمسک گشته و بامامت ایشان اقتدا کرده اند امر
ایشان تسلیم نموده و در طاعت ایشان سعی میکنند
و انتظار ایام دولت ایشان میبرند و چشمها سوی
ایشان افکنده اند صلوات مبارکات زاکیات
و سلام خالق از زمین و سماوات بر ایشان و بر ار
واح ایشان باد خدایا و منتظم گردان بر تقوی کار
ایشان و اصلاح کن حالاتشان و بپذیر توبه
شان انک انت التواب الرحیم و خیر الغافرین
و ما را با ایشان در دار اسلام همراه گردان برحمت
خود یا ارحم الراحمین خدایا این روز عرفه است
روزی شریف که تکریم و او را تعظیم نمودی و درین
روز خوان رحمت بر خاص و عام گستردی و گناهان
عفو کردی و عطاهای بسیار بخشیدی و بفضل
خود بر بندگان بخشودی خدایا و من آن بنده
ام که او را نعمت بخشیدی قبل از آفریدن و بعد

ازان پس اورا بدین خود هدایت نمودی و بحق
خود عارف ساختی و بلطف خود از ضلالت
نگاه داشتی و در جمله فریق خود داخل کردی و
بدوستی دوستان و دشمنی دشمنان خود راه
نمودی و فرمان بزد و منع کردی و ممتنع نشد
و نهی کردی از معصیت و اطاعت نکرد بندا از روی
ستیزه و عناد و نه از گردن کشی و استکبار
بلکه هوای طبع اورا خواند بانچه نهی نمودی و حذر
فرمودی ازان و یران اراده مدد کرد دشمن
تو و دشمن او شیطان پس اقدام نمودی بمعصیت
در حالتی که عارف بود بوعید و تحذیر تو ولیکن
امیدوار بود بعفو تو و واثق بود بکرم تو
و تجاوز تو و از همه بندگان تو شایسته تر
بود باینکه معصیت نکند ترا که براو ثابت بود
از تو نعمتها و منتها و این منم برابر تو حقیر و
ذلیل و خاضع و خاشع و خایف و معترف بگناهان
عظیم

عظیم که آورده ام و جرمهای بزرگ که کرده ام زینهار
جویان بعفو تو التجا کنان برحمت یقین میدانم
کسی مرا از تو نمید هد و از عقاب تو مانع نمیشود
پس ببخش مرا از فضل خود انچه بدکاران بخشی
چون زبان باعتذار گشایند و ان کن با من از
عفو و کرم که با عاصیان کنی چون خود را تسلیم
تو نمایند و عطا کن مرا انچه پیش تو بسیار نماید و
عظیم نباشد که من چشم امید بتو دارم و مرا درین
روز نصیبی بخش از رضوان خود که بان تمتعی
تام بیابم و باز نگردان با دست تهی ازان ثواب
که عابدان عباد امروز می یابند و من اگرچه طاعت
عابدان عباد بحضرت تو نیاورده ام ولیکن توحید
ترا ای اله و نفی شریک و اضداد و اشباه آورده
ام و ازان در که فرمودی ازان در سوی
تو امده ام و بوسیلتی که جز تو بان قرب تو حاصل
نگردد و تقرب جسته ام و بعد ازان انابت و تذلل

دمسکنت وحسن ظن دوثوق شفیع آورده ام وبا
اینها امید برحمت تو که صاحب چنان امیدکم
نومید کرد دیار کرده ام دظم نموده ام داز تو مسئلت
نموده ام مسئلت شخصی حقیر ذلیل درویش
فقیر ترسان زینهار جویان از روی تفرع و
خواری دالتجا دزاری نه از امر توی کشیده
بناز ورعنای ونه قدر آمت کرده وکردن افرا
خته بشفاعت اهل شفاعت ومن هنوز از هر
کمتری کمترم واز هر خواری خوارترم همچو مورچه
خرد واز ان هم کمترم پس ای خداوندی که بدکا
ران رفق ومدارا نمودی ومتنعان باسپاس
را بخشم نراندی وزجر ننمودی وای انکه برا
فتادکان ببخشود برخطاکاران تفضل فرمودی
منم بنده کناه کار معترف بخطا لغزیده از جاده
طاعت تو منم دلیری کرده بر مخالف تو ومنم دا
نسته ارتکاب نموده معصیت تو منم کناه خود

از بندکان

از بندکان پنهان داشته وباتو ظاهر ساخته منم
از عباد ترسیده واز تو ایمن کشته منم از سطوت
تو نهراسیده واز قهر تو ترسیده منم برخود ستم
کرده وخود را اهلاک نموده منم درکرد بلاد عذاب
وکردار ناصواب مانده منم بیشرمی نکرده واز روی
تو شرم نکرده ومنم در دست جفا وعنای بی انتها
کرفتار شده بحق انان که برکزیدی از جمله خلق
خود وآنان که اختیار نمودی برای خود دبحق
خیار عباد تو وانان که قایمند بکار تو بحق انان
که موالاتشان بموالات تو مقرونست ومعادا
تشان بمعادات تو منوط بپوش مرا به پرده
رحمت خود درین روز همچو آنان که بسوی تو
زاری کنند واز کناه خویش بیزاری جویند و
باستغفار تو درپناه کریزند وتوبه وانابت
نمایند وبامن ان کن که با مطیعان ونزدیکان
میکنی وچنان دارکه مقربان وخاصان خویش

رامیدار بندی و ممتاز گردان بانچه ممتاز میکردانی
بان قوم را که بعهد تو وفا کردند و جان خود را در
راه رضای تو جفا دادند و در راه طاعت تو خسته
و رنجور گردانیدند و مگیر مرا بتقصیری که در باره تو و
از حدود تو تعدی نمودم و با من استدراج مکن
بکشانیدن وقت و بخشیدن قدرت و نعمت
تا غافل و دلیر شوم بر معصیت همچو استدراج بعضی
بدخواهان که خیر خود از من باز و روزی با تو در
نعمت شریک نگشته باشد و بیدار گردان مرا از خواب
غافلان و غفلت اسراف کاران و محی سعادتان
و مایل گردان دل مرا باین کار که مطیعان را بران
داشتی و عابدان را توفیق دادی و مقهور از ان
رهانیدی و پناه ده از ان کار که دور گرداند مرا
از حضرت تو و حجاب گردد میان من و نصیب
من از رحمت تو و مانع گردد از انچه میجویم از
جوار عزت تو و میسر گردان برای من آنکه بسوی
تو

دارد

بسوی تو سالک طاعات بسیرم و از ان راه
که فرموده بجناب تو مسابقت نمایم و مطابق فر
مان تو در ان باب ایستادگی کنم و بتقصیر راضی
نشوم و بنیت ناخیر مکن مرا در جمله آنان که متعرض
که وعید و تحذیر تو سبک میشمارند و هلاکت مکن
با انان که متعرض عقوبت و سخط تو میگردند و
از راه تو منحرف میشوند و برهان مرا از گرداب های
فتنه و بلا و خلاص کن از کام نهنگ عنا و جفا
و زینهار ده از گرفتن ناگاه بعد از مهلت دادن
و کشانیدن بر وجه امتحان و ابتلا و حجاب شو
میان من و میان دشمنی که گمراه کند و هوی و
هوسی که مرا اشتباه گرداند و عیبی و علتی که مرا فرو
گیرد و کار بر من سخت گرداند و اعراض مکن از
من چنان اعراضی که بعد از غضب خوشنود
نگردی و مایوس مکن از امیدی که بتو دارم تا
نومیدی بر من غالب نگردد و از رحمت تو دور

گرداند و امتحان مکن بانچه طاقت ان ندارم تا زیر
بار گران بمانم و برخواستن نتوانم و از دست رها
مکن مرا رها کردن کسی که در او خیری نبود و ترا
باو حاجت نباشد و اورا بتو توبه و انابت نبا
شد و مینداز مرا از کف انداختن کسی که از چشم
رعایت و عنایت تو العیاذ بالله افتاده باشد
و رسوای و شرمساری باو احاطه نموده باشد
بلکه دست من بگیر تا در چاه نیفتم و براه نزدم
و همچو مغروران نلغزم و در ورطه هلاکت نافتم
و عافیت بخش از انواع محن و بلا که طبقات بند
گان از زن و مردان مبتلا کردی و برسان
بحالت مقبلان که بایشان عنایت و اهتمام
نمودی و نعمت بخشیدی و راضی گشتی پس زنده
داشتی بخوشی و عافیت و میرانیدی بفوز
و سعادت و در گردن من طوقی کن از توبه
و انابت تا خود را باز دارم انچه موجب ابطال
حسنات

حسنات و اذهاب برکاتست و شعار دل من
گردان لباسی از دجار و احتراز از قبایح و گناهان
که موجب رسوائی در محضر عرصاتست و مشغول
مگردان مرا بانچه بخود نتوانم یافتن از انچه بی
ان راضی نشوی از من و بانچه ضامن گشته برا
من تا زنده ام از انچه مرا فرمودی که بجای آور
دم و بکن از دلم حب دنیائی دنی که مرا از کار
تو منع میکند و از وسیلت جستن بتو باز میدارد
و از قربات غافل میسازد و آراسته کن در چشم
و دل من انکه با تو شب و روز در خلوت و تنهای
مناجات کنم و مرا از جانب خود عصمتی بخش که
بترس کاری نزدیک سازد و از ارتکاب معا
صی دور اندازد و از اسیری مناهی برهاند و پاک
گردان از الودگی چرک عصیان و بشوی از من
چرک گناهان و بپوشان مرا تشریف عافیت
خود و رداء معافات از افات و محیط گردان

بمن نعمتهاء خود از همه جهات وجمع کن نزد من
هر گونه فضل ونعیم خود وقوت بخش برکار بتوفیق
وتسدید خود ویاری ده بر نیت نیک وگفتار
حمیده وکردار پسندیده ورها مکن مرا بحول و
قوت من واز حول وقوت خود دور میفکن
وشرمساری مکن در انروز پیش اولیاء خویش
وهیچ وقت وهیچ حال مرا از ذکر وشکر خود
غافل مگردان چون جاهلان غافل گردند واز
یاد نعمتهای تو غایب شوند مرا بیدار وحاضر
گردان ونصیب کن که ثنا گویم بر نعمتها که مرا بخشیده
واعتراف کنم باحسانها که بامن کرده ونیازمندی
من بخویش از همه نیازمندان غالب وحمد
من ترا بر حمد همه حامدان فایق گردان و
رها مکن مرا خوار وپیمدکار روز در ویشی وا
واحتیاج بتو وهلاکت مکن باعمال بد که فرستاده
ام بسوی تو ومحروم برمگردان از رحمت خود
همی

همچو معاندان وخلاف کنند زیرا که من ببدو
تقصیر خویش اعتراف دارم وتسلیم میدانم که حجت
تو بر من تمام است وتو بفضل اولیتری وباحسان
لایقتری واهل انی که بندگان از تو ترسند واهل
انی که گناهان ببخشی وعاصیان را بیامرزی وتو
الها بعفو کردن اولیتری از عقاب کردن و
بپوشیدن نزدیکتری از رسوا کردن پس مرا
زندگانی بخش بخیر وخوشی چنان زندگانی
که انچه من میخواهم انتظام دهد بمرادها برساند
بر وجهی که کاری ناپسندیده نکنم ومعصیتی مرتکب
نشوم وبمیران چنان مردنی که روشنی علم پیشاپیش
واز جانب راستم میرفته باشد وخوار گردان مرا
در حضرت خود وعزیز گردان نزد خلق چون
با تو خلوت کنم مرا پست وافتاده ساز ومیان
بندگان بردار وصاحب مرتبه ساز وبی نیاز کن
ازان کسی که بی نیاز است از من وبیفزا نیاز

مندی و احتیاجم بجناب خویشتن و پناه ده از
شادکامی اعدا و نزول بلا و از خواری و عناد
گناهان که از من دیده عفو کن و بپوشان چنا
نچه لایق است که بپوشاند تا در بر عقوبت
اگر حلم نکند و توانا بر مواخذت اگر بردباری و
مدارا نکند و خون خواهی قوی را در فتنه و بلا
ندازی یا بدی رسانی مرا از ایشان برهان در
حالتی که دست در تو زنم و در پناه تو گریزم و
چون مرا در دار دنیا رسوا نکردی در آخرت نیز
رسوا مساز و جفت کن نعمتهای اولی را بنعمتهای
آخر و عطاهای قدیم بعطاهای حادث و دراز مکن
روزگار مهلت مرا چندانکه دلم را قساوت فرو گیرد
از طول زمان و مساعدت ایام و مکوب مرا زیر قدم
فتن و حوادث کوفتنی که رونق عیش و قدر و
قیمت من ببرد از تتابع محن و تلاحق آلام و دا
قع مساز در کاری خسیس که سبب آن قدم پست
گردد

گردد یا امری نالایق که از آن جهت منزلتم از نظر
ها بیفتد و مرا مترسان چنان مرا که نومید و حیران
شوم و از غایت فزع و هراس دلم از جا و ستم از
کار برود و چنان کن که از وعید و تحذیر تو بتر
سم و از تمام حجت تو بر خود حذر کنم و نزد تلاوت
آیات تو هراسان گردم و معمور گردان شبهم
را به بیداری در عبادت و خلوت برای طاعت
و از دل بر داشتن از هر چیز و انداختن موانع
و اشغال از خاطرم برای انس با تو و آرام گرفتن
بحضرت تو و حاجتهای خود بر تو عرضه کردن
و طلب خلاصی از آتش نمودن و در آن باب
کوشیدن و خروشیدن و الحاج نمودن و
سخن باز گردانیدن و از عقوبت آتش
و اهل دوزخ زینهار خواستن و در پناه تو
گریختن و رها مکن مرا در طغیان و عصیان سر
گشته و حیران و در هجوم غمها و فتنها جهان

شیفته و سرگردان تا روزگاری دراز بر اینحال
بگذرانم پس ناگاه در چنگال مرگ بام و مبتلا کن
مرا در فتنه و بلا تا دیگران از من پند گیرند و حال
من موجب اعتبار الوالابصار گردد یا مردم
در حال و اطوار من نظر کنند و در دین یا دنیا
مفتون گردند و مرا از انان مگردان که با ایشان
مکر میکنی همچو شخص که از راه دوستی قصد جفا
کند و دشمن را غافل در بلا افکند و مرا بر مگردان
از سیرت پیشین و بجای من غیر مگزین همچو
سلطان زمان که خشم گیرد بر بعضی نزدیکان
و جای او بدیگری بخشد و او را از حضرت خود
براند یا او را بکشد و غیری بجای او بر گشد
و مال نعمت او بدیگری رساند و نام من تغییر
مده و نام شقاوت و سوء خاتمت بر جبین من
منه و جسم تبدیل مده مکن و بعلل و اسقام معیوب
مگردان و مرا افسوس خلق مساز تا مرا دخوار و بازیچه
سازند

سازند و استهزا نمایند و هم مسخر بیکار خود مگردان همچو
بندگان که یکدیگر را مسخره بیکار گردانند و بمزد
تعب و جفا رسانند و بر ایشان بخندند و نه تابع
و خادم دیگران مکن تابع رضا و فرمان تو و نه خوار
و خدمتکار و سختی کش همچو خربندگان مکن برای
انتقام از دشمنان تو و مرا زنده کن بنسیمی از گلشن
عفو عمیم و لطف کریم و نفسی عنبر شمیم از جنت
نعیم و بچشان کام مرا چاشنی فراغت از مشاغل
دنیا و اندیشه تحصیل معیشت تا اقبال کنم بهمگی
همت بکار آخرت و سعی کنم با نچه مرا قرب بخشد
بحضرت عزت و مرا تحفه بخش از ان تحفها که نزد
تست و معامله ام در کار خود سودمند گردان و
ازین تجارت مرا زیان مرسان و چون بتو باز
گردم چشم دارم که زیان و بدروز کار نباشم و
مرا از مقام خویش بترسان و بلقاء خود مشتاق
گردان و توبه نصوح روزی کن تا هیچ گناه از خود

بزرگت بان توبه باقی نگذاری و ذنوب آشکار
و پنهان بان محو سازی و از سینه ام برکن
ریشه کینه و حسد بر مؤمنان و دلم را با خاشعان
مهربان گردان و با من چنان باش که هستی
با صالحان و بپوشان مرا زینت متقیان
و ببخش لسان صدق و ذکر جمیل در آینده گان
و نام بلند در آخریان و بیار مرا بمیان گروه
پیشینان که سابقانند و مقربان نعمت خود کامل
و وافر ساز بر من و کرامتها متکاثر و متواتر ساز
نزد من و دو دستم از منافع خویش پر گردان
و مواهب کریم از جناب خود سوی من بران
و با اولیای خود که اطیب و اطهرند از جمله بندگان
مجاور گردان در جنتها که مزین ساخته برای سر
وران عباد خود و برگزیدگان و تشریفان از
عطاهای شریف مرا بپوشان در مقامات کریم
که مهیا گشته است برای دوستان و معین

گردان

گردان برای من آرامگاهی نزد خود و در بهشت
جاویدان که آنجا منزل کنم با لب خندان و چشم
روشن و مکافات مکن با من بسبب گناهان بزرگ
که اندوخته ام و بپرده حرمتم در آن روز که آشکار میگر
دد اعمال و ضمایر پنهان و دور کن از من هر شک
و شبهتی و بگردان برای من در حق راهی و مسلکی
از هر جهتی و بسیار گردان قسمتم از خوان نوال
خویش و نصیبم از احسان و افضال خویش و واثق
گردان دلم را بانچه نزد تست از نعیم بی پایان
و فهرست در رضوان و اندیشه ام را تمام ظرف آن
گردان که برای تست از طاعات و قربات و مرا
سود می بخشد در آن جهان و مرا بان کار دار که
خاصان خود را بان کار میداری تا بدرجه مخلصان
رسند و دلم را محبت طاعت خود بخش وقتی که
عقلها بهوا و هوس مشغول میگردند و جمع کن
برای من میان توانگری و پارسائی و آسودگی

او خوشی عیش و فراخی روزی و فراغت از خلق
و صحت بدن و اطمینان خاطر و امنیت و عافیت
و ناسد مگردان حسناتم را بمعصیتها که بان در آمیزد
و شرب عذب ان مکدر گرداند و نه خلواتم را برای
طاعت بوساوس باطل و اندیشهای ناسد
که مرا فتنه شود و وقت بر من بشوراند و نگاهدار
آب رویم را از انکه پیش کسی از جهانیان بریزانم
و درونق دینم را که بطلب حاجت از ناسقان
تباه گردانم و مرا برای ظالمان مددکار مگردان
و بر ابطال انچه در کتاب تست با ایشان یار
مگردان و صیانت و محافظت کن از جهتها که ا
زان بیخبرم و ضرران نمیدانم چنان محافظتی
که نگاه داری بان از مکاره دو جهان و بگشا
بر روی من درهای توبه و رحمت و رافت
خود و رزق فراخ از جانب خود زیرا که من
از نیازمندانم و تمام کن انعام مرا خود بر من که تو
بهترین

بهترین نعمت دهندگانی و انچه باقی مانده است
از عمرم در حج و عمره صرف کن برای جستن رضاء
تو یا رب العالمین و صلی الله علی محمد واله الطیبین
الطاهرین والسلام علیه و علیهم ابد الابدین وکان
من دعائه یوم الاضحی و یوم الجمعه و روز عید
قربان و روز جمعه این دعا میخوانده اند خداوندا
این روزیست مبارک و میمون و مسلمانان درین
روز مجتمعند در اطراف و اقطار زمین حاضر
میشوند ارباب دعا و مسئلت و ارباب حاجت
و طلب و نیازمندان امیدوار و اندیشه مندان
ترسکار و تو در حاجتهای ایشان نظر میکنی و
بمطالب ایشان اقبال مینمایی پس من مسئلت
میکنم از تو بحق خود و کرم تو و آسانی حاجت
من نزد تو اینکه افاضه کنی رحمت خود بر محمد و آل
او و مسئلت میکنم از تو بار خدایا پروردگارا الحق
انکه تراست پادشاهی علی الاطلاق بر همه کاینات

وترا است حمد وسپاس علی الاستحقاق از همه
موجودات نیست خدائی جز تو خداوند حلیم کریم
ورحیم ولطف عمیم پدید آورنده نقش بدیع اسما
نهاد زمین اینک هرگاه قسمت کنی میان بند
کان مؤمن خود خیری یا عافیتی یا برکتی یا
هدایتی یا توفیق طاعتی یا منت نهی برایشان
بسببی از اسباب خیر که ایشانرا بسوی تو
راه نماید یا پایه ومنزلت شان نزد تو بلند
گرداند یا بجهت ایشانرا خیر بخشی از خیر دنیا
واخرت مسالت دارم که مرا محروم تمامی ونصیب
من از رحمت خود بسیار گردانی ومسئلت
میکنم از تو بار خدایا بحق آنکه ترا است ملک
حمد نیست معبودی جز تو اینک رحمت کنی
بر محمد بنده ورسول تو ودوست وبرگزیده تو
ومختار خلق تو وبر آل او که نیکوکاران وپاکان
وبرگزیدگان اند چنان رحمتی که جز تو کسی
احصاء

احصاء ان نتواند کردند ومسئلت میکنم که مارا
شریک گردانی در هر دعای نیک که بندگان صا
لح امروز میکنند وحاجتها که از تو مسئلت مینمایم
بنده ای پروردگار عالمیان بیامرزی مارا وا
یشانرا که تو بر همه چیز قادری ای خالق جها
نها نیان بار خدایا قصد کردم بحاجت خویش
وپیش تو فرود آوردم امروز فقر ومسکنت خویش
واعتمادم بمغفرت ورحمت تو بیشتر است از عمل
من ومغفرت ورحمت تو وسیعتر وبزرگتر است
از گناهان من پس رحمت کن بر محمد وال او
وهر حاجت که من دارم بر آورده گردان بحق
قدرت تو بر حاجات عباد واسان بودن بجه
ان بر تو وبحق نیازمندی من بتو وبی نیاز
تو از من زیرا که من هیچ نفعی وچیزی نیافتم
مگر از جانب تو وهیچکس از من بدی ومکروهی
باز نگردانید جز تو وامید ندارم در کار آخرت

و دنیای خود از کسی غیر تو خدا دندا هر که امروز
مهیا و اماده گشته است و آهنگ ان دارد که پیش
مخلوقی رود بامید نفعی و عطائی و مطلبی و جایزه
که از او بیابد من ای مولای من امروز تهیه
امدن بدرگاه تو دارم و مهیای و خود بر جناب
تو گشته ام بامید عفو تو و عطای تو و جایزه
و نوال خدایا رحمت کن بر محمد و ال او و مرا نومید
مکن امروز از این امید که بتو دارم ای خداوندی
که حاجات سائلان او را ابتنکت در نیاورد و
مبالغه ایشان او را مضرت نرساند و عطا هر چند
بسیار کرده خزاین او را کم نکرداند زیرا که من نیا
مده ام بطلب مرحمت تو از روی اعتماد بعملی
نیکی که بجای آورده باشم و نه بوسیله شفاعت
محمد و اهل بیت او صلوتک علیه و علیهم بلکه
آمده ام بدرگاه تو در حالتی که اعتراف دارم بجرم
خود و بدی که با خود کرده ام بجناب تو بامید عفو
عظیم

عظیم تو که بان درگذشتی از جرایم ارباب معصیت
و بعد از روزگار دراز که بر جرم عظیم مقیم بودند
چون باز گشتند بتوبه باز گشتی برحمت و مغفرت
ای انکه رحمت تو واسع است و عفو تو عظیم است
یا عظیم یا عظیم یا کریم رحمت کن بر محمد و ال او
و باز گرد بر من و جرم من برحمت خود و مهربانی
کن با من بفضل خود و فراخ گیر بر من بمغفرت
خود بار الها این مقام خلفا و اصفیاء تست و موا
ضع امناء تست در پایه بلند که اختصاص دادی
ایشانرا بان و فضیلت نهادی بر همه خلق جهان
ربودند مخالفان و غاصبان خلافت این
مرتبه را از ایشان و تو تقدیر کردی این امر
را و بر امر تو کس غلبه نتواند نمودن و انچه تدبیر
کنی و واجب گردانی کس از ان نتواند درگذشتن
هر طور که خواهی و بسبب دیگر که تو بحکمت کامله
خود بان دانا تری متهم ندانیم ترا الهابر خلق

تو واعتراض نکنیم بر ارادت تو چنین خواستی
و تقدیر کردی تا باز گشتند اصفیاء و خلفاء تو
مغلوب گشته مقهور مانده حق ایشان از چنگ
ایشان رفته می بینند حکم مبدل ساخته اند و
کتاب تو به پس پشت انداخته و شرایع تو از را
بها خود تحریف داده اند و سنتهای نبی خود
تو ترک کرده اند خدایا لعنت کن بر دشمنان
ایشان از اولیاء و آخریان و آنان که راضیند
بفعال ایشان و بر اشیاع و اتباع ایشان
خداوندا رحمت کن بر محمد و آل او همچو رحمتها
و برکتها و تحیتها که بر اصفیاء خود ابراهیم و آل
ابراهیم نمودی و بزودی ایشان را فرج و روح
و نصرت و تمکین و تائید بخش خدایا و بگردان
مرا از اهل توحید و ایمان و از اهل تصدیق بر
سول و امامان که واجب گردانیده طاعت
ایشان آنان که این کار بایشان و بر دو دست
ایشان

ایشان جاری کرده آمین ای پروردگار عالمیان
خدایا باز نگرداند غضب ترا مگر حلم تو و سخط ترا
مگر عفو تو و زینهار ندهد از عقوبت تو مگر رحمت
تو و نجات نبخشد از تو مگر تضرع بتو و زاری پیش
دو دست تو پس رحمت کن بر محمد و آل او و ببخش
مرا از جانب خود خلاصی و فرجی بقدرت خویش
که بان زنده میگردانی مردگان را از عباد و هلاک
مکن مرا ای اله من از غم تا اجابت کنی دعای مرا
و عارف گردانی باجابت دعا و بچشان مرا طعم
عافیت تا منتهای زندگانی شماتت مده بر من
دشمن مرا و سوار مکن بر گردن من و مسلط مساز
بر من اهل جفا را خدای من اگر تو مرا بلند گردانی
کیست آنکه پست گرداند و اگر پست گردانی کیست
که بلند گرداند و اگر گرامی گردانی کیست که خوار
گرداند و اگر خوار گردانی کیست که گرامی دارد اگر
عذاب کنی کیست رحمت کند و اگر هلاک کنی

کیست معارضه کند با تو در نصرت بنده است یا از
تو سبب پرسد و من بتحقیق دانسته ام که در حکم
تو ظلم نیست و در عقوبت تو تعجیل نیست و تعجیل
انکس میکند که بترسد فرصت از دست برود و
وقت دیگر دست نیابد و کسی ظلم میکند که ضعیف
و ناقص باشد و تو برتر از انی که این نوع احتمالات
در تو گنجد خداوند رحمت کن بر محمد و آل او و مگردان
مرا هدف سهام بلا و مصیبت و نشانه سخط و عقو
بت و مرا مهلت و فرصت ده و بار اندوه بر دلم
منه و از خطا و لغزش من درگذران و به بلا از
پی مبتلا مگردان که می بینی خدایا ناتوانی و بیچا
رگی و تضرع و زاری مرا خداوندا در پناه تو میگر
یزم امروز از غضب تو پس رحمت کن بر نبی
و آل او و مرا در پناه گیر و زینهار میجویم بتو از
سخط تو پس رحمت کن بر محمد و آل او و مرا از زینهار
ده و مسئلت میکنم امان از عذاب تو پس رحمت کن
بر محمد و آل او

بر محمد و آل او و مرا ایمن گردان و راه میجویم از تو
پس رحمت کن بر نبی و آل او و مرا راه بنما و یاری
میخواهم از تو پس رحمت کن بر نبی و آل او و کار
کفایت کن و روزی میجویم از تو پس رحمت
کن بر نبی و آل او و مرا روزی بخش و استعانت
میجویم بتو پس رحمت کن بر محمد و آل او و مرا اعانت
کن و مغفرت میطلبم از تو برای گناهان گذشته
پس رحمت کن بر محمد و آل او و مرا بیامرز و میخواهم
مرا نگاهداری از معاصی بعصمت خویش پس
رحمت کن بر محمد و آل او و مرا نگاهدار اگر خواهی
و عاصم باشی هرگز من عود نکنم بکاری که از من
نپسندی یا رب یا حنان یا منان یا ذا الجلال
و الاکرام پس رحمت کن بر محمد و آل او و اجابت
کن همه این حاجات که از تو خواستم و طلب
نمودم و در ان باب زبان بنیازمندی گشودم
و اراده کن حصول ان مطالب را و تقدیر کن و قضا

کن وامضا کن وانچه قضا میکنی خیر من در ان
گردان وبرکت وسعادت ده مرا در ان وتفضل
کن بر من بان ونیکبخت کن مرا بانچه می بخشی
ازان وبیفزا از فضل خود ووسعت رحمت
خود که جود تو بسیارست وکرم تو بیشمار وبا این
حاجات خیر آخرت ونعیم جنت منضم گردان یا
ارحم الراحمین وبعد ازان هر دعا که خواهی بکن وهزار
بار صلوات بر محمد وال او بفرست که انحضرت چنین
میکرد وبعضی از علماء گفته اند که اگر وقت وسعت
ان نداشته باشد که هزار صلوات بر زبان راند
بگوید اللهم صل علی محمد واله الف مرة واین نکته
خالی از لطف بنیت ومثل این در لا اله الا الله
هر وسیت وکان من دعائه فی دفاع کید الاعداء
ورد باسهم دعاء جهل ونهم در دفع کید دشمنان
در فهم ودفع ضرر ایشان این دعا فرموده اند مناسب
اکابر واکاظم مردمانست که ایشانرا از هر نوع دشمنان
وحفان

وحفان قوی باشند واز روی ظلم وطغیان
قصد هلاکت واضرار ایشان نماید الهی مرا هدایت
کردی ومن غافل شدم وپند دادی ومن سخت
دل شدم ونپذیرفتم ونیکوئی کردی ومن عصیان
نمودم بعد ازان شناختم چه بد کردم چون مرا شنا
سانیدی پس ترا حمد الهی خود را بی اندیشه در وا
دیهای هلاکت انداختم وبارتکاب معاصی در در
های تلف در آمدم ومعترض سطوات وعقوبات
تو گشتم ووسیله که دارم بتو توحید است ودست
آویزی که دارم اینست که شرکت نیاوردم وبا تو
خدای نگرفتم وبسوی تو گریختم وجان خود را به پناه
تو رسانیدم وگریزگاه عاصی جناب تست وپناه
بی نصیبان محروم درگاه تست چه بسیار شمشیر
عداوت بقصد من برکشید ودم خنجر برای من
تیز کرد وزهر قاتل برای من درخیسانید وتیرهای
کید بجانب من راست کرد وچشمش از پاسبانی

نمی خفت در دل داشت که مرا جفائی رساند و زهری
هلاهل خوراند پس دیدی یا الهی توانائی و ضعیفی
مرا از تحمل جفاها گران و عجز مرا از انتقام دشمنان
و تنهای مرا در بسیاری عدد خصمان که در کمین
من نشسته بودند و بلاها آماده کرده بودند که من
از ان بیچز بودم پس مرا از تفضل خود نه با استحقاق
برایشان نصرت دادی و کس و پشتم قوی کردی
و دم تیغ دشمن بشکستی و اورا بعد از بسیاری مدد
کاران تنها گذاشتی و قدم من بر او بیفراشتی
و آن تیر که بقصد من در کمان کید نهاده بود باد باز
گردانیدی تا بازگشت جانب و خار خشمش از من
شفا نیافته و آتش کینه اش از من ساکن نگشته
دست و لب میگزید از غصه و غم و پشت داد بهزیمت
از من چون افواج سپاه معادن از او جدا شدند
و چه بسیار ستمکار نابکار که کیدها در راه من گسترده
بود و دامهای بلا بقصد من نصب کرده بود و پیوسته
در کمین

در کمین من بود و مراقبت و جو مینمود همچو سبعی
که صیدی رانده باشد و در کمین او خود را بزمین
چسبانده باشد تا کجا دست یابد و صید ضعیف
از هم بدرد و از چاپلوسی و نفاق با من در ظاهر
بشاشت و شگفتگی مینمود و بچشم تمام در باطن
سوی من مید مید چون دیدی الهی ضمیر دغلش
و نیت پر غش دغلش سرنگونش در چاه خود
انداختی و بعد از سرکشی و بلندی ذلیلش ساختی
و در دام بلا که نقش بسته بود مرا در ان گرفتار
پسند گرفتار کردی و نزدیک بود اگر نه رحمت
تو می بود که بمن فرود آید آنچه باو فرود آمد و
در آن چاه که خود افتاد مرا بیندازد و چه بسیار
حاسد بدخواه که بسبب من غصه در گلویش
مانده بود و خشم در حلقش گره شده مرا بزبان
آزرده میکرد و با نواع عیوب طعن مینمود و عرض
مرا هدف سهام مطاعن کرده بود و بر گردن من

می بست عیبها که همیشه در خودش بود مرا از خم میزد
بکر خود و قصد میکرد بکید خود پس خواندم ترا
ای اله من استغاثه کنان در حالتی که در وثوق
داشتم بانکه دعای من زود باجابت رسد و
میدانستم که هر آنکس در پناه حمایت تو جا گیرد :
مقهور کسی نگردد و هر که بحصار انتصار تو ملتجی
شود خوف و هراس از او دور باشد پس محفوظ
ساختی مرا از جفا و بیم او بقدرت خود و چه بسیار
ابرهای مکروه و دشواری که از من زایل گردانیدے
وابرها از نعمت و خوشی که بر من بارانیدی و چه
نهرها که از دریای رحمت سوی من روان ساختی
و جامهای عافیت که بر تن من پوشانیدی و
چشمهای فتن و حوادث که سوی من مینگریست
نابینا کردی و محو نمودی و سختیها که مرا احاطه
کرده بود و فرو گرفته زایل ساختی و چه بسیار
امید و گمان نیک که بتو داشتم محقق کردی و در تنگی
و بی

و بی چیزی که تدارک نمودی و بر بستر ناتوانی
و سختی افتادم و برداشتی و خواری و مسکنت
از من بکردانیدی اینها همه از روی انعام و فضل
و احسان تو بود و من در همه حال بر معاصی مقیم
بودم و بر گناهان پای می افشردم چندین معصیت
من مانع نشد ترا از اتمام احسان و چندین لطف
تو باز نداشت مرا از ارتکاب عصیان سوال
نرسد کسی را بر کار تو و سوال کردند بتحقیق
بندگان از تو و عطا کردی و سوال نکردند و ابتدا
نمودی و از فضل تو درخواستند و بخل ننمودی
نکری تو مکر احسان و امتنان و تطول و انعام.
و نکردم من مکر تعدی از مضمون فرمان و غفلت
از وعید و جزاب بر آثام پس ترا حمد ای اله من
ای توانائی که مغلوب نگردی و ای خداوندی
که مدارا و حلم کنی و در عقوبت شتاب نکنی این
مقام بنده ایست که اعتراف دارد بوفور نعمتها

تو در مقابل ان تقصیر آورده است و کواهی میدهد
بر خود که حقوق نعمت تو ضایع کرده است یارب
بتو تقرب میجویم بملت رفیعه محمدیه و طریقه بیضاء
علویه و توجه میکنم بجناب تو بوسیله ایشان و چشم
دارم که مرا در پناه کیری از شر آن و آن و فلان
و فلان که این کار بر تو دشوار نیست و در جنب
قدرت تو بسیار نیست و تو بر همه چیز قادری پس
ببخش مرا ای اله من از مایه رحمت و احسان و توفیق
بر دوام خود انچه نزد باقی سازم از ان و بالا ایم
بدرجات رضوان تو و ایمن شوم از عقوبت تو
بغفران تو یا ارحم الراحمین و کان من دعائه علیه
السلام فی الرهبة

دعای پنجاه نهم در مقام ترس و هیبت از حق عز و جل میخوانده اند

خداوندا تو
مرا تمام خلقت افریدی و از کودکی تربیت کردی
و فی حوالت بغیر روزی دادی خدایا من یافتم
آیتی از کتاب تو در بشارت عباد تو که کفتی یا عبادی
الذین

الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله
ان الله یغفر الذنوب جمیعا ای بندکان من که ا
سراف کردند و ستم از حد بردند بر نفسهای خود
نومید مکردید از رحمت خدا بدرستی که خدای عز
و جل می آمرزد جمیع کناهان را و از من انها صا
در شده است که تو میدانی و از من دانا تری ای
رسوائی من از ان معاصی که در کتاب تو مکتوبست
و در صحیفه عمل مضبوطست و اکر نه لطفها میبود چشم
دارم از عفو تو که همیشه چیز را شامل ست دست
رها کردمی و خود را در هلاکت انکندمی و اکر میتوا
نست کسی از پروردکار خود بکریزد من سزا
وار بان بودم که از تو بکریزم و بر تو پوشیده نکردد
هیچ پنهانی در زمین و نه در آسمان مکر بیا
وری از او حاضر سازی و چون تو جزا میدهی
همین بس و چون تو حساب میکنی دیکر چه
یارب تو مرا میجوئی اکر بکریزم و می یابی اکر

پنهان شوم اینک پیش تو آمده ام خاضع ذلیل روی
روی بر خاک نهاده اگر عذاب کنی من اهل آن هستم
و عدل کرده باشی واگر عفو کنی عفو تو از قدیم
شامل حال من بوده است ولباس عافیت
در بر من کرده است پس مسئلت میکنم ای خدای
بحق آن اسماکه نزد تو بحر و سنت و بحق مجد و بهاء
تو که از وراء حجابها مستورست که رحمت کنی بر
این جان نالان هراسان من و برین مشت
استخوان پوسیده بی تاب و ناتوان من که طا
قت گرمای آفتاب ندارد پس طاقت آتش
عقاب تو کجا آرد و طاقت آواز رعد تو ندارد
طاقت صولت غضب تو کجا آرد پس رحم کن
بر من خدایا که بس حقیر و خوارم و من کیستم
و در چه شمارم من چه باشد و عذاب من در
پادشاهی تو مثقال ذره بیفزاید واگر می افزود
مسئلت میکردم که مرا صبر بخشی و دوست میداشتم

سلطان

سلطان خود بیفزایی ولیکن سلطان تو خدایا
بزرگتر برتر و ثابت ترست که طاعت مطیعان
دران بیفزاید یا معصیت عاصیان او را بکاهاند
و گم گرداند پس رحم کن یا ارحم الراحمین و درگذر
از تقصیر من یا ذا الجلال والاکرام و در پذیر توبه
من انک انت التواب الرحیم و کان من دعائه
والتضرع والاستکانه این دعا در عرض زاری و
مسکنت پیش حضرت عزت میخوانده اند الهی ترا
حمد میکنم و تو اهل آنی بر نیکویی و احسان که با من
نمودی و نعمتهای کامل که رسانیدی و عطای بسیار
که کردی و مرا تفضیل دادی از رحمت خود و تمام
کردی بر من نعمت خود با من آن نیکویی کردی
که از شکر آن عاجزم واگر احسان تو و نعمتهای فرا
وان تو نبود نمیتوانستم بنصیبی برسم و خود را
اصلاح کنم ولیکن تو بی سابقه خدمت و استحقاق
با من احسان بی نهایت کردی و همه کار من

کفایت کردی وسختی وبلیت وقضای بد از من بکر
دانیدی الهی چه بلاهای سخت که از من باز دا
شتی وچه نعمتهای کامل که بان چشم روشن
وچه لطیفهای بزرک که با من کردی توئی ان
خداوند که دعای من وقت اضطرار اجابت
نمودی وبر خطا ولغزش من بخشودی وداد
من از دشمنان بستدی الهی ترا بخیل نیافتم چون
از تو سوال کردم ومنقبض ندیدم چون از تو
حاجت خواستم بلکه ترا یافتم که دعای من میشنو
دی وحاجات من عطا میکنی ویافتم نعمت تو بر
من تمام است در هر حال ودر هر زمان پس تو نزد
من سزاوار حمد وسپاس وکردار تو نزد من پسندیده
وپذیرفته است وبران شکر واجب است ترا حمد
وثنا میکند نفس من ولسان من وعقل من حمدی
که وفا کند بحقیقت شکر ادا کند حمدی که بحد رضای
تو برسد پس مرا از خشم وعقوبت خویش برهان

ای

ای پشت وپناه من وقتی که درمانم وبهیچ طرف راه
نیابم ای بخشنده خطای من نمی پوشیدی رسوا
کشته بودم ای یاری کننده من اگر نصرت تو
نمی بود مغلوب ومنکوب شده بودم ای انکه پاد
شاهان یوغ وذلت وطاعت تو بر کردن نها
ده اند واز سطوات تو میترسند ویا اهل التقوی
ویا من له الاسماء الحسنی میخواهم که از من عفو کنی وبیا
مرزی بی کناه نیستم تا معذرت خواهم وتوانا نیستم
تا جفا از خود دفع کنم وکریزکاه ندارم تا بکریزم
میخواهم از خطاهای من درکذری وکناهان من
بخشی ومعذرت میخواهم وبیزار میکردم از کناهان
که بمن محیط کشته است ومرا در بلا افکنده است
از کناهان بسوی تو کریختم وپشیمانی ان پس توبه
من بپذیر وبتو ملتجی شدم پس مرا در پناه خویشتن
کیر واز تو امان میخواهم پس مرا بپذیر واز تو مسئلت
میکنم پس مرا محروم مساز چنک در تو میزنم مرا

بچنگ بلا مسپار ترا میخوانم مرا نومید مگذار ترا خواندم
ای رب من در حالتی که مسکین و درمانده ام و تر
سان و هراسان و درویش و بیچاره ام مینالم پیش
تو و شکایت میکنم از ضعف و عجز خویش که نمیتوانم
شتافتند در طلب ان نعمتها که دوستان را بان وعده
داده و بشارت رسانیده و اجتناب نمودن
از عقوبتها که دشمنان را از ان ترسانیده و شکایت
میکنم از کثرت هموم و وسوسهٔ نفس و اندیشهای باطل
یارب مرا رسوا مکن و گناهان مرا اشکار مکن ای کریم
همه وقت میخوانم ترا و اجابت میکنی و چون تو
مرا میخوانی دیر اجابت میکنم و هر حاجت که میخواهم
و هر جا که هستم راز خود با تو درمیان مینهم غیر تو
را نمیخوانم و بغیر تو امید ندارم لبیک لبیک آواز
شکایت کنندگان میشنوی و کار متوکلان ساخته
میگردانی و مرهمی آنرا که چنگ در تو زدند و
فرج می بخشی هر کرا بتو ملتجی شود پس محروم مکن
مرا

مرا از خیر آخرت و دنیا بسبب ناسپاسی و بیامرز
گناهان مرا که میدانی اگر عذاب کنی بان کار در خورم
که ظالم و مقصر گناهان مکار و جفاکار و کامل و زیان
کارم و اگر بیامرزی تو بان در خوری یا ارحم الراحمین
وکان من دعائه علیه السلام فی الحال علی الله تعالی
در مقام الحاح و دعا و مبالغه در عرض حاجت بحق
تعالی میفرموده اند ای خدای جهان که پنهان
نیست بر تو چیزی نه در زمین و نه در آسمان
و چگونه مخفی ماند بر تو الها انچه تو خلق کرده و چگونه
احصا نکنی و شمار ندانی انچه را خود ساخته و آفریده
یا چگونه غایب ماند از تو انچه تدبیر آن در دست
تست و چون تواند از ملک تو بگریزد کسی که حیات
او برزق تست یا چگونه خلاص شود از چنگ تو
کسی که آمد و شد او جز در ملک تو نیست سبحانک
آنان که بتو داناترند خایفترند و آنان که ترا اطاعت
کننده ترند خاضعترند و خوارترین همه نزد تو اکس

انکس است که تو اورا روزی میدهی واو عبادت
دیگر میکند ونظر در رضای غیر دارد سبحانک سلطان
ترا کم نمیگرداند انکه با تو شریک دعوی کرد ورسولان
ترا تکذیب نمود ونمیتواند امر ترا رد نماید انکه ترا
کاره بود وسر باز نتواند زدن از حکم انکه قدرت
ترا منکر شد وسلطان تو پاینده است واز چنگ
تو بدر نرود انکه غیر ترا عبادت نمود واز او چشم
حمایت داشت ودر دنیا مخلد نماند انکه لقاء ترا کا
ره بود وعلامات ترا تو نمیخواست سبحانک ما
اعظم شانک واقهر سلطانک منزهی تو خداوندا
چه عظیم است شان تو وقاهرست سلطان تو وچه
شدیدست قدرت تو ونافذست امر ومشیت
تو سبحانک قضا کردی مرگ را بر همه خلق خود
چه موحد وچه کافر وچه صالح وچه طالح وهمه لابد
شربت موت بچشند وهمه البته سوی تو باز گردند
پس تراست بزرگی وبزرگتری نیست جز تو خداوندی
توی

توی یگانه وتنها بی شریک وبی همتا ایمان دارم
بتو وتصدیق میکنم برسولان تو وقبول دارم کتاب
ترا ومنکرم غیر تو بر معبودی را وبیزارم از انان
که غیر ترا پرستند خداوندا بامداد وشام میکنم درحالتی
که اندک میشمارم کار خود واعتراف میکنم دارم بگناه
خود واقرار میکنم بخطاهای خود من از انجا که تجاوز
نمودم از حد طاعت تو وستم کردم بر نفس خود خوار
وذلیلم عمل من موجب هلاک من شد وهواهای
من مرا در مهالک انکند وآرزوها مرا محروم ساخت
پس مسئلت میکنم از تو ای مولای من مسئلت کسی
که جانش علیل است از درازی امیدها وبدنش ذاهلست
از راه سکون رگها ودلش مفتونست بنعمتهای بسیار
که یافته است وکمتر نگران میکند که کارش بکجا میرسد
میکشد وآخر برسرش چه می آید سوال کسی که آرزوها
براو غلبه کرده است وهوای اورا مفتون ساخته
ودنیا براو دست یافته واجل بر سرش سایه افکنده

مسئلت کسی که گناهان خود بسیار شمارد و بخطای
خود اعتراف نماید مسئلت کسی که او را غیر تو پرورد
کاری و جز تو خداوندی نیست و رهاننده از تو ندارد
والتجا بجنابت تو نمیکند الهی سوال میکنم از تو بحق تو
که بر همه خلق واجب است و باسم عظیم تو که امر
کردی رسول خود را تا ترا بان اسم تسبیح کند و
بجلال وجه کریمت که کهنه نگردد و تغییر نیابد و از حال
نگردد و فانی نشود اینکه رحمت کنی بر محمد و آل او و
بی نیاز کنی مرا از همه چیز بعبادت خود و تسلی دهی
از دنیا بمخافت خود و ثواب بخشی بجلایل کرامت
خود که من بتو میگریزم و از تو میترسم و بتو استغاثه
مینمایم و امید از تو دارم و ترا میخوانم و بتو التجا
میکنم و بتو اعتماد دارم و از تو استعانت میخواهم
و بتو ایمان می آورم و بر تو توکل میکنم و بر جود
و کرم تو تکیه میکنم و کان من دعائه علیه السلام فی
التذلل لله عز و جل

دعای پنجاه و سیوم در افتادگی

نمودن

نمودن و خود را خوار ساختن خدای عز و جل

پروردگارا گناهان مرا ساکت گردانید و عاجز
گرد و سخنم منقطع شد هیچ حجتی ندارم که بان چنگ
در زنم اینک من اسیر ببلای خود مانده ام در گرد
عملهای خود سرگشته ام در خطای خود متحیرم در کار
خود از هر چیز دل برداشته ام و امید بریده ام خود
را باز داشته ام در جای آلودگان بمعصیت تو بد
بختان دلیر بر مخالفت و زیانکاران می پروا
بان وعده ها که کردی بر طاعت پاکا خداوندا چه
جبر و ستمت بر تو کرده ام و چه غفلت و جهالت
است که خود را بان در غلط افکنده ام خداوندا همین
رحم کن بر حال من که قدمم لغزیده است و بسر درآمده
ام و بروی گراهی در خاک افتاده ام اگر جهل کردم
تو بحلم بگذران و اگر بد کردم تو باحسان مقابل گردان
که من بگناه خود مقرم و بخطای خود معترفم اینک
من در دست تو ام خود را تسلیم میکنم بقصاص گردن

اگر قصاص میخواهی از من رحم کن خدایا بر پیری و
موی سفیدم و تمام شدن مدت عمرم و نزدیک
رسیدن اجلم و رحم کن بر ضعف و عجز و درویشی
و بیچارگیم خداوندا من و رحم کن بر من وقتی که از
دنیا منقطع گردد اثرم و محو شود از میان آدمیان
خبرم و از خاطرها فراموش شوم همچو آنان که از این
فراموش شدند مولای من و رحم کن بر من آن
وقت که تنم کهنه گردد و اعضایم از هم بپاشد
و بند بندم از هم بریزد آه از غفلت من آه ندانم
با من چه خواهند کردن مولای من و رحم کن بر
من در حشر من و نشر من و در آن روز مرا در صف
دوستان ایستاده گردان و همراه ایشان باز
گردان و در جوار خود مسکن ده ای پروردگار
عالمیان و کان من دعائه علیه السلام فی استکشاف
الهموم این دعا برای دفع اندوهها و غمها
میخوانده اند ای زداینده زنگ اندوه از دلها
وزایل

وزایل کننده غبار غم از خاطرها ای رحمن و رحیم
در آخرت و دنیا رحمت کن بر محمد و آل او و این
اندوه از دلم ببر و این غم بردار یا واحد یا احد
یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
نگاهدار مرا از خطاها و پاک ساز از آلودگیها
و رفع کن از من بلا و عنا پس آیة الکرسی و قل
هو الله احد و معوذتین بخوان و بگو خدایا از تو
سوال میکنم سوال کسی که سخت درویش و بیچیز
و ناتوان و ضعیف و گناهکار و شرمسار باشد
سوال کسی که نیابد برای درویشی و احتیاج
خود دادرسی و برای ضعف و خواری خود
تقویت کننده و برای گناه خود آمرزنده غیر
تو یا ذالجلال والاکرام از تو مسئلت میکنم عملی
که دوست داری هر که اگر آن عمل کند و یقینی
که نفع بخشی بآن هر کس را که در آن بر حقیقت
یقین باشد و امر تو البته نافذ و ماضی شناسد

خدایا رحمت کن بر محمد و آل او و نفس مرا با صدق
و اخلاص پیوند کن و از دنیا حاجتم قطع کن و بانچه
نزد تست راغب گردان تا مشتاق لقای تو باشم
و مرا بجود توکل صادق عطا کن تا التجا بهیچکس
دیگر ننمایم از تو مسئلت میکنم خیر کتابی که گذشته
است سوال میکنم از تو خوف عابدان و عبادت
خاشعان و یقین متوکلان و توکل مؤمنان
خدایا رغبت مرا در مسئلت خود همچو رغبت اولیاء
خود گردان در مسالتهاشان و ترس و هراس
مرا همچو ترس و هراس ایشان دبکار دار در انچه
موجب رضای تو باشد چنانچه هیچ چیز در کار
دین ترک ندهم از خوف خلق تو خدایا این حا
جت منست درین حاجت بزرگ گردان رغبتم
را و ظاهر کن عذرم را و یقین کن حجتم را و عافیت
بخش در ان جسدم را خدایا هر که بامداد کند و او را
اعتمادی و امیدی بغیر تو باشد من بامداد کردم

و اعتماد

تاریخ تولد خدیجه ولد کربلائی علی دلیل

۲۸ ع (۱) ۱۳۴۱ از لث چهار هشت رقبه

سنه

۱۳۵۲
۱۳۴۱
۱۱

تاریخ تولد ... جمادی الاول ۱۲۰۹ ... ربیع الاول ۱۳۴۹

تاریخ ... زهرا ... ۱۳۵۳

... دوشنبه چهارم ... ۱۲۱۵

... ماه ۱۳۱۲ ... رجب چهارم

... ربیع الاول ... کربلا ... چهارشنبه ...

... میرزا حسن ...